



خدا آفرین

تورکجه - فارسی

فرهنگی ، اجتماعی ، علمی

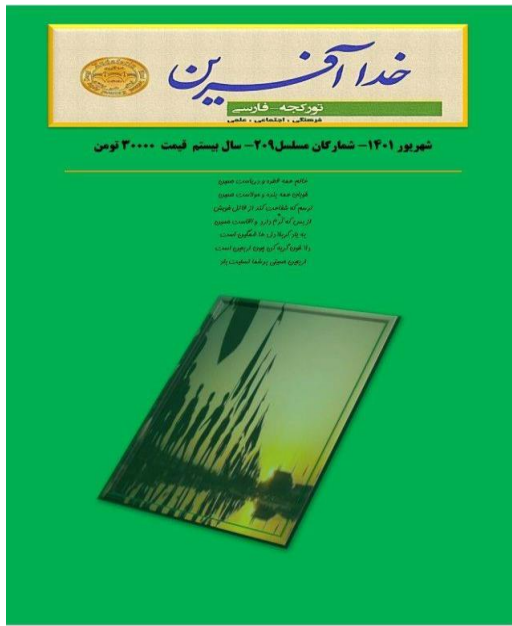
شهریور ۱۴۰۱ - شمارگان مسلسل ۲۰۹ - سال بیستم قیمت ۳۰۰۰۰۰ تومن

عالم همه قطره و دریاست حسین
فویان همه بندره و مولاست حسین
ترسم که شفاعت کند از قاتل فویش
از بس که گرم دارد و آقاست حسین
به یاد کربلا دل ها غمگین است
دلا فون گریه کن چون اربعین است
اربعین حسینی بر شما تسلیت بار



الله

خدا آفرین 209



شماره مسلسل ۲۰۹ - شهریور ماه - سال ۱۴۰۱ - ۹۶ صفحه

مدیر مسئول سردبیر و صاحب امتیاز:

دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

خبرنگاران: علی محمدنیا

ویراستار: سمیه ستاری فر

مدیر سایت: مهندس فرید ستاری فر

زمینه مجله:

فرهنگی، مسایل اجتماعی، معلومات عمومی، طنز و سرگرمی سالم

روش مجله:

آموزشی، تحلیلی، خبری، اطلاع رسانی، پژوهشی

گستره توزیع: آذربایجانهای شرقی غربی؛ اردبیل؛ تهران

آدرس چاپخانه: تهران چهار راه خانقاه پاساژ گوهری نسب چاپ ارسباران/پ ۳

نشانی مجله تهران خیابان وصال شیرازی پلاک ۷ طبقه سوم واحد ۵

تلفن: ۰۹۱۹۱۲۲۸۱۹۱۶ / ۶۶۴۶۰۸۹۵ - فاکس: ۰۶۶۴۹۳۰۸۴

نحوه ارسال مقاله:

تایپ شده بصورت word به ایمیل یا آدرس ماهنامه به زبانهای ترکی و فارسی

جهت معرفی آثار دو نسخه همراه با توضیح مناسب ارسال نمایید.

اشتراک ماهنامه: شش ماه ۳۵۰۰۰۰ و یکساله ۶۵۰۰۰۰ هزار تومان

به شماره کارت بانک شهر ۷۰۰۷۸۶۴۷۹۳۸۹ به نام حسین شرقی دره

جک واریز نمایید.

KHUDAFARIN

Cultural and scial mnthly magazin managng Directr cncessiner

and chief Editr: Dr. HÜSEYN

ŞARQİDƏRƏCƏK(SOYTÜRK)

XUDAFƏRİN

Aylıq Elmi, İctimai, mədəni Dərgi

Təsisçi və Baş Redaktor: Dr. HÜSEYN

ŞƏRQİDƏRƏCƏK(SOYTÜRK)

say 209 Eylül 2022, Tehran

tiraژ: 3000

www.khudafarin.ir

Telegram: <https://t.me/xudafarindergisi>

khudafarin@yahoo.com

ایچینه کیلر:

۲- حسین محمدزاده صدیق (دوزگون) آرمیزدان کوچدو

۳- حسین محمدزاده صدیق (دوزگون) را بیشتر بشناسیم

۲۲- کولانی لر تورک طایفاسی دیر

۲۶- تورک دیل بیلیمی

۴۲- اوزبک تورک شاعیری یوسوف امیری

۴۳- قانلی کریمس

۴۵- ایران دا حکایه یازما تاریخی

۵۲- دده قورقود درگیسینه اوتری باخیش

۵۵- ساتیریک گولوشون غضبی

۵۶- دونیا طنز شعرینین آرشی

۵۹- مفتون امینی وعاشیقلی کروان کیتابی

۶۲- آذربایجان سیاسی و مدنی حیاتیندا آغا بییم آغ جاوانشیر

۷۶- کوزه (حکایه)

۸۰- شعریمیز - شاعیریمیز

www.khudafarin.ir

اربعین حسینی را تسلیت

میگوییم

تورک دونیاسینین و اولکه میزین دیرلی تور کولوق، آراشدیرماجی، یازار و شاعیر اوغلو پروفیسور حسین محمدزاده صدیق (دوزگون) آرامیزدان کوچدو.

Türk dünyasının və ölkəmizin dəyərli türkoloq – araşdırmacı yazar və şair oğlu
Prof.Hüseyn Məhəmmədzadə sədiq (DÜZGÜN) aramızdan köçdü.

مدیر مسئول و سردبیر :

دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

Sorumlu müdür və baş yazar :

Dr. Hüseyin Şərqiđerəcək (SOYTÜRK)



تورکلوپون ائمز علمی بایراگی اولان استاد بوندان
سونرا دا سرحدسیز تورک ادبیاتینین توکنمز
قاینای اولاجاقدیر.

استادیمیزی یاخیندان تانیان بیری کیمی اونون
بوتون الده ائدینیملریندن اویرنن اویرنجی کیمی
اونون چوخ شاخه لی ادبی- علمی و ژورنالیستیک
تجربه لریندن چوخ فایدالانمیشام.

تورکجه " سهند " گوندلیندن تانیدیغیم و
امکداشلیق ائدیم استادین روحو قارشیسیندا
باش اییرم و بو عوض اولونماز ایتگینی تورک
اولوسونون بوتون خالقارینا اوزلیکله ادبی و مدنی
هم ژورنالیستکامیزین چالیشانلارینا باش ساغلیغی
دیله بیرم. خدافرین درگیسی امکداشلاری
آدیندان سایقی دیر عایله سینه و سئولرینه
تسلیت دیریک. باشینیز ساغ اولسون //

استادین علمی سائیتیندان گوتوردویوموز
بیوگرافیک معلوماتی اولدوغو کیمی اوخوجولارا
تقدیم ائدیریک.

چهارشنبه ایکی شهریور
۱۴۰۱ یعنی ۲۴ آقوست
۲۰۲۲ ده اولکه میزین و
تورک دونیاسینین دیرلی
ائولادی استاد حسین



محمدزاده صدیق (دوزگون) تهران دا ابدیته
قووشدو.

هر بیریمیز اونون نه قدر دیرلی اولدوغونو بوندان
سونرا داها دا بیله جه ییک. سوز سوز کی بوتون
تورک دیل و ادبیاتینی سئولرین اونلا بیر خاطره
سی واردیر. آنجاق اونملی اولان اودور کی، او بیزه
داها بویوک امانت و خاطره لر قویوب گئدرک هر
بیریمیزی اونون الده ائتدی قازانیملاری قورویوب
ساخلاماگی و توسعه ائتدیرمک اینامینی داها
یوکسک سویه ده صاحیلنمک اولکوسونه
آشیلامیشدیر.

آذربایجان و اورتادوغو ادبیات تاریخینده اونملی
چکییه مالیک اولان استاد دوزگون هم ده
یارادیجی بیر مکتب ایدی. البته کی یوز ایللر بویو
او اویره نیله جک و آنیلاجاقدیر.



دکتر حسین محمدزاده صدیق (دوزگون) را بیشتر بشناسیم

تهیه و تنظیم: علی محمد نیا

تحقیقی استاد، به نقد و بررسی اجمالی سخنرانی‌هایشان در چند کنگره‌ی ادبی و علمی پرداخته شود.

در این مقاله که تحقیق نظری به شیوه‌ی تحلیل محتوا است، مطالب و اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

مقدمه

یاد کرد و معرفی بزرگان علم و ادب و کندوکاو در زوایای مختلف زندگی آنان و اشراف بر روح متعالی ایشان و مطالعه در آثاری که از خود به یادگار گذاشته‌اند، امروزه از اهمّ اموری است که باید به شایستگی آن جام گیرد و آینه‌وار پیش روی جوانان گذاشته شود، زیرا بیان و تبیین حیات علمی و فضایل شخصیت‌های برجسته‌ی اجتماع، شیوه‌های تبعیت از روش‌ها و منش‌های استادان بزرگوار را به دانشجوی و جوانان ما می‌آموزد و البته که این رسالتی است شایان توجه و خدمتی است بس گرانقدر برای نسل‌های آینده که باید وارث و حافظ هویت‌های علمی و فرهنگ ملت خویش باشند.

اطلاع از احوال و آثار و تحولات، عظمت فرهنگ و مفاخر علمی و ادب ملت و ممکت ایران، ضرورت شناخت فرهیختگان را بر ما فرض می‌کند. اعظام و اکابری که زندگی خود را وقف دانش و پژوهش کرده، در توسعه و تکمیل و تجلی شخصیت ملی و فرهنگی جامعه‌ی خویش، رسالتی بزرگ را ایفا نموده‌اند. یکی از نمونه‌های بارز این فرزندگان، دکتر حسین محمدزاده صدیق است که با سابقه‌ی درخشان خدمات فرهنگی خود در تاریخ و فرهنگ و ادب، مسندی ویژه دارد و دستمایه‌های قلمی وی اعمّ از نگارش و تألیف و



چکیده

استاد دکتر حسین محمدزاده صدیق از بزرگان فاضل و استادان بنام و خستگی‌ناپذیر ایران در قرن معاصر است که در زمره‌ی اساتید دلسوز و محققان و نویسندگان پرکار و زحمتکش محسوب می‌شود. با توجه به تسلط و اشراف بالا و کامل ایشان در مباحث مختلف از جمله: ادبیات، زبان‌شناسی، فولکلور، روزنامه‌نگاری، ترجمه، شعر و... ایشان صاحب تألیفات بسیار، چه به صورت کتاب و چه مقاله در این زمینه هستند.

در این نوشتار، قصد بررسی همه‌ی جوانب زندگی این بزرگمرد استاد، ادیب و شاعر ایرانی نیست. بلکه سعی گردیده به طور موجز به معرفی این شخصیت کم‌نظیر ادبی و علمی ایران اسلامی در قالب زندگی‌نامه، تحقیقات، تألیفات، مجموعه‌های اشعار، ترجمه‌ها و دیدگاه بعضی از اهل قلم درباره‌ی ایشان و همچنین از میان مقالات

فرهنگی، سوار بر توسن علم و ادب، نیکنامی اندوختند. (محمد داوریار اردبیلی، ۱۳۸۹: ۷)

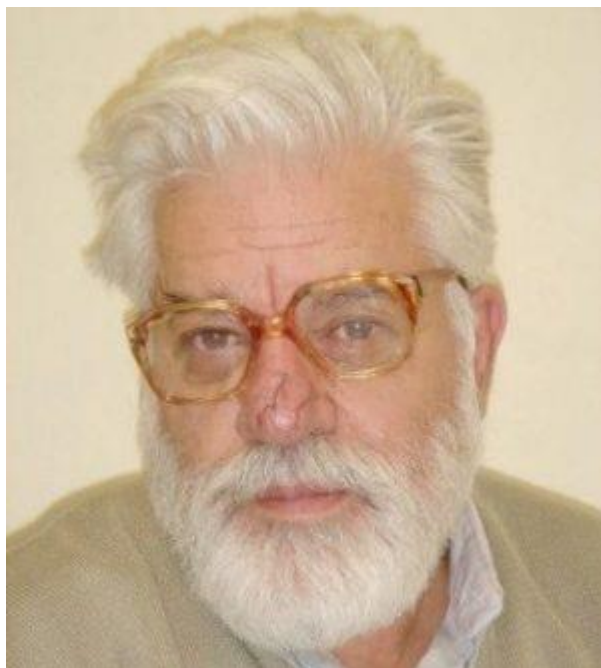
استاد دکتر صدیق مردی چند چهره و شخصیت چند بعدی که فعالیت‌های علمی ایشان ابعاد گوناگون داشته که شگفت‌انگیز و بهت‌آمیز است. ایشان علامه‌ای به تمام معنی، با متانت علم و تدقیق عالمانه‌اش آثار ماندگاری تحویل جامعه علمی- ادبی کشور داده‌اند که در نوع خود بی‌بدیل است.

(محمد داوریار اردبیلی، ۱۳۸۹: ص ۷).

وی استادی لایق، محقق تیزبین، شاعری پراحساس و مبارز، مترجمی امین و دقیق، روزنامه‌نگاری مدیر و مدبر، سخنرانی پرجذبه، منتقدی بی‌رحم و مهربان، نویسنده‌ای قهار و زبان‌شناسی راه‌گشا (محمد رضا کریمی، ۱۳۷۷: ص ۱۷) هستند که درباره‌ی ابعاد مختلف این شخصیت در حد مقدمات سخن خواهیم گفت.

دکتر صدیق از شخصیت‌هایی است که با پشتکار خود به درجات عالی علم رسیده است. بارها در رژیم سابق زورورزان مانع تحصیلات رسمی وی شده‌اند، اما او در کنار فعالیت‌های علمی و ادبی قهارانه، به تحصیلات رسمی هم پرداخته است. او پس از اخذ درجه‌ی PH.D از دانشگاه استانبول در سال ۱۳۶۲ و بدون توجه به دعوت‌های کشورهای همسایه و داشتن ویزاهای اقامت از کشورهایمانند کانادا، به خاک وطن بازگشت (مصاحبه‌های علمی پدرم، ۱۳۸۱: ص ۱۳) او در زمره‌ی معدود کسانی است که سالیان سال با عشق و علاقه‌ی وافر به تحقیق و تفحص در زبان و فرهنگ و ادبیات اسلامی پرداخته است.

به جرأت می‌توان گفت که اگر امروز زبان و فرهنگ و در کل هویت ملی ما می‌تواند در برابر



ترجمه و شعر در قلمرو تاریخ ایران، ادبیات آذربایجان، شعر، تاریخ ادبیات و تصوّف ایران، نثر انتقادی و تصحیح متون نظم و نثر و... جایگاه مخصوص به خود را دارند. استاد دکتر حسین محمدزاده صدیق در زمره‌ی افرادی است که در نیم قرن فعالیت خود جز فرهنگ‌پروری کاری نکرده است. آثار و تألیفات ارزنده‌ی وی گواه این ادعاست و جزء معتبرترین منابع و مراجع جویندگان و پژوهندگان است. وی از جمله شخصیت‌هایی است که با کارهای خود به فرهنگ مکتوب و رسمی این مرز و بوم، صادقانه و عاشقانه خدمت کرده است.

وی از معروفترین نویسندگانی است که تألیفات ایشان اتم از تاریخ و ادبیات و شعر و ترجمه به ۳۵۰ کتاب و رساله می‌رسد و تعداد مقالاتشان از هزار فقره افزون‌تر است. ایشان برخلاف بسیاری از دوستان و هم‌قلمان در گذشته که به دنبال امور سیاسی رفتند، تنها به ادب و فرهنگ و نویسندگی گراییدند و بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی و به بار نشستن استقلال و آزادی‌های

وقتی از دوره‌ی اول دبیرستان به دانشسرا رفت، شایع شد که همه‌ی کتاب‌های کتابخانه‌ی دانشسرا را خوانده است، زیرا با کارمندان وارد می‌شد و با آن‌ها خارج می‌شد. می‌خواست همه‌ی قله‌ها را فتح کند. (یعقوب حیدری. ۱۳۸۷: ۱۴)

دوران کودکی

استاد در مصاحبه‌ای که در سال ۱۳۷۹ با «بنیاد پژوهشی ادبیات کودکان ایران» کرده‌اند، از مادرشان بسیار با عزت یاد کرده و افتخار می‌کنند که دوران کودکی خود را با او سپری کرده‌اند: «مادرم شاعر بود. پیوسته موزون و مقفاً سخن می‌گفت و قادر بود با تکیه بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موسیقایی زبان ترکی، هر صحبتی را به شعر تبدیل کند. بی‌گمان در سال‌های کودکی من، لالایی و نازلای‌های ریتم‌دار و آهنگین ایشان، در شکل‌گیری توان شاعری، در من کارگر افتاده است. مادرم سینه‌ی پر درد و غمی داشت. سخنانش پیوسته با آه توام بود. آه‌های مادرم از اعماق قلبش بیرون می‌آمد. مادرم، گاه و بی‌گاه و شاید تمام شب‌های زمستان، سر کرسی برایم ناغیل می‌گفت. از ناردان خاتون، ملک محمد، مرد قارداش و نامرد قارداش، هفت پسر پادشاه، دختر شاه سمرقند، کچل و ماجراهای متعدد او. قصه‌های شاه عباس، قصه‌های روباه و غیره را اول بار از مادرم و شاید هم فقط از مادرم شنیدم. او از قدرت خلاقه‌ای در قصه‌سرایی و موزون‌سازی برخی پاره‌های آن برخوردار بود. مادر او یعنی مادر بزرگ من، شکر ننه‌ی سینه‌ی پر قصه‌ای داشت. من شکر ننه را به ناغیل گفتن می‌شناختم و نه چیز دیگر، شکر ننه‌ی وقت‌ی قصه می‌گفت، همه ساکت، مست و مبهوت می‌شدیم. او طوری افسانه می‌گفت که

هجمه‌های فرهنگ‌ستیزان پایداری نماید، مرهون مساعی اشخاصی هم‌چون ایشان است (مهندس امیر چهره‌گشا، ۱۳۸۸: ص ۷۶). پژوهش‌های استاد در زمینه‌های مختلف، امروزه در محافل علمی و دانشگاه‌های ایران و جهان از اعتبار خاصی برخوردار است (ائلیار آذران ۱۳۸۲: ص ۲۱).

تولد

استاد دکتر صدیق در ۱۵ تیرماه سال ۱۳۲۴ ش. برابر با ماه جولای سال ۱۹۴۵ میلادی در خانه‌ی پدری جنب مسجد آقا میرعلی در کوچه‌ی اسماعیل بقال از محله‌ی سرخاب در شهر تبریز متولد شده است.

(مصاحبه‌های علمی پدرم، ۱۳۸۱: ص ۳)

در کودکی در مسجد جامع تبریز و حوزه‌ی طالبیه نزد آقامیرزا غلامحسین هریسی، آقا میرزا عمران و مرحوم وقایعی مشکات تبریزی به تعلیم قرآن، فلسفه‌ی اسلام، فقه، احکام و اصول دین مشغول شد. از کودکی در حالی که ۱۴ سال بیشتر نداشت، در مسجد محله و اوقاتی هم در منزل به تدریس قرآن و دروس مدرسه‌ای مشغول بود. بی‌سوادهای محله را که دو برابر سن او سن داشتند باسواد کرد. (همان. ۸) او، در سال ۱۳۳۷ تحصیلات ابتدایی را به پایان رسانید و وارد دبیرستان شد و در رشته‌ی علوم ادبی مشغول تحصیل گشت. از همان ابتدا استعداد عجیبی نسبت به ادبیات پیدا کرد. به طوری که در دبیرستان او را "شاعر" صدا می‌کردند و او برای بهتر متوجه شدن درس‌ها، آن‌ها را به قالب شعر درمی‌آورد و فرمول‌های فیزیک، ریاضی و یا درس طبیعی و جغرافیا را در قالب شعر حفظ می‌کرد و انشاءهای خود را به شعر می‌نوشت. (همان، ۹)



گروه‌های مختلف خواننده را دربردارد (پروانه محمدلی، ۲۰۰۹: ۱۲۳). مواردی از دستمایه‌های قلمی ایشان را خانم معصومه بازکیایی لیست کرده‌اند که با استفاده از ثمره‌ی زحمات ایشان این سیاهه را در این جا می‌گنجانیم.

تصحیح و تحشیه

۱. آل محمد (ص) تاریخینده تشریح و محاکمه
۲. امثال لقمان
۳. پنج نمایشنامه
۴. تمثیلات تماشاخانه (۲- موسیو ژوردان)
۵. تمثیلات تماشاخانه (۴- خرس قولدورباسان)
۶. تمثیلات تماشاخانه (۱- کیمیاگر)
۷. چهار تئاتر و رساله‌ی اخلاقیه
۸. حضرت پیغمبر (ص) دن قیرخ حدیث
۹. دو سهندیه
۱۰. دیوان اشعار ترکی بایرک قوشچو اوغلو
۱۱. دیوان اشعار ترکی حکیم سید ابوالقاسم نباتی
۱۲. دیوان اشعار ترکی حکیم ملا محمد فضولی

انگار آن‌ها را حفظ کرده است، کلمات و جملات را با ژست‌های ادبی ادا می‌کرد و هیچ گاه هم دیگرگونه نمی‌شد.»

(محمد هادی محمدی، ۱۳۸۰: ۹۲)

آغاز فعالیت ادبی

دکتر صدیق وقتی از دانشسرای مقدماتی پسران تبریز فارغ‌التحصیل شد، رهسپار روستاهای تبریز و اهر گردید (م. کریمی، ۱۳۸۸: ۱۶). در روستا، ضمن معلمی، به گردآوری مواد فولکلوریک همت گماشت. او، در قصبه‌ی هریس معلم و مدیر دبستان بود و هم‌چنین در دانشگاه تبریز در رشته‌ی ادبیات فارسی تحصیل می‌کرد. (مصاحبه‌های علمی پدرم، ۱۳۸۱: ۱۰)

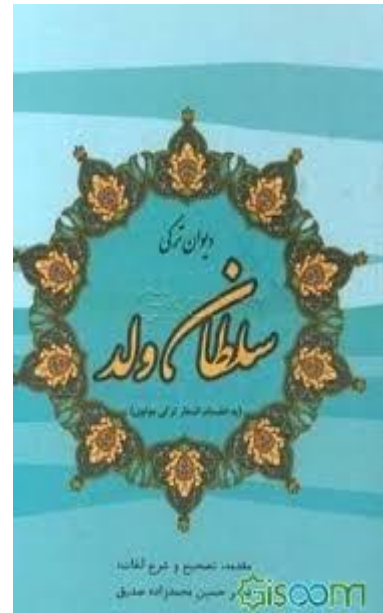
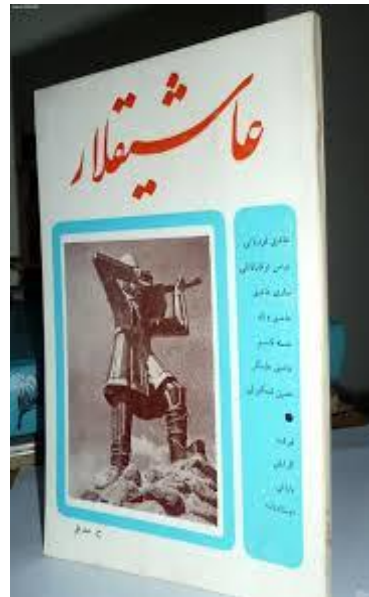
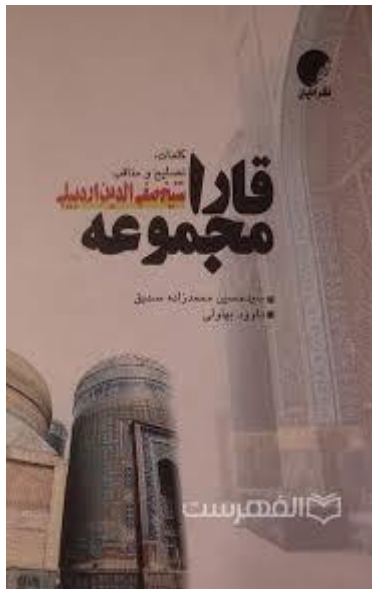
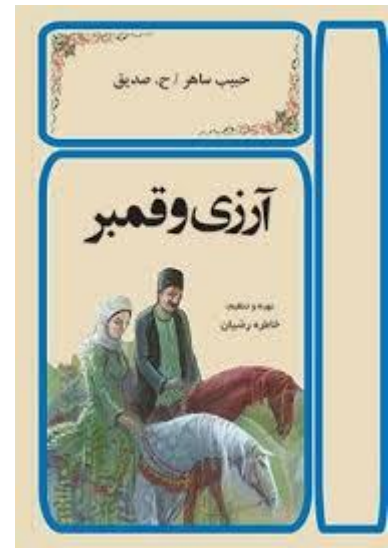
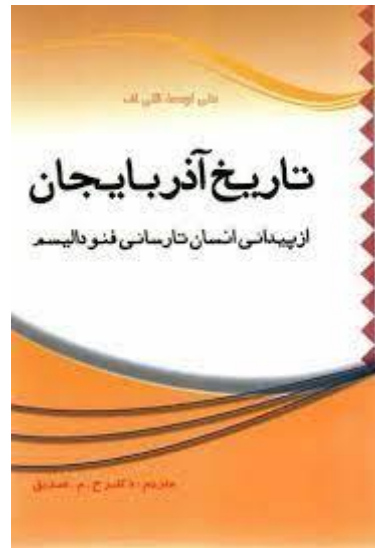
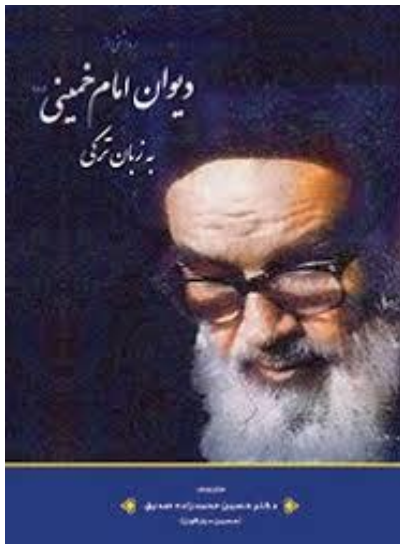
از سال ۱۳۴۴ به فعالیت‌های علمی و ادبی پرداخت. اولین مقاله‌ی او تحت عنوان "فرشته‌ی میترا و عید مهرگان" در سال ۱۳۴۴ در ماهنامه‌ی آموزش و پرورش تبریز چاپ شد. (همان جا)

در سال ۱۳۴۶ صفحه ادبی روزنامه عصر نوین را در تبریز اداره می‌کرد و در سال ۱۳۴۷ در همین شهر نشریه‌ی «هنر و اجتماع» را راه‌انداز کرد که آن را هر پانزده روز یکبار و با استفاده از امتیاز روزنامه‌ی مهد آزادی انتشار می‌داد. (همان جا)

کم بودند کسانی که در رژیم گذشته، حرص مقام و شهرت را به یک‌سو نهادند و علیه استبداد و ظلم نعره سردادند و راه مبارزه بیش گرفتند که دکتر صدیق یکی از آن‌ها بود. (جابر عالی‌شان، ۱۳۵۹: ۱۳۸۷/۴: ۹)

آثار

دکتر صدیق تألیفات و آثاری بسیاری در زمینه‌های گوناگون دارد. آثار او معمولاً رغبت



۲۲. رند و زاهد فضولی

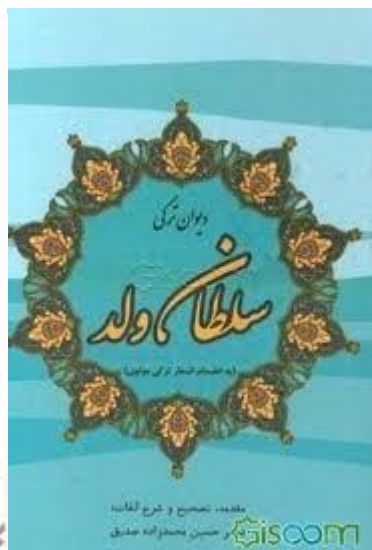
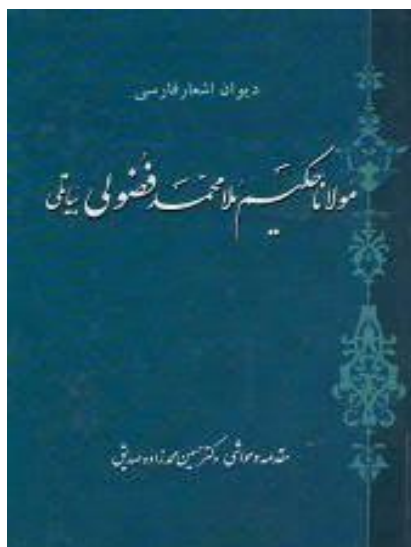
- ۲۳. سایالار
- ۲۴. قارامجموعه
- ۲۵. قارامجموعه
- ۲۶. قارامجموعه او ۲
- ۲۷. قاعده زبان ترکی
- ۲۸. قواعد زبان ترکی
- ۲۹. کلاملار
- ۳۰. گلشن راز شبستری
- ۳۱. لیلی و مجنون و باشقا اثرلری
- ۳۲. محاکمه اللغتين
- ۳۳. مقالات تربیت

- ۱۳. دیوان اشعار ترکی حکیم ملامحمد هیدجی
- ۱۴. دیوان اشعار ترکی سید عظیم شیروانی
- ۱۵. دیوان اشعار ترکی سید عماد الدین نسیمی
- ۱۶. دیوان اشعار ترکی مرتضی قلی ظفر اردبیلی
- ۱۷. دیوان اشعار ترکی ملا پناه واقف
- ۱۸. دیوان اشعار فارسی مولانا حکیم ملامحمد فضولی بیاتلی
- ۱۹. دیوان اشعار فارسی میرزا علی مجتهدی (عشقی)
- ۲۰. دیوان غریبی و تذکره مجالس شعرای روم
- ۲۱. دیوان فارسی سید ابوالقاسم نباتی



۷. قوپوزنوازان دلسوخته‌ی آذربایجان
۸. گونشلی وطن یادداشتلاری
۹. مقالات ایرانشناسی (ج. ۱ و ۲)
۱۰. واقف، شاعر زیبایی و حقیقت
۱۱. هفت مقاله
۱۲. یادمان‌های ترکی باستان

۳۴. مقالات فارسی میرزا فتحعلی آخوندزاده
۳۵. مقالات فلسفی میرزا فتحعلی آخوندزاده
۳۶. منتخب غزلیات شمس تبریزی
۳۷. نصاب اعتماد: فرهنگ لغات منظوم ترکی
۳۸. نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی
۳۹. یوسف و زلیخا

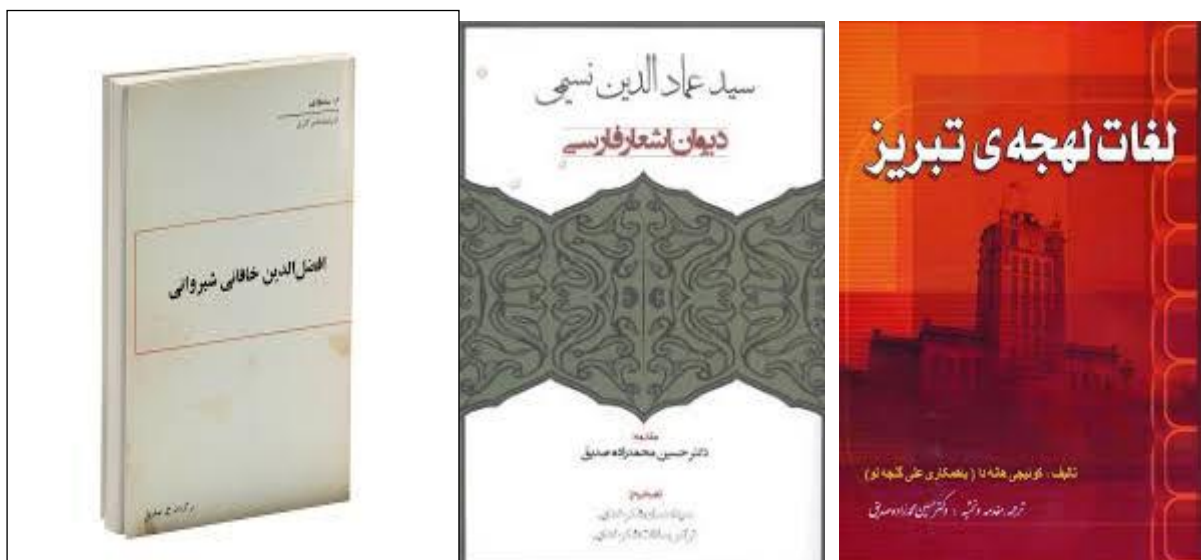


ترجمه

تحقیق و پژوهش

۱. آتا! ای ظلم گوڑموش مکتبین بایراق‌داری
۲. آثاری از شعرای آذربایجان
۳. آذربایجانین شهید عالیملری
۴. آرزوی و قمبر
۵. ارمنستان در زمان تیمور لنگ

۱. دیدی از نوآوری‌های حبیب ساهر
۲. سه سنگیاد باستانی
۳. سیری در اشعار ترکی مکتب مولویه
۴. شرح غزل‌های صائب تبریزی (ج. ۱)
۵. عارف سالک
۶. عاشیق‌لار



۶. از پیدایی انسان تا رسایی فتووالیسم در آذربایجان
۷. اسلام احکامی
۸. اصول عقاید
۹. افضل الدین خاقانی شیروانی
۱۰. انقلاب بورژوازی در انگلستان
۱۱. اوچونجو امام، حضرت حسین علیه السلام
۱۲. ایچگی و ایچمک حاققیندا قیرخ حدیث
۱۳. بهسروده‌های زرتشت
۱۴. بیرینجی امام، حضرت علی علیه‌السلام
۱۵. پیرامون پیدایش انسان
۱۶. توحیده چاغری
۱۷. جزء عم
۱۸. حضرت امام جعفر صادق (ع) دن قیرخ حدیث
۱۹. حضرت امام حسن (ع) دن قیرخ حدیث
۲۰. حضرت امام حسن عسگری (ع) دن قیرخ حدیث
۲۱. حضرت امام حسین (ع) دن قیرخ حدیث
۲۲. حضرت امام رضا (ع) دن قیرخ حدیث
۲۳. حضرت امام زین‌العابدین (ع) دن قیرخ حدیث
۲۴. حضرت امام علی (ع) دن قیرخ حدیث
۲۵. حضرت امام علی‌النقی (ع) دن قیرخ حدیث
۲۶. حضرت امام محمدالتقی (ع) دن قیرخ حدیث
۲۷. حضرت امام محمدباقر (ع) دن قیرخ حدیث
۲۸. حضرت امام مهدی (عج) دن قیرخ حدیث
۲۹. حضرت امام موسی کاظم (ع) دن قیرخ حدیث
۳۰. حضرت فاطمه زهرا (س) دن قیرخ حدیث
۳۱. حکیم ملاعبدالله زنوزی و زنوزیه مکتبی
۳۲. در شناخت هنر و زیبایی
۳۳. دو گفتار ادبی
۳۴. دیوان لغات‌الترک
۳۵. زندگی و اندیشه‌ی نظامی
۳۶. سون سؤز
۳۷. گفتارهایی پیرامون مسائل زبان‌شناسی ایران
۳۸. گفتاری درباره‌ی زبان‌های رایج فارسی در آذربایجان
۳۹. مسایل ادبیات دیرین ایران
۴۰. مسایل ادبیات نوین ایران
۴۱. مطلع‌الإعتقاد فی معرفة‌المبدا و المعاد
۴۲. قیسا سؤز لر
۴۳. مجموعه داستان‌های ماکسیم گورکی

۶. سیری در رساله‌های موسیقایی
۷. متون ادبی هنر

ادبیات کودکان

۱. چیل میدان
۲. دنیای قصه‌ی بچه‌ها
۳. دوقلوهای ترک
۴. قصه‌های روباه
۵. قصه‌های کچل
۶. یهودانین خیانتی

نقدها

۱. درباره‌ی قصه‌های کودکان‌های بهرنگ
۲. و باز هم درباره‌ی مرداد و امرداد
۳. انارستان
۴. حبیب ساهر، شاعر مردم
۵. ترجمه‌ی بوستان
۶. هجری هریسی
۷. قامت خود را بردار می‌بیند
۸. از شبستر تا شبستر
۹. ژستهای علمی ترکی ستیزان
۱۰. میرزا مآذون قشقایی
۱۱. فقدان دکتر حمید نطقی،
۱۲. پاسخ به معترض
۱۳. چون غرض آمد هنر پوشیده شد
۱۴. حماسه‌پرداز خشم شقایق
۱۵. پیرامون اشتباه مرحوم تربیت درباره‌ی
قارامجموعه
۱۶. تکمله‌ای بر کتاب
۱۷. بازی‌های باستان شناسی پان ایرانیسم‌ها بر
علیه مدنیت ترکی
۱۸. نگاهی به مطالب کتاب فارسی اول دبیرستان

۴۴. مقدمه‌ای بر فلسفه‌ی تکاملی طبیعت و
جامعه

۴۵. نسیمی (درام تاریخی در ۳ پرده و چهارده
صحنه)

۴۶. نظامی، شاعر بزرگ آذربایجان
۴۷. نمونه‌های شعر معاصر آذربایجان
۴۸. هامی ایچون اسلام
۴۹. یئنی یئتمه‌لر ایچون الله تانیما درس‌لری
۵۰. یئنی یئتمه‌لر ایچون امام تانیما درس‌لری
۵۱. یئنی یئتمه‌لر ایچون ایلاهی عدالت
۵۲. یئنی یئتمه‌لر ایچون پیغمبر تانیما درس‌لری
۵۳. یئنی یئتمه‌لر ایچون معاد تانیما درس‌لری

مجموعه شعر

۱. اردبیل لوحه‌لری
۲. آنا ما هدیه
۳. اوچغون داخما
۴. باکی لوحه‌لری
۵. تبریز یوللاریندا
۶. زنگان لوحه‌لری
۷. شیخ محمد خیابانی حماسه‌سی
۸. صمد بهرنگی (منظومه)
۹. قاشقایی لوحه‌لری
۱۰. کیچیک شعرلر
۱۱. یورد غزللری

متون دانشگاهی

۱. آشنایی با رسالات موسیقی
۲. آشنایی با متون ادبی
۳. برگزیده متون نظم ترکی
۴. برگزیده‌ی متون نظم و نثر ترکی (ج. ۱)
۵. خلاصه‌ی قانون کار و تاریخ ادبیات

۱۶. ورود آق‌قویونلوها به آناتولی
 دکتر صدیق پیش از هر چیزی یک معلم است. او سال‌های جوانی خود را در دبیرستان‌ها سپری کرده است و وقتی در اوایل دهه‌ی ۶۰ از دبیرستان به مراکز تربیت معلم منتقل شد، چند سال بعد در مرکز تربیت معلم دارالفنون مدرس نمونه شناخته شد. در آن جا نیز فصلنامه‌ای ادبی با نام دارالفنون راه‌اندازی کرد. در جایی معلم را خطاب کرده، می‌گوید: «عزیزان من! وقتی وارد کلاس شدید و در را بستید، همه چیز را، جزء بچه‌ها، فراموش کنید و خودتان را پدر روحانی و معنوی آن‌ها بدانید. گفتار و رفتار ما خیلی روی بچه‌ها تأثیر دارد. من به خودم که نگاه می‌کنم، می‌بینم آن قدر که از معلمانم متاثرم، از پدر و مادرم نیستم.» (جواد محقق، ۱۳۸۲: ص ۱۴)

امضاءها

نام علمی استاد «دکتر حسین محمدزاده صدیق» است که از دهه‌ی ۶۰ به این طرف به این اسم معروف شده است. کتاب‌هایش در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ با امضای، «ح. صدیق» منتشر شده است. اشعار ترکی او با تخلص «دوزگون» و شعرهای فارسی‌اش با امضاء «اشاون» انتشار یافته است. ترجمه‌یقرآن و کتاب‌های مذهبی خود را در دهه‌ی هفتاد با نام «حسین سرخابلی» منتشر ساخته است. امضاءهای مستعار «حمص»، «حق»، «صفدر شمایی سرخابلو»، «فاضل ترک‌تبار تبریزی» هم از آن اوست. (دکتر مرتضی مجدفر، ۱۳۸۵: ۱۸)

استاد عرفان

دکتر صدیق سال‌ها در دانشگاه‌های ما تدریس کرده است. در اواخر دهه‌ی هفتاد و اوایل دهه‌ی

۱۹. صفویه، ملا صدرا و جعبه جادویی
۲۰. مکتب غیر واقعی‌سازی و حرکت از «من» به «نا من»
۲۱. وجدان علمی و ادب کاوی صمیمانه
۲۲. پاسخ به مقاله‌ی «ظهور پان ترکیسم و ترجمه‌ی دیوان لغات‌الترک»
۲۳. تغزل‌سرای خردگرا
۲۴. شاعر خنده‌های تلخ
۲۵. کاروان سالار نثر واقعگرا
۲۶. درباره‌ی رمان «اشک سبلان»
۲۷. انسان طالعینی دوشونن شاعیر
۲۸. درباره‌ی اشعار سؤنمز
۲۹. اشک سبلان

کنگره‌ها

۱. اوزان شعری در دیوان مختومقلی فراغی
۲. تأثیر آفرینش نظامی بر ادبیات ترکی
۳. حاج غلامرضا مجدفر
۴. حکیم هیدجی و آذربایجان فیلسوفلاری
۵. خطیب تبریزی، شارح ابن سکتیت
۶. در مورد ادبیات قشقای
۷. سبک آذربایجانی در شعر فارسی
۸. سلسله‌ی مولویه و شیخ شهاب‌الدین اهری
۹. عطار
۱۰. فرزند ایل سرافراز
۱۱. کلیات غریبی منتشا
۱۲. گامی برای تدوین کتابشناسی اوحدی مراغه‌ای
۱۳. منوچهری از دیدگاه مرحوم پرفسور احمد آتش
۱۴. نگاهی به پیشینه‌ی باستانی زبان ترکمنی
۱۵. نوع سیرسوژه در منظومه‌های نظامی

همه را چشم طمع خیره به خوان دگری است،
من به جز دیده‌ی عبرت، بصری نگزینم.

تلخ آید دگران را شکر تعلیمت،
غیر از این نوش که داری، شگری نگزینم.

خبری هست تو را کاصل خبرهاست مرا،
در پی آنم و جز آن خبری نگزینم.

ای که پروانه صفت بال و پرم سوخته‌ای!
تا تو بالم ندهی، بال و پری نگزینم.

میوه‌ی عشق، ثمرهای جهان را ثمر است،
من به جز میوه‌ی عشقت ثمری نگزینم.

تا تو سلطان منی سلطنت فقر سزاست،
تا تو درگاه منی، هیچ دری نگزینم.

روح مذهبی و انقلابی

استاد از کسانی است که به امام راحل (ره)، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی عشق می‌ورزید. ایشان تمام آثار منظوم و چند کتاب منشور امام راحل (ره) را به ترکی آذری ترجمه کرده‌اند و به چاپ رسانیده‌اند. گذشته از آن، منظومه‌ای هم با عنوان «در سوک آفتاب» سروده است که انتشار آن با استقبال روبرو شده است.

(هفته‌نامه‌ی سهند، ۱۳۷۱:ش)

هم‌چنین نزدیک یکصد عنوان کتاب در موضوعات مذهبی شیعه در اوایل دهه‌ی هفتاد از طریق بنیاد بعثت در تهران انتشار داده است که در میان آن‌ها چهارده جلد سیره‌ی معصومین(ع)، چهارده جلد احادیث معصومین(ع)، پنج جلد اصول عقاید و

هشتاد اغلب دانشگاه‌های معتبر تهران، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز، ارومیه، زنجان، سمنان و غیره از ایشان برای تدریس و سخنرانی دعوت رسمی می‌کردند. در بسیاری از واحدهای دانشگاه آزاد هم از تهران، زنجان، تبریز و غیره تدریس و سخنرانی کرده‌اند. دانشجویان، اغلب شیفته‌ی دانش و رفتار استاد می‌شدند. معروف است که در نظرخواهی که در یکی از دانشگاه‌ها از دانشجویان درباره‌ی استاد شده بود، یکی از دانشجویان نوشته بود:

«دکتر صدیق سر کلاس، این قدر از ما کار کشید که درمانده شدیم، اما مایلیم ترم دیگر نیز او به کلاس ما بیاید!»

این، ناشی از سخنانی بود که وی در کلاس می‌زد و وجود آدمی را نشاطی دوباره می‌بخشید تا بتواند با چشمانی باز در طریق عشق و معنویت گام بردارد. (روزها با استاد، ۱۳۸۷: ۳)

عرفانی که شاگردان دکتر صدیق از او آموخته‌اند، عرفان اسلامی است. درباره‌ی ابعاد عرفانی استاد تاکنون از طرف علاقه‌مندان سه کتاب زیر چاپ شده است:

ادراکات (۱۳۸۴)

نجوای سکوت (۱۳۸۵)

اندریافت نو (۱۳۸۵)

یکی دیگر، مجموعه‌ای با عنوان «دیوان رها» حاوی یکصد غزل عرفانی درباره‌ی استاد و به عشق ایشان سروده و چاپ کرده است. «رها» لقبی است که شاگردان محافل عرفانی استاد به او داده‌اند. یکی از این غزل‌ها چنین است:

من به جز حضرت تو راهبری نگزینم،
همدم و مونس و یار دگری نگزینم.

همان گونه که اتفاقات بیرونی می‌تواند بر حال درونی ما اثر بگذارد، ما نیز می‌توانیم با دگرگونی حال درونی خویش بر حوادث و وقایع بیرونی زندگی اثرگذار باشیم.

هر کس به اندازه‌ی محبوب خویش وسعت می‌یابد. اگر محبوب کامل است، پس عاشق نیز می‌تواند کامل شود. اگر وسایل و کالاها محبوب کسی شود، آن‌گاه وسعت نگرش و رشد او منحصر به همان کالاهاست.

ترجمه

دکتر صدیق وقتی اثری را ترجمه می‌کند، گاهی بیش از مؤلف آن زحمت می‌کشد و طوری ترجمه را روان و نرم آن جام می‌دهد که گاهی خواننده فراموش می‌کند که این مکتوب، ترجمه است (داوریار، ۱۳۸۸: ۸). مخصوصاً ترجمه‌ی اشعار به دست او چنان است که لطافت، حساسیت، طنین، صلابت و حتی ارزش بعضی کلمات را به خواننده‌ی فارسی‌زبان منتقل می‌کند. به گونه‌ای که حس جاری بودن را ارزانی می‌دارد، بی‌آن که بخواهد با جملات و کلمات ناموزون و غیر همگون، ترجمه‌ی اشعار، را گرفتار دشوارگویی‌ها و پیچیدگی‌های لفظی کند. (همان‌جا)

از میان ترجمه‌های موفق او می‌توان به «دیوان لغات الترك» اشاره کرد که آن را از عربی به فارسی و ترجمه کرده است.

موسیقی

دکتر صدیق سال‌ها واحدهای ادبیات موسیقایی دانشکده‌های موسیقی را تدریس کرده است و عضو هیئت سردبیری ماهنامه‌ی مقام نیز بودند. با راهنمایی و زیر نظر ایشان در رشته‌ی موسیقی

کتاب «علمای شهید آذربایجان» قابل ذکراند. (فهرست انتشارات بنیاد بعثت، ۱۳۸۰)

در تمام نوشته‌های استاد روح مذهبی و عرفانی وجود دارد. اشعار مذهبی و عرفانی ایشان نیز فراوان است.

(مریم منافی ملایوسفی، ۱۳۸۱: ۴)

کلمات قصار

چند تن از شیفتگان قلم به دست دکتر صدیق، کلمات قصار و نصایح ایشان را به صورت کتاب چاپ کرده‌اند که از آن میان می‌توان به دو کتاب:

(الف) روزها با استاد [۲]

و

(ب) قدم به قدم با استاد [۳]

اشاره کرد.

با استفاده از این دو کتاب بعضی از کلمات قصار ایشان را در این‌جا می‌نویسیم:

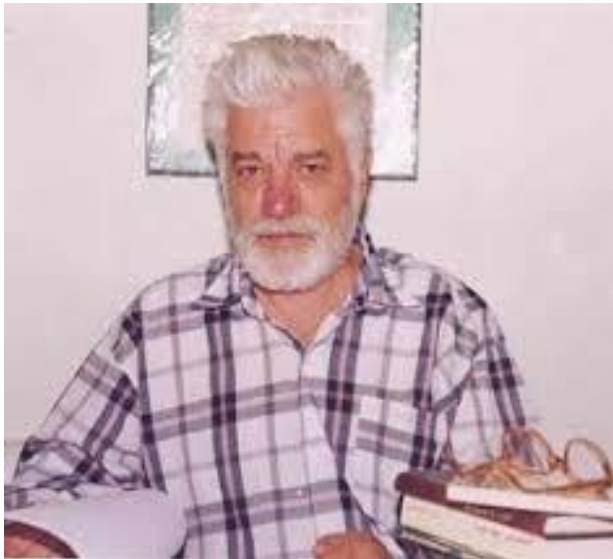
قدم اول را که برداشتی، قدم آخر را نیز برداشته‌ای و زمان حجابی است بر چهره‌ی این حقیقت بزرگ.

برای کسی که خلأ نبودنِ شعف و بشارت در زندگی را با خیالات پر کرده است، برای خود حجاب و مانع حضور بشارت و امیدواری ایجاد کرده است.

انسان زمانی نجات پیدا می‌کند که بهانه‌جویی را کنار بگذارد و با خودش صادق باشد.

باید با تمام وجود زندگی کرد. آن‌گاه نوعی شگفت‌زدگی، نوعی حیرت که نیاز به اثبات و بحث ندارد، ما را فرا می‌گیرد.

حقیقت برای یک انسان گرفتار در ظلمت، حقیقتی است که ساخته‌ی نوع زندگی، نیازها و عقاید او است.



دانشگاهی این چنین دل و عقل دانشجویان خود را مجذوب نکرده است. (نائبی، ۱۳۸۸: ۱۴)
از میان آثاری که به طور مستقل درباره‌ی دکتر صدیق انتشار یافته است کتاب‌های زیر را می‌شماریم:

۱. ایمانی، بهروز. سؤز سواغیندا؛ چاپ اول؛ تهران: مؤلف، ۱۳۷۹؛ تک جلدی؛ ۱۰۲ ص: عکس؛ رقعی.
۲. ایمانی، بهروز. لوحه‌دن لوحه‌یه، تهران، تکدرخت، ۱۳۸۹.
۳. جمعیت نویسندگان آذربایجان، مجموعه - ۱؛ تهران: شبتاب، ۱۳۵۷؛ تک جلدی؛ ۱۳۲ ص:؛ رقعی.
۴. چهره‌گشا؛ امیر. ائل قایغی‌سی؛ چاپ اول؛ تهران: مؤلف، ۱۳۸۳؛ تک جلدی؛ ۱۰۵ ص:؛ رقعی.
۵. حیدری، لیلای؛ فرجام طرح بنیاد آذربایجان‌شناسی؛ چاپ اول؛ تهران: مؤلف، ۱۳۸۱؛ تک جلدی؛ ۸۷ ص:؛ نمونه، عکس؛ رقعی.
۶. حیدری، یعقوب. کوه در کوله‌پشتی؛ چاپ اول؛ تهران: تکدرخت، ۱۳۸۷؛ تک جلدی؛ ۴۷ ص:؛ عکس؛ رقعی.

دانشگاه سوره تاکنون بیش از ده پایان‌نامه‌ی موسیقایی تألیف شده است. (ناصر به‌نژاد، ۱۳۸۷)
آخرین کتاب که از دکتر صدیق درباره‌ی ادبیات موسیقایی چاپ شده، کتابی است با عنوان سیری در رساله‌های موسیقایی که از طرف مرکز موسیقی حوزه‌ی هنری (انتشارات سوره مهر- ۱۳۸۹) چاپ شده است. در این کتاب وی پس از بحث درباره‌ی موسیقی حلال، حرام، متعالی، عرفانی، ایقاعات و سبک‌شناسی رسالات موسیقایی، شش کتاب عربی و سی و نه کتاب فارسی موسیقی را که در قرون گذشته مخصوصاً دوره‌های صفویه و قاجار تألیف شده است، عالمانه معرفی می‌کند.

شعر

اشعار حسین دوزگون بسیار ساده، معنی‌دار و گاه از لحاظ محتوا بسیار پر مفهوم و از لحاظ بیان دلنشین است. او در بسیاری از اشعار خود، معایب اجتماعی دوران گذشته را با قدرت تمام و بدون ترس و وا همه بر زبان آورده است و جزء شاعرانی است که اراده‌ی شکست‌ناپذیر در مبارزه داشتند. (رضا همراز ۶: ۱۳۸۰)

درباره‌ی او

در کنار بیش از سی صد کتاب، نزدیک به ده نشریه، بیش از هزار مقاله و ده‌ها کنفرانس و سمینار علمی داخلی و خارجی، باید تربیت بیش از هزار دانشجو را به کلکسیون افتخارات دکتر صدیق بیفزاییم.

سجایای اخلاقی و روح بلند استاد در پنجاه سال تلاش علمی و ادبی ایشان آن‌چنان زیاد بوده است که ده‌ها کتاب و صدها مقاله در باب ایشان منتشر شده است که به جرأت می‌توان گفت: هیچ استاد

۷. داوریار، محمد. بیر عمان بیر دنیز، تهران، تکدرخت، ۱۳۸۸.

۸. داوریار، محمد. تکریم استاد، تهران، فرهنگسرای مهر، ۱۳۸۸.

۹. دمیر، آیدین. زندگی و بعضی از آثار دکتر محمدزاده صدیق؛ استاد راهنما: دوچنت دکتر بیلگه‌خان آ. گوک داغ؛ ۲۰۰۲؛ مقطع کارشناسی رشته‌ی زبان و ادبیات ترکی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه قرق قلعه (ترکیه)؛ ۲۲۹ ص.: کتابنامه.

۱۰. رضیان، خاطره. لب‌های یخ‌بسته؛ چاپ اول؛ تهران: ائلشن، ۱۳۸۲؛ تک جلدی؛ ۱۱۵ ص.: رقععی.

۱۱. سالک، حمید. چند گفتار پیرامون پنج نمایشنامه‌ی میرزا آقا تبریزی؛ چاپ اول؛ تبریز: نوبل، ۲۵۳۷ (۱۳۵۷)؛ تک جلدی؛ ۷۴ ص.: رقععی.

۱۲. شکرخدایی، سید احسان (گردآورنده). روزها با استاد؛ چاپ اول؛ تبریز، ۱۳۸۷؛ تک جلدی؛ ۱۱۲ ص.: جیبی.

۱۳. شکرخدایی، سید احسان. ادراکات [بی‌جا]؛ تهران: گردآورنده، ۱۳۸۴؛ تک جلدی؛ ۱۲۸ ص.: عکس؛ رقععی.

۱۴. شکرخدایی، سید احسان. اندر یافت نو، چاپ اول؛ تهران: دانشگاهیان، ۱۳۸۴؛ تک جلدی؛ ۱۱۲ ص.: رقععی.

۱۵. شکرخدایی، سید احسان. دیوان رها؛ چاپ اول؛ تهران: تکدرخت، ۱۳۸۷؛ تک جلدی؛ ۱۶۱ ص.: رقععی.

۱۶. شکرخدایی، سید احسان. نجوای سکوت؛ چاپ اول؛ تهران: دانشگاهیان، ۱۳۸۴؛ تک جلدی؛ ۱۱ ص.: رقععی.

۱۷. غریبلی، دکتر اسلام. صفی‌الدین اردبیلی‌نین قارامجموعه‌سی و حسین محمدزاده صدیق؛ چاپ اول؛ باکو: نشر جاویدان، ۲۰۰۴؛ تک جلدی؛ ۱۳۹ ص.: رقععی.

۱۸. غلامنژاد بازکیایی، معصومه. کتابشناسی آثار استاد دکتر حسین محمدزاده صدیق، تهران، تکدرخت، ۱۳۸۸.

۱۹. کریمی، محمدرضا. ائلیمیزین آجیان یاراسی (شرح زندگی و آثار دکتر حسین محمدزاده صدیق)؛ چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰؛ تک جلدی؛ ۸۸ ص.: عکس؛ رقععی.

۲۰. محمدزاده صدیق، ائلدار. مصاحبه‌های علمی پدرم؛ به کوشش ائلدار محمدزاده صدیق؛ چاپ اول؛ تهران: مؤلف، ۱۳۸۱؛ تک جلدی؛ ۱۳۶ ص.: عکس؛ رقععی.

۲۱. نائبی، محمدصادق. قارامجموعه از منظر واژه‌شناسی؛ چاپ اول؛ تهران: مؤلف، ۱۳۸۰؛ تک جلدی؛ ۷۱ ص.: رقععی.

۲۲. نیایش، امید. دکتر صدیق و هویت آذربایجان؛ چاپ اول؛ تهران: زوفا، ۱۳۸۱؛ تک جلدی؛ ۹۵ ص.: رقععی.

۲۳. وظیفه، صدیار (ائل اوغلو). جشن‌نامه‌ی دکتر صدیق، تهران، تکدرخت، ۱۳۸۸.

۲۴. وظیفه، صدیار. بیر بؤلوک دورنا؛ چاپ اول؛ تهران: زوفا، ۱۳۸۱؛ تک جلدی؛ ۷۵ ص.: رقععی.

۲۵. همراز، رضا. گوللر آچاجاق؛ چاپ اول؛ تبریز، ۱۳۸۰؛ تک جلدی؛ ۱۲۶ ص.: رقععی.

بسیاری از استادان امروزی ادبیات، شاگرد و دانشجوی دیروز دکتر صدیق هستند و افتخار می‌کنند که شیوه و روش او را در تدریس پیش گرفتند. یکی از این استادان می‌نویسد: «تا به امروز که خود به تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های زنجان مشغول هستم، سبک و روش استاد بزرگوار را سرمشق تدریس خویش نموده‌ام. زیرا استاد تنها به کار درس دادن و عاقبت به

۱۴۰۱ - شهریور - ۲۰۲۲

دکتر اسرافیل باباجان استاد دانشگاه غازی در آنکارا که روزگاری هم در ایران دانشجوی خود دکتر صدیق شده بود، درباره‌ی همین ترجمه گوید:

«دکتر صدیق با این ترجمه، نه تنها متنی زیبا به فارسی‌زبان ارزانی داشته است، در عین حال محیط دانشگاهی ایران را با حقایق علمی تورکولوژی آشنا ساخته است و اثری را که برای جهان اسلام بسیار با ارزش است تقدیم فارسی‌زبانان کرده است.» (دکتر اسرافیل باباجان، ۱۳۸۸: ۱۰۱)

خسرو سرتیبی یکی از ادبای تبریز درباره‌ی دقت استاد در تصحیح متون، ضمن تحسین از تصحیح دیوان نباتی گوید: «از نکات قابل توجه در تحقیق دکتر صدیق، توجه در تصحیح اشعار و ابیاتی است که در نسخ قبلی غلط چاپی و املائی داشته و مفاهیم خود را از دست داده بودند و عنایت به تأثیر شایسته‌ی نباتی در شاعران بزرگ است.» (خسرو سرتیبی کلپیر، ۱۳۸۸: ۱۴۶)

شعر درباره‌ی دکتر صدیق

دکتر حسین محمدزاده صدیق یک ایرانی است که همه‌جای ایران را سرای خود می‌داند. همه‌ی ایرانیان به وجود چنین استاد زحمتکشی افتخار می‌کنند. تقریباً در همه‌ی استان‌های کشور حداقل یک بار حضور داشته است و مورد تقدیر و تحسین علاقه‌مندان خود شده است. در اهواز، شیراز، مشهد، سمنان، همدان، کرمانشاهان و ... در محیط‌های علمی تقدیر شده است و بر صدر نشست است. اما، برادران و خواهران آذربایجانی ما احساساتی دیگر به استاد دارند. آن‌ها احساس خود را اغلب با شعرهای ترکی بیان داشته‌اند. یکی از آن شعرهای بلند (در صد بند) سروده‌ی

نمره‌ی دانشجو اکتفا نمی‌کردند، بلکه با مهربانی و بدون توجه به نمره، دانشجو را به کار می‌گرفتند و هر بار با تکلیف قرار دادن یک تحقیق در موضوعات گوناگون ادبی، دانشجویان را به تحصیل واقعی علم و دانش فرا می‌خواندند.» (دکتر سیامک سلیمانی روشن، ۱۳۸۸: ۱۸۹)

او را علاقه‌مندانش «دائرة‌العمارف متحرک» نام داده‌اند. یکی از نویسندگان معاصر می‌گوید: در حال حاضر پرفسور صدیق به تنهایی یک دائرة‌العمارف به شمار می‌رود که در هر روز از عمرش صدها صفحه به دانش و ادبیات ایران افزوده و اندیشه‌های نو آورده است. (حسین دوستی، ۱۳۸۸: ۹۵) یکی دیگر از محققان معاصر شماره صفحات تعداد تألیفات او را بر روزهای عمر پرپرکتش تقسیم کرده، به هر روزش ۴۷ صفحه افتاده است. (دکتر مرتضی مجدفر، ۱۳۸۸: ؟)

دکتر حلیم یارقین استاد دانشگاه‌های افغانستان درباره‌ی یکی از ترجمه‌های دکتر صدیق با عنوان دیوان لغات‌الترک می‌گوید: «دکتر حسین محمدزاده صدیق با صلاحیت بایسته‌ای یکی از مهم‌ترین میراث ادبی و زبانی را به گونه‌ی بهینه‌ای به زبان فارسی به فرجام آورده و به چاپ رسانیده‌اند. این ترجمه‌ی کامل و روان نه تنها برای استفاده‌ی فارسی‌زبانان، بلکه تمام علاقه‌مندان فارسی‌دان، به ویژه افغانستان از اهمیت زیادی برخوردار است. من ترجمه‌ی تازه‌ی فارسی دیوان لغات‌الترک را کاری بهین و گامی مهم و ارزنده در گسترش لغت‌شناسی و زبان‌شناسی دانسته، استاد گران‌قدر دکتر حسین محمدزاده صدیق را به این مناسبت شادباش و تهنیت می‌گوییم و از بارگاه رب‌العزّة برایشان کامیابی‌های مزید آرزو می‌کنم.» (دکتر حلیم یارقین، ۱۳۸۸: ۱۱۸)

در شعر و نقد ادبی نیز وی صاحب سبک و مکتب است که باید به جای خود از آن بحث کرد.

این یک حقیقت است که این دانشمند در هر زمینه از علوم ادبی که کار کرده، در آن موفق شده است و راه و مکتب خاص خودش را ایجاد کرده است. (شاه نسا، ۲۰۰۷: ۳۸۰).

مراسم تجلیل

در سال‌های اخیر چند مراسم تجلیل در دانشگاه‌ها و فرهنگسراها از خدمات علمی و فرهنگی استاد در سطح ملی و استانی برگزار شد و «برگزاری این مراسم تجلیل از ایشان تنها کاری کوچک است که در مقابل ارج‌گذاری به خدمات علمی- فرهنگی‌شان صورت می‌پذیرد. بزرگان هر کشور و ملتی جزء میراث فرهنگی آن کشور محسوب می‌شوند. پس، بر همه‌ی مها واجب است که با تجلیل از این عزیزان به وظایفمان که همانا حفظ این میراث‌های گران‌بهاست عمل نماییم.» (مهندس امیر چهره‌گشا، ۱۳۸۸: ۸۳)

در مراسم‌های تجلیل از استاد، از همه‌ی استان‌های کشور اسلامی‌مان محققان و هنرمندان حضور می‌یافتند. در یکی از مراسم آقای باران یکی از هنرمندان جنوب کشور همراه با گیتار به یاد مبارزات قلمی استاد و دفاع ایشان از حقوق تزییع‌شده‌ی مردم در رژیم گذشته، دو ترانه‌ی «دخترک گل‌فروش» و «کودک واکسی» را به ایشان هدیه کردند که قطرات اشک را به چشمان بعضی از حضار، از جمله استاد آورد.

(تکریم استاد، ۱۳۸۹: ۱۶)

محمدباقر باقری (ارکین) است. او، در این کتاب که به ترکی است می‌گوید:

دیریلیگینه من قدرینی بیلدیم،

زمانه نین توزون اوزوندن سیلدیم،

گوئی گوژونه باخدیم سئویندیم گولدوم،

سنه بخش ائده رم هر نه واریمی،

الیمدن وئرمه رم سن تک یاریمی.

معنا:

من، قدر تو را وقتی زنده بودی شناختم

گرد و غبار زمانه را از چهره‌ات زدودم

چشم به چشمان سبزت دوختم و خندیدم

هر چه را دارم فدای تو می‌کنم

و یاری مانند تو را از دست نمی‌دهم.

(م. ارکین، ۱۳۸۹: ۱۴)

مکتب دکتر صدیق

مهم‌ترین مکتبی که دکتر صدیق مؤسس آن است، روش علمی شرح حال‌نویسی شعرا و علمای سلف است. وی در این کار، اول کلیه‌ی اسناد قدیمی اعم از تذکره‌ها و تواریخ را تلخیص کرده و عین متن‌های آن را ذکر می‌کند و سپس دیدگاه‌های دوست و دشمن را درباره‌ی آن شاعر عیناً نقل می‌کند و آن گاه با استفاده از اسناد، شرح حال شاعر مورد نظر را خود می‌نویسد و دیدگاه‌ها را یکی یکی به نقد می‌کشد و پس از آن مضامین و محتوای دیوان صاحب ترجمه را از داخل اشعارش استخراج کرده، نهایت مختصات لفظی و معنایی آن‌ها را می‌دهد.

این روش بسیار پسندیده، مورد توجه ادبا و علاقه‌مندان قرار گرفت. مثلاً دیوان راجی را که اخیراً کتابفروشی فردوسی در تبریز چاپ کرده است، بر اساس این مکتب کار کرده‌اند.

هنگام بحث از فعالیت‌های ادبی او در رژیم گذشته، درباره‌ی او می‌گوید:

«مردم علاقه‌ی بیش از حدی به کتاب‌های حسین دوزگون نشان دادند. از این رو مسئولان رژیم، آن‌ها را جمع کردند و مانع انتشار آن‌ها شدند.»
(Brenda shuffer, 2000/28/3)

شاه نسا رستم‌اوا - پژوهشگر جمهوری آذربایجان می‌گوید:

«حسین دوزگون در رژیم استبدادی شاه، بدون توجه به هرگونه مشکلات، با خستگی‌ناپذیری زایدالوصفی نوشت و ایجاد کرد و از عقاید و آرمان‌های خود دست نکشید، تبعیدها دید و زندان‌ها کشید و ...» (شاه نسا، ۲۰۰۷: ص ۲۸۰)

قضات

قضات اهل قلم و دانشمندان درباره‌ی دکتر صدیق معمولاً توأم با تحسین و تکریم است. او را غواص دریای معانی و وارسته از تمنیات مادی (مهندس نائی، ۱۳۸۸: ۲۹) و صاحب انرژی پایان‌ناپذیر و صاحب نظریه (داوریار ۱۳۸۸: ۵۹) و جزء افتخارات ایران زمین (مهندس چهره‌گشا ۱۳۸۸: ۷۵) به حساب می‌آورند. آینه‌ای بی‌غبار نام می‌دهند (جمشید شیبانی ۱۳۸۸: ۲۲۹) سرکرده‌ی اردوی علم و دانش می‌شناسند (حسین شهرک ۱۳۸۸: ۲۳۲) معلمی عدالت‌خواه می‌نامند (جبرائیل سیف هریس ۱۳۸۸: ۲۱۷) افتخار ملت (جعفر نور محمدزاده، ۱۳۸۸: ۲۲۰) و زبان‌شناس دانشمند ایرانی (دکتر غلام کریم ۱۳۸۸: ۱۶۹) و صاحب استعداد و خارق‌العاده و بی‌نظیر (اسدالله مردانی ۱۳۸۸: ۱۶۲) می‌شناسند او را به تنهایی یک ملت قلمداد می‌کنند (دکتر مرتضی مجدفر، ۱۳۸۵: ۱۱) و دارای پهنه‌ی علمی

علاوه بر ایران در کشورهای دیگر نیز از استاد تقدیر شده است. از جمله در سال ۲۰۰۷ در سیپوزیوم تورکولوژی در دانشگاه غازی آنکارا از او به خاطر ترجمه‌ی فارسی کتاب دیوان لغات‌الترک تجلیل به عمل آمد.

(صمیمه بولاد. Baykara: 46)

مهندس محمدرضا کریمی در کتابی که درباره‌ی شرح زندگی و آثار دکتر صدیق نوشته است، در انتهای کتابش برای او صفاتی نظیر درست کرداری، تواضع و فروتنی، جسارت علمی، خوی معلمی، شجاعت و شهامت و خیرخواهی را می‌شمارد و می‌گوید: «او دانشمندی است که در جهان علم به کسی باج نمی‌دهد. جسارت علمی او بی‌مثل است. دوست و دشمن اعتراف می‌کنند که او دانشمندی بسیار با علم است و اکتشافات علمی و زحمات وی از امکان‌های انسان عادی خارج است. او در هر جا و هر جلسه که حضور پیدا کند، جوّ جلسه را در اختیار می‌گیرد و مثل یک معلم صحبت می‌کند و برای خیر دیگران از همه چیز خود می‌گذرد.» (مهندس محمدرضا کریمی، ۱۳۷۷: ۸۶) یکی از ویژگی‌های شخصیتی استاد این است که با سعه‌ی صدر و گشاده‌رویی، پژوهندگان و شعرا و نویسندگان را می‌پذیرند و آن‌ها را از ارشاد و راهنمایی خود بهره‌مند می‌سازند. این خصوصیت اخلاقی، که متأسفانه در روزگار ما کمیاب است، در کنار ویژگی‌های دیگر ایشان مانند خستگی‌ناپذیری و عشق و علاقه‌ی بی‌پایان به فرهنگ و ادب، ایشان را تبدیل به چهره‌ای مثال‌زدنی ساخته است.

(میثم سرابی، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

کسانی که درباره‌ی دکتر صدیق اظهار نظر کرده‌اند، او را مردمی‌ترین نویسنده و پژوهشگر می‌دانند. برندا شیفر- استاد دانشگاه هاروارد-

ریشه‌های خود ایستاده‌اند، به فکر منافع و موقعیت‌های خود نبوده‌اند، بلکه پیوسته به مردم و سرزمین اندیشیده‌اند و مرزهای آرمانشان را پشت سر نگذاشته‌اند. از این جهت است که دشمنان این مرز و بوم و نوکران رنگ و وارنگ داخلی آنان، حضور او را بر نمی‌تابند و بعضی‌ها نیز که دنبال موقعیت و مقام و منافع شخصی و پیمودن نردبان‌های ترقی هستند، تئوری‌های آن‌ها را لقلقه می‌کنند تا شاید از جوّی که ایجاد می‌شود، بتوانند بهره‌برداری کنند.»

(امید نیایش، ۱۳۸۱: ۹۴)

کتاب حاضر

ما هم به نوبه‌ی خود برای عرض ارادت به محضر استاد و هم‌چنین به خاطر نشر قطره‌ای از دریای فعالیت‌های علمی ایشان، کتاب حاضر را آماده‌ی چاپ کردیم.

در بخش اول کتاب، شرح زندگی صائب تبریزی به روایت استاد را آوردیم که بخشی از آن را قبلاً در شرح غزل‌های فارسی صائب تبریزی، [۴] و بخشی دیگر را در شرح اشعار ترکی صائب تبریزی [۵] چاپ کرده بودند. که آورده‌ی ما خلاصه‌ای از این گفتارها است.

در بخش دوم، شرح ده غزل فارسی از ایشان را در این کتاب گنجانیدیم که پیش از این به صورت کتاب مستقلی از طرف انتشارات الست در سال ۱۳۷۰ چاپ شده بود. لازم به ذکر است که این کتاب در سال‌هایی که ایشان در مرکز تربیت معلم شهید مفتاح شهر ری و دانشگاه ارومیه درس دو واحدی «اشعار صائب تبریزی» را تدریس می‌کردند، انتشار یافت.

چند بعدی و وسیع می‌شناسند. (مهندس امید نیایش، ۱۳۸۱: ۵) به دوستی با او و از این که گامی در راه اشاعه‌ی آثارش برمی‌دارند، به خود می‌بالند (مهندس باقری ۱۳۸۸: ۶) او را پیر، استاد و نورچشم خود می‌دانند.

(سید احسان شکرخدایی ۱۳۸۵: ۱۲)

بعضی‌ها نیز قضاوت‌های متفاوت دارند. یکی از آن‌ها شخصی به اسم ویسمن که در دهه‌ی ۶۰ در آمریکا کتابی در موضوع انقلاب اسلامی ایران نوشت و دکتر صدیق را به خاطر جان‌فشانی‌ها که برای انقلاب اسلامی داشت، تخطئه کرد و آقای مهندس محمدرضا کریمی کتاب ائلیمیزین آجیبیان یاراسی را در سال ۱۳۷۷ در جواب او نوشت و منتشر ساخت. شخصی دیگر او را با مرحوم جلال آل احمد مقایسه کرده و آرزو کرد که او نیز «خسی در میقات» بنویسد و یا شخص دیگری موسوم به ماکان از این که ایشان، صاحب نظریه در زبان‌شناسی ایرانی هستند برآشفته و حضور ایشان را در عصر ما بر نمی‌تابد و خیال می‌کند که صاحب نظریه‌ها در علم حتماً باید روس و یا انگلیسی باشند و ما در مقابل آن‌ها کرنش کنیم!

قضاوت اهل قلم هرچه باشد، ما امروز با شخصیتی که نیم قرن به فرهنگ و ادبیات این مملکت جانانه خدمت کرده است و با عشق به این آب و خاک زیسته است، رو در رو هستیم. زانوی ادب در برابرشان بر زمین می‌نهمیم و از خداوند منان سال‌ها سلامت و نشاط برایشان آرزو می‌کنیم و به عنوان حسن ختام، آخرین پاراگراف کتاب دکتر صدیق و هویت را در این‌جا نقل می‌کنیم: «باید دانست و پذیرفت که راز موفقیت و محبوبیت شخصیت‌های مردمی و میهنی مانند دکتر صدیق فقط در آن است که اینان پیوسته بر روی

جبرئیل سیف هریس (مقاله)، جشن‌نامه، تهران، ۱۳۸۸.

جعفر نورمحمدزاده (مقاله)، جشن‌نامه، تهران، ۱۳۸۸.

جواد محقق، رشد معلم، تهران ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ (ش ۶ و ۷).

حسین دوستی، بیر قوجاق سئوگی، تهران، ۱۳۸۸.

حلیم یارقین (مقاله)، جشن‌نامه، تهران، ۱۳۸۸.

خسرو سرتیبی (مقاله)، جشن‌نامه، تهران، ۱۳۸۸.

رضا همراز، گوللر آچاجاق، تهران، ۱۳۸۶.

س. الف. نسیملو (مقاله)، جشن‌نامه، تهران، ۱۳۸۸.

سیامک سلیمانی روشن (مقاله)، جشن‌نامه، تهران، تکدرخت، ۱۳۸۸.

سید احسان شکرخدایی، اندریافت نو، تهران، نشر دانشگاهیان، ۱۳۸۶.

سید احسان شکرخدایی، دیوان رها، تهران، ۱۳۸۸.

سید احسان شکرخدایی، روزها با استاد، تبریز، ۱۳۸۵.

سید احسان شکرخدایی، نجوای سکوت، دانشگاهیان، تهران، ۱۳۸۵.

شاه نسا رستم او، تدقیقلر (ادبیات، تاریخ، فلسفه و صنعت مسأله‌لری) باکو، ش ۱، ص ۳۷۹-۳۸۵، ۲۰۰۷.

صدیار وظیفه، بیر بؤلوک دورنا، تهران، زوفا، ۱۳۸۲.

صدیار وظیفه، جشن‌نامه‌ی دکتر صدیق، تهران، تکدرخت، ۱۳۸۸.

صمیمه بولاد، Baykara، آنکارا، ۲۰۰۷.

در بخش سوم، برگزیده‌های از شرح بیست غزل ترکی را با حذف برخی موارد و تغییراتی در آن آوردیم که در این شرح جزئیات ریشه‌شناسی و معادل‌سازی در اشعار صائب و نکات دستوری و صنایع ادبی و ویژگی‌های شعری غزل‌ها مورد بحث قرار گرفته است.

در بخش چهارم، ترجمه‌های منظوم فارسی از اشعار ترکی مورد بحث را که توسط استاد انجام پذیرفته، گردآوری کردیم.

در بخش پنجم، مقاله‌ی «گزیده‌های شعر ترکی» را که درباره‌ی اشعار ترکی ذکر شده در «سفینه»ی صائب است، نقل کردیم.

امیدواریم برای علاقه‌مندان به پژوهش‌های استاد تحفه‌ای قابل توجه باشد.

منابع مقدمه

اسدالله مردانی رحیمی (مقاله)، جشن‌نامه، تهران، ۱۳۸۸.

امید نیایش، دکتر صدیق و هویت آذربایجان، زوفا، تهران، ۱۳۸۱.

امیر چهره‌گشا، ائل قایغی‌سی، تهران، ۱۳۸۳.

ائلدار محمدزاده، مصاحبه‌های علمی پدرم، تهران، ۱۳۸۱.

ائلیار آذران، فرجام هفته‌نامه فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲ (ش اول).

بهروز ایمانی، سؤز سوراغیندا، تهران، ۱۳۸۱.

بهروز ایمانی، لوحه‌دن لوحه‌یه، تهران، ۱۳۸۸.

پروانه محمدلی، Azərbaycan Mətbuatı، Tarixi Cənubi، باکو، ۲۰۰۹.

جابر عالی‌شان، صمد بهرنگی منظومه‌سی، تبریز، بهرنگی، ۱۳۸۷.

Brenda shuffer. The Formation of Azerbaijani Collective Identity in Iran, vol. 28, No. 3, 2000

[۱] در نوشتن این گفتار از مقاله‌ی آقای علی آزادمنش و خانم عاطفه درویشان به طور کامل استفاده کرده‌ایم و بعضی از جملات ایشان را عیناً در مقاله آورده‌ایم.

[۲] شکرخدایی، سید احسان. روزها با استاد، تبریز، اختر، ۱۳۸۶.

[۳] شکرخدایی، سید احسان. قدم به قدم با استاد، تهران، تکدرخت، ۱۳۹۱.

[۴] محمدزاده صدیق، حسین. شرح غزل‌های صائب تبریزی، تهران، الست، ۱۳۷۱.

[۵] محمدزاده صدیق، حسین. شرح اشعار ترکی صائب، تبریز، یاران، ۱۳۹۰.

منبع سایت علمی استاد صدیق
<http://www.drdsadigh.ir>

فعالیت‌های مطبوعاتی

«خسرو و شیرین» نظامی و «فرهاد و شیرین»
امیر علیشیر نوایی

مراغه‌لی اوحدی و تبریزی صائب
۴۰۰ ایل قاباق، اورتاق دیل اختراع ائدن: محیی

گلشنی
معاصر فلسطین شعری
الغدیر کتابی و علامه امینی

سه‌ه‌ن‌د هفت‌ه‌لی‌گین‌دن (میرزا محسن تاثیر)
م‌ع‌ر‌ف‌ی هفت‌ه‌ن‌ام‌ه سه‌ن‌د ۴ (تورکجه اطلاعات)
م‌ع‌ر‌ف‌ی هفت‌ه‌ن‌ام‌ه سه‌ن‌د ۳ (تورکجه اطلاعات)
م‌ع‌ر‌ف‌ی هفت‌ه‌ن‌ام‌ه سه‌ن‌د ۲ (تورکجه اطلاعات)
م‌ع‌ر‌ف‌ی هفت‌ه‌ن‌ام‌ه سه‌ن‌د (تورکجه اطلاعات)
م‌ع‌ر‌ف‌ی «م‌ه‌د آزادی ویژه هنر و اجتماع»

لیلا حیدری، فرجام طرح بنیاد آذربایجان‌شناسی، تهران، ۱۳۸۱.

م. ارکین، تبریزدن حیدربابایا، تهران، تکدرخت، ۱۳۸۷.

م. کریمی، ائلی‌میزین آجیان یاراسی، تهران، ۱۳۷۷.

م. کریمی، دوزگون و قارانقوش، تألیف م. کریمی، تهران، ۱۳۸۸.

محمد داوریار، بیر عمان بیر دنیز، تهران، ۱۳۸۹.

محمد داوریار، تکریم استاد، تهران، ۱۳۸۸.

محمد داوریار، محمدباقر خلخالی و ثعلبیه، تهران، ۱۳۸۹.

محمد داوریار، واقف، گوژللیک و حقیقت شاعری، تهران، ۱۳۸۹.

محمد هادی، محمدی. تاریخ ادبیات کودکان، بنیاد پژوهش تاریخ ادبیات کودکان ایران، تهران، چیستا، ۱۳۸۰.

محمدباقر باقری، تبریزدن حیدربابایا، تهران، ۱۳۸۹.

محمدباقر باقری، هفت مقاله‌ی دکتر صدیق، تهران، ۱۳۸۸.

محمدصادق نائی، دکتر صدیقین دیل بیلیم درسیگی، تهران، ۱۳۸۸.

مرتضی مجدفر (مقاله)، جشن‌نامه، تهران، ۱۳۸۸.

مریم منافی ملایوسفی، گاهنامه‌ی پژوهشی قرار، تهران، ۱۳۸۱ (ش ۳).

معصومه بازکیایی، کتابشناسی آثار دکتر صدیق، تهران، ۱۳۸۸.

میثم سرابی (مقاله)، جشن‌نامه، تهران، ۱۳۸۸.

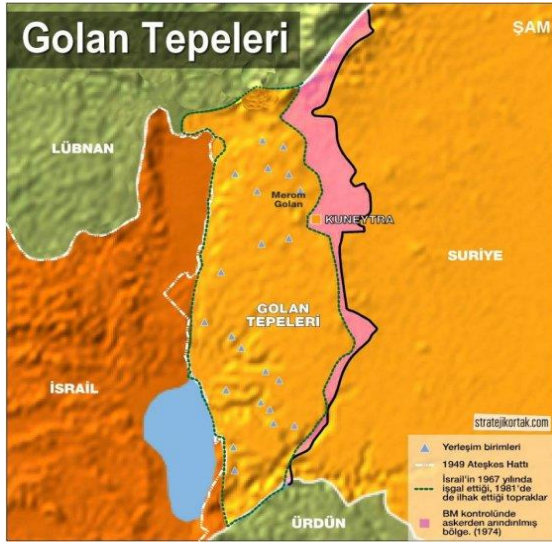
ناصر بهنژاد، سیری در رساله‌های موسیقایی، تهران، ۱۳۸۷.

نیلوفر شکرخدایی، دوقلوهای ترک، تهران، ۱۳۸۸.

یعقوب حیدری، کوه در کوله‌پشتی، تهران، ۱۳۸۷.

«کولانی» لُر، تورک طایفاسی دیر. (۱)

مونوقیرفییا (تکجه) یازیلمایب. کولانیلارین تاریخی، مدنیتی، ائتئوقرافیاسی (اخلاق)، اونلارین عموم تورک تاریخینده کی، یئری و رولو هر طرفلی، احاطه لی شکیلده آراشدیریلمایب. بو سببدن ده کولانیلارین تاریخ صحنه سینه



چیخیشی، کولانی سؤزونون ائتیمولوگیاسی (لغت شناسی) و دیگر طرفلری ایله باغلی اکثر آراشدیرماچیلارین راضیلاشا بیلجیی اورتاق فیکر هله کی، یوحدور. بیزیم ده بو یازیدا کولانیلار حاقیندا فوندامئنتال (اساسی) آراشدیرما آپارماق و اورتایا فوندامئنتال اثر قویماق نیتیمیز یوحدور. ندن کی، بونون اوچون چوخ آزی ایللرله واخت و دیگر موهوم شرطلر طلب اولونور. قیسمت اولارسا، گله جکده کولانی سویو ایله باغلی آیریجا کیتاب – آراشدیرمالار توپلوسو حاضلاماق نیتیمیز وار...

کولانی سؤزونون ائتیمولوگیاسی باره ده:

کولانی سؤزونون ائتیمولوگیاسی حاقیندا بیر چوخ وئرسیيالار (روایت) وار. کیمی سی بو آدین ایضاحینی فارسجا دیلینده، کیمی سی کورد دیلینده، کیمی سی ده دیگر دیلدرده آختاریب. بو سؤزله باغلی ایرلی سورولن وئرسیيالارا بیرلیکده

Xudafərin 209 (2022) خدافەرین ۲۰۹ – شهریور - ۱۴۰۱

یازار: نامیق حاجی حیدرلی



کۆچورن: محمودبنی آدم دیزج



کولانیلار چوخ اسکی تورک بویلارین دان بیریدیر. چوخ گئنیش اراضی ده یاییلمیشلار. بو گون تکجه قوزئی آذربایجان دا دئیل، ائله جه ده گونئی آذربایجان دا، عراق دا، مصرده، سوربیادا، افغانستان دا، اؤزبکیستان دا، تورکییه ده، حتی آلمانیا دا و دیگر اؤلکه لرده عمومی لیک ده ۱۰۰ مینلرله کولانی تورکو یاشاماق دادیر. تاریخی قاینقلاردا و سون یوز ایلین آرخیو ماتریاللاریندا کولانی آدی کئچن خیلی سایدا بلگه لر وار. ائله جه ده سون ایللر کولانی تورکلری ایله باغلی بیر نئچه آراشدیرما یازی سی قلمه آلینیب. آنجاق ایندییه قدر بو اسکی تورک بویو حاقیندا آیریجا

كولانى بويو اسكى تورك سويلاريندان بيري اولدوغو اوچون ظنيميزجه، بو سوزون ائتمولوگياسيني دا اسكى توركجهده آراماق لازيمدير. اسكى تورك ديلينده «كول»، «كول» كيمي ايفادهلره راست گللك مومكوندور. اونلاردان بعضيلرينه دقت ائدك؛

-توركييه لي آراشديرماچي «سئمييه توفان گوللتاي» يازير: «اسكى توركلرده اوردو كوموتانلارينا «كول آتا» آدى وئريليردي». او، عيني زاماندا ميلاددان اؤنجه كومان منشالي كول و كولومان طايغاسي نين مصره يئرلشدي يازير.

-ان اسكى تورك، مغول و ايسكيت ميفولوگياسينا(اسطوره شناسي) گؤره دونيادا ايلك اينسانين آدى تارقوتاي ايدى. او، بوتون بشريتтин آتاسي ساييلير. تارقوتايين ۳ اوغلو واردى؛ «آرپاكساي، لپوكساي و كولاكساي»

آنتيك يونان تاريخچى سى هئردوت بئله يازير: «تارگيتايين (سكيف پانتئونون دا ايلك اينسان، سكيفلرين اجدادى) اوچ اوغلو واردى: لپوكساي، آرپوكساي و كولاكساي. تارگيتايين سكيف اؤلكه سينده شاهليق ائتدي دؤنه ملرده گؤيدن يئره قيزيل اشيلار دوشموشدو: کوتان، بويوندوروق، ساكاريس (بالتا) و شراب جامى. بؤيوك اوغول لپوكساي ياخينلاشيب اونلارى قالديرماق ايسته ينده همين اشيلارى اود بورودو. ايكينجى اوغول آرپوكساي دا ياخينلاشان دا بو اشيلار يئنى دن آلولانديلار. لاکين كيچيك اوغول كولاكساي اونلارا طرف گئندنه آلوو سؤندو و او، همين اشيلارى ائوينه آپاردى. بونا گؤره ده بؤيوك اوغول آتاسي نين شاهليغيني كيچيك قارداشينا وئرميه راضى اولدو» (آراز قوربانوو، «دامغالار، رمزلىر... منيم سه مه لر»).

هر اوچ سؤزده تکرار اولونان «ساي» كومپانئننتى(بؤلوم) وار. مرهوم تاريخچى عاليم ق. قئيبوللايئو بو سوزون «جاوان»، «گنج» آنلاميندا اولدوغونو يازير. كولاكساي سوزونون كؤكو «كول» دور.

باخاق؛ بعضى مؤلفلر كولانى سوزونون فارسجا «قوتلى، چوخلو، بؤيوك» آنلاميني وئرن «كتلان» و يا «كالان» سوزونون توره ديينى، بعضيلرى كوردجه «گوجلو، مغلوب ائديلمز» معناسيني وئرن «كولندئر» سوزونون يارانديغيني دئيرلر.

البتة، بونلار اولدوقجا ضعيف وئرسیيادير و اسكى آدلاريميزين ايضاحي نين فارس، عرب، كورد و ديگر ديللرده آرانماسى عنعنه وى حال آلسا دا كيفايت قدر يانليش و زيان لي تئندئسنسيادير(گئتديش).

ديگر وئرسیيايا گؤره كولانيلا ائركن اورتا عصرلرده قازاخستانين جنوبون دا مۇوجود اولموش كولان شهرى نين ساكينلرى اولوب. سونرالار كولان شهريندن ديگر بؤلگه لره كؤچن توركلره كولان شهريندن گلديكلرى اوچون «كولانلى - Kulanlı» و يا «كولانلى - Kolanlı» دئميشلر. بودا كيفايت قدر ضعيف وئرسیيادير. هانسى سا توتارلى قايناغا سؤيكنمير. تگجه بير فاكتى(حقيقت) دئيك كى، سوريا و ايسرايل اراضى سينده مين ايللر اؤنجه دن كولانى - Kolanlı توركلرى نين ياشادىغى معلوم دور و اونلارين ديللرى ايله آذربايجان توركلرى نين دانيشديغى ديل آراسيندا چوخ آز فرق وار. يعنى كولانيلا رين اورتا آسيادان سورييا و ايسرايل اراضى سينه دئيبيل، عكسينه اولراق، كولانيلا رين بو اراضيلردن اورتا آسييا گئتمه سي فيكرى داها آغىلاباتان گؤرونور. ندىن كى، ائركن اورتا عصرلرده كولان شهرينده ياشايان توركلر حاضردا ياشادىغيميز اراضيلره كؤچ ائندنه مين ايللردى كى، قافقاز و قافقاز اطرافى بؤلگه لرده مسكن سالان يئرلى كولانيلا ر واردير.

كولان (كولان) اويغور توركلرى نين ديلينده «يابانى آت»، «چؤل آتى» معناسيني وئير. كولانى آدى نين بو سوزدن يارانا بيلجيينى ائحتيمال ائندلرده وار. بو ايضاحى دا آغىلاباتان وئرسیيا كيمي قبول ائتميريك.

اونيوئرسىتېتى نىن معلمى آراشديرماچى-عاليم «
Alim Qalibə Hacıyeva» يازير: «بىر چوخ
تارىخى قايناقلاردا ميلاددان اۋنجكى تورک تارىخىندە
دە كول كومپوننتلى آنتروپونىملرە (انسان شناسى) -
هون خاقانلارین دان سوروک-کولوک خان، كول خان
آدلارینا راست گليریک» (قالیبە حاجیئوفا «جنوبى
آزربايجان توپونىملرى»، باکی - ۲۰۰۸).

کولانى بويونون تورە نیش يئرلىرى

کولانى بويونون هانسی تورک سويوندان گلەمەسى
حاقیندا فيکرلر بيرمعنالى دئیل. کولانىلارین
پنچئننگ کۆکنلى اولدوغونو يازانلارلا برابر، کنگر
سويوندان اولدوغونو ادعا ائندلرە وار. بعضى
آراشديرماچيلار ایسه کولانىلارلى سلجوقلارین بير
قولو حساب ائدير. کولانىلارین کورد اصیللى
اولدوغونو يازانلاردا وار. ۱۶-جى يوزایللىکدە
ياشامیش تارىخچى شرفخان بیتلىسى «شرفنامه»
اثریندە کولانىلارین کورد کۆکنلى اولدوغونو يازيب.
شرفخان بیتلىسى نىن آناسى تورکمن ائلى نىن
موصولو اويماغیندان اولان امیر خانین قیزی ایدی.
آتاسى ایسه کورد اصیللى امیر شمسددین ایدی.
اوللر سلطان سولئیمانین امیرلریندن اولموشدو.
سلطان سولئیمان طرفیندن امیرلیکدن
چىخاریلاندان سونرا صفویلرە سیغینمیشدی. بو
سببدن شرفخان بیتلىسى قومدا دونیايا گلیمیشدی.
سونرالار صفویلر طرفیندن ناخچیوانا والى گۆندربلن
شرفخان آراچیلار واسطەسىلە او عثمانلى نىن طرفینە
کئچمیشدی. عثمانلى سلطانی ۳-جو موراد دا اونو
بیتلیس بیلینە تعیین ائتمیشدی.

سونراكى دؤورلرە و ائل جه دە ياشادىغیمیز دؤنمده
کولانىلارین کورد اصیللى اولدوغونو دوشونلر
بیتلىسىيە اساسلاراق، بو فيکرى ایرلى سورولر.
لاکین دئديمیز کیمی، شرفخان بیتلىسى تارىخچى
اولماقلا برابر همده دؤولت آدمى ایدی. او، اثرینی
يازارکن داها چوخ سياسى ماراقلارینی نظرە آلمیشدی
و يانلیش اولاراق کولانىلارین کورد بويلاریندان بیری

«کول» سؤزو بعضى اسكى تورک سويلاریندا،
اۋزلىکله کارلوك تورکلریندە خان سويیهسینه برابر
توتولان تیتول (چنگگ) ایدی. اولولاریمیزدان بیری
اولان كول تیکینین آدینداكى كول سؤزو دە تیتول
بیلدیرن سؤزدور. بو، عینی زاماندا اونون منسوب
اولدوغو صینیفین و سويون گؤستریجىسى دە اولو
بیلیردی. تارىخچى عالیم زاور حسنوو دا کولاکسای
سؤزونون کۆکونون «کول» اولدوغو قناعتیندەدير.
کولاکسای سؤزو ایسه «کول» اون، یعنی چارین،
باشچى نىن، خانین طرفدارلارى کیمی يوزولور.
ظننیمیزجه، کولانى سؤزو دە «کول» سؤزوندن
تورە يیب. مین ایللر اۋنجه دە بو بويون آدى کولانى
يوخ، محض كول (کول، كول) اولوب. قیاسددین
قئیبوللائیو «کول» سؤزونون قدیم تورکجهده «خان
سینیفینە منسوب اولان» آنلامیندا ایشلیدیلدینى
يازير. اسكى مغول دیلیندە «کول» (کولوق) قهرمان،
ایگید آنلامینى وئیریدی. تورک خاقانى كول تیکین،
كول خان، «کیتابی-دده قورقود» دا كول باش
(کولباش) بو تیتولون (چنگگ) داشیيجیلارى ایدی.
تارىخده کول (كول) تیتولو داشیيان اولولاریمیز
حاقیندا آراشديرمانین سونوندا آیريجا سؤز
آچاچاغیق...

تورکییهلى آراشديرماچى «Nicat Çätinkaya»
پنچئنقلرین ۸ بويونان بیری نىن کولبی (Külbi)
اولدوغونو قئید ائدير. ایقدیرین بؤيوک کندلریندن
اولان کوللوك کندی نىن آدى نىن بو کیمی
قايناقلاردان گلدينى دئيبير (A.Çätinkaya، «ایغدیر
تارىخى»، ایستانبول - ۱۹۹۶). «Səncər
Digitçioğlu» ایسه پنچئنقلرین بو بويونون آدینى
«سورو کولبی» کیمی يازير («اوغوزدان
سئلچوک لویا»، ایستانبول - ۱۹۹۴). آکادئمیک «
Quliyev» اسكى تورک دیلیننە «کول»، «کولوگ»
كومپوننتلری نىن تیتول بیلدیرن سؤلوك واحیدلر
اولدوغو قناعتیندەدير (A. Quliyev قدیم تورک
اونوموستیکاسى، باکی - ۲۰۰۷). ناخچیوان دؤولت



بیرگه گلدیینی گومان اندیریک» - دئییر. کولانیلارین آذربایجان اراضی سینه اثرکن اورتا یوز ایل لیکلرده و بیر قدر سونرالار سلجوق آخینلاری ایله گلدیینی دوشونن دیگر آراشدیرماچیلاردا وار.

ظننیمیزجه، کولانی تورکلری نین آذربایجانا گلمه اولدوغونو دوشونمک یانلیش دیر. کولانیلار قافقاز منشألی دیر و ان آزی ۱۰ مین ایل اؤنجه ده بو تورپاقلاردا مؤوجود اولموشلار. شومئر سیویلیزاسیاسی قورولان دان سونرا قافقاز رتگیونون دان او اراضیلره آخین ائتمیشلر. اورتا آسییا و تورکویستان اراضی سینه ده بوردان گئتمیش اول بیلرلر. اثرکن اورتا یوز ایل لیکلرده و سونرالار سلجوق آخینی ایله کولانیلارین بو تورپاقلاردا گلمه سی اولنلارین یئنی دن ازلی تورپاقلارینا دؤنوشو ایدی. تورکییه لی آراشدیرماچی بازار روستم کوجادورموش اولغو «کولان تورکمنلری» ادلی آراشدیرما مقاله سینده سوریا و ایسرائیل اراضی سینده اولان باشی بلالی «کولان تپه لری» ندن بحث ائدرک یازیر: «کولان تپه لری اون مین ایلدن بری کولان آدینی داشیماق دادیر». دئمک کی، کولان تورکلری بو تورپاقلاردا آبوریکئن (بومی، اصیل) ائتنوسلار (قوم) دان بیریدیر. زامان کئچدیکجه بوردان اطراف و اوزاق اراضیلره کؤچ ائتمیشلر. بو گون گونئی و قوزئی آذربایجانین بیر حیسه سینی قاپسایان گیلان (گولان، کولان) اراضی سیده کولان تورکلری نین یادیگاری اول بیلر. ائتنوس مین ایللر اؤنجه کؤچ ائدیپ، آد ایسه یاشاماق دادیر.

یئری گلمیشکن، کولان سؤزونه «ای» سسی ۲۰-جی یوز ایل لیکده آرتیریلماغا باشلامیشدیر. تاریخچی جهانگیر بگ نصیربیوون ۱۹۲۴-جو ایله نشر ائدیلن «مختصر آذربایجان تاریخی» اثرینده و ائله جه ده M.S.Ordubadi «قانلی ایللر» کیتابیندا کولانیلاردان محض کولان اولراق بحث ائدیلیر.

آردی وار...

اولدوغونو ادعا ائتمیشدی. اودور کی، بیتلی سی نین یازدیقلاری قطعن جدی قاینق حساب اولونا بیلمز. آذربایجاندا و ائله جه ده شرقین بیر نئچه اؤلکه سینده یاشایان یوز مینلره کولانی نین مین ایللردی کی، آنا دیلی تورک دیلی دیر. بودا اولنلارین کسین لیکله تورک کؤکن لی اولدوقلارینی بللی ائدیر.

آراشدیرماچی خاقانی ادب اولغو «تورکچولوک ده «سلجوقلو» خسته لیگی» کیتابیندا یازیر: «منسوب اولدوغوم کولانی (کولان لی - تورکییه ده بئله آدلانیر) بئچئنق طایفاسیدیر». تانینمیش آراشدیرماچی همین کیتابدا فیکرینه داوام ائدیر: «تورک اولماغیمیز شوبهه سیزدیر. بو طایفا قارا دنیزین شمال ساحل لریندن گلیمیش ساکلارین بیر قولودور. بوردان گئتمیش و بوریا قایتیمیشدیر. هم آنادولودا، هم ایران آذربایجانیندا، هم ده سوریا و عراق دا یاشاماق دادیرلار».

تاریخ ده چوخ قودرت لی تورک دؤولتلریندن بیرینین قوروجوسو اولان سلجوق بیین اوغوللاریندان بیر موسا کولان ایدی (دیگر آدی موسا یاقو). سلجوق بگ تاریخن تورکلرین ان چوخ مسکونلاشدیغی یئرلردن اولان خوراسانا موسا کولانی والی تعیین ائتمیشدی. قوزئی آذربایجاندا یاشایان تورکلرین خیلی حیسه سی کولانیلارین اورتا یوزیل لیکلرده قوزئی محض خوراسان دان گلدیینه اینانیر. ماراقلی دیر کی، آنادولو سلجوق لو دؤولتی نین سلطانی سولتیمان شاهین (اون بیریمجی یوزیل لیک) اوغونون آدی کولان و یا کولان آرسلان ایدی. بو و بو کیمی سببلردن کولانیلارین اوغوز تورکلری نین قینیق سویوندان اولان سلجوق تورکلری نین بیر قولو اولدوغونو دوشونن آراشدیرماچیلاردا وار.

تاریخچی - آراشدیرماچی شاهین احمدوو «کولانی طایفاسی نین قادیناغی» ادلی مقاله سینده: «اوغوز طایفا اتفاقی ایچری سینده اولموش کولانی طایفاسی - نین آذربایجانا اثرامیزین (طبقه لنمیش) ایلك عصرلریندن باشلایراق اوغوز - سلجوق آخینلاری ایله

◆ تورکجه فعل چکیمی (صرف افعال ترکی):

Feilin çäkimi - davamlı şəklin

hekayəsi (olumlu) :

*صرف فعل - قالب استمراری حکایه (مثبت):

Almaq : (eyləmlilik) مصدر

Feil gövdəsi : al

Al + maqda + idi + şəxs əkləri

◆Almaqdaydım :

al + maqda + idi + m

◆Almaqdaydın :

al + maqda + idi + n

◆Almaqdaydı :

al + maqda + idi

◆Almaqdaydıq :

al + maqda + idi + q

◆Almaqdaydınız :

al + maqda + idi + nız

◆Almaqdaydılar :

al + maqda + idi + lar

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

Feilin çäkimi _ davamlı şəklin hekayəsi

(olumsuz) :

*صرف فعل _ قالب استمراری حکایه (منفی):

◆Almamaqdaydım :

al + ma + maqda + idi + m

◆Almamaqdaydın :

al + ma + maqda + idi + n

◆Almamaqdaydı :

al + ma + maqda + idi

◆Almamaqdaydıq :

al + ma + maqda + idi + q

◆Almamaqdaydınız :

al + ma + maqda + idi + nız

◆Almamaqdaydılar :

al + ma + maqda + idi + lar

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

☐Feili-sifət" əkləri (1)

پسوندهای صفت-فعلی

☐ası _ əsi = gələcək-gərəklilik

تاریخ و فرهنگ ترکها ۴ جو بولوم

تورک دیل بیلیمی

◆ تورکجه فعل چکیمی (صرف افعال ترکی):

Feilin çäkimi - davamlı şəkli (olumlu) :

*صرف فعل - قالب استمراری (مثبت):

Almaq : (eyləmlilik) مصدر

Feil gövdəsi : al

Al + maqda + şəxs əkləri

◆Almaqdayam :

al + maqda + am

◆Almaqdasan :

al + maqda + san

◆Almaqdadır :

al + maqda + dır

◆Almaqdayıq :

al + maqda + ıq

◆Almaqdasınız :

al + maqda + sınız

◆Almaqdadırlar :

al + maqda + dırlar

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

Feilin çäkimi _ davamlı şəkli (olumsuz) :

*صرف فعل _ قالب استمراری (منفی):

◆Almamaqdayam :

al + ma + maqda + am

◆Almamaqdasan :

al + ma + maqda + san

◆Almamaqdadır :

al + ma + maqda + dır

◆Almamaqdayıq :

al + ma + maqda + ıq

◆Almamaqdasınız :

al + ma + maqda + sınız

◆Almamaqdadırlar :

al + ma + maqda + dırlar

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

☐☐☐☐☐☐☐☐☐☐☐☐☐☐☐☐



◆ Kilimçə : گلیم کوچک

◆ Kələçə : کله کوچک

Ça

◆ Xalça : (قالیچه) قالی کوچک

◆ Bazarça : بازار کوچک

◆ Bağça : (باغچه) باغ کوچک

◆ Qazança : دیگچه ، دیگ کوچک

◆ Tiyança : قابلمه ، تیان کوچک

◆ Qalaça : قلعه کوچک

◆ Yorgança : لحاف کوچک

◆ Mixça : میخ کوچک

◆ Dəryaça : دریاچه ، دریای کوچک

#ça #ək #sözdüzəldici #ça_ək

◆ تورکجه فعل چکیمی (صرف افعال ترکی):

Feilin çəkimi - davamlı şəklin

rəvayəti (olumlu) :

* صرف فعل - قالب استمراری روایه (مثبت):

Almaq : (eyləmlik) مصدر

Feil gövdəsi : al

Al + maqda + imiş + şəxs əkləri

◆ Almaqdaymışam :

al + maqda + imiş + am ✓

◆ Almaqdaymışsan :

al + maqda + imiş + san ✓

◆ Almaqdaymış :

al + maqda + imiş ✓

◆ Almaqdaymışıq :

al + maqda + imiş + ıq ✓

◆ Almaqdaymışınız :

al + maqda + imiş + sınız ✓

◆ Almaqdaymışlar :

al + maqda + imiş + lar ✓

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

Feilin çəkimi _ davamlı şəklin rəvayəti

(olumsuz) :

* صرف فعل _ قالب استمراری روایه (منفی):

◆ Almamaqdaymışam :

al + ma + maqda + imiş + am ✓

◆ (پسونده فعل-صفت(صفت-فعل) پسوندی است که فعل ، صفت میسازد. این پسوند در اصل واجب-آینده را بیان میکند.

Çağarəklik_gələcək feili-sifəti

مثال:

◆ Yıxılması ev bir gün yıxılacaq
خونه ای که خراب شدنییه ، خراب خواهد شد.

◆ olası işin qarşısında dayanma
در مقابل کاری که شدنییه (خواهد شد) ایستادگی نکن.

◆ heç zaman gedəsi adamı zorla saxlamayacağam.
هیچوقت آدمی که میخواید بره (رفتنییه) را بزور نگه

نخواهم داشت.

◆ ilkdən yazılması məktub deyil idi.

از اولش این نامه نوشته نمیشد. (نوشته شدنی نبود)

◆ Qalası adam qalar, almayası qalmaz.

ماندنی میماند ، نماندنی نمیماند
(کسی که خواهد ماند خواهد ماند ،

کسی که نخواهد ماند نخواهد ماند)

◆ bunu biləsi özü gəlib yanıtlasın.

کسی که این را دانستنییه(خواهد فهمید) خودش بیاید و جواب بدهد.

Ça _ əsi :

علاوه بر اینکه قالب التزامی میباشد و با صرف افعال در کانال توضیح داده شده. پسوندی برای صفتساز(صفت-فعلی) هم میباشد که در کل نقش واجب-آینده را ایفا میکند.

Çağarəklik(leksik)əklər(1)

پسوندهای سازنده پسوندهایی که در اضافه شدن به واژه

ای ، واژه جدید بامعنی جدید میسازند ؛

Ça _ çə

◆ bütövlükdə kiçiltmə anladan ək :

در کل این پسوند در کل کوچک کردن معنای لغوی *

: واژه را ایفا میکند

Ça

◆ Dilçə : زبان کوچک

◆ Dəftərçə : دفتر کوچک

◆ Milçə : میل کوچک

◆ Kələçə : گاومیش کوچک



یئن ے ایلینیز قوتلو اولسون

یاز بایرامینیز قوتلو اولسون

@turkce_dilim

Türkçe ocağı, [21.03.20 19:35]

feili-sifət(sifət-feil) əkləri(2) :

پسوندهای فعل-صفت (صفت-فعلی)

an _ ən

این نوع پسوند(فعل-صفت) که از فعل صفت میسازد به زمان خاصی وابسته نیست : اما در کل و جمله میتواند که به تمام زمانها (وسیع ، حال ، گذشته) را اشاره و ایفا کند.

همیشه به بدنه فعل میچسبد.

Al+an :alan

Gəl+ən : gələn

Gör+ən: görün

bax + an : baxan

Qaç + an : qaçan

yürü + ən : yürüyən

Düş + ən : düşən

Və.....

مثال با ریز نقشهادر جمله : Örnek

Keçmiş zamanı anladan :

◆ ağacdən düşən yarpaqları süpürdüm.

برگایی که از درخت افتاده بود جارو کردم.

◆ yürüyən adamları görmüşdüm.

آدمایی که (راه)میرفتند را دیده بودم.

İndiki zamanı anladan :

◆ bu qaçan çocuq mənim qardaşımdır.

این پسری که میدود برادرم هست.

◆ burda oturan kişi tanışdır

مردی که اینجا نشسته آشنا است

◆ islanan paltarları quruduram.

دارم لباسایی که خیش شده را خشک میکنم.

Gələcək zamanı anladan :

◆ yarın, oxula gələn uşaqları

taniyacağam.

فردا بچهایی که مدرسه خواهند آمد را خواهم شناخت.

◆ burda qalan yoldaşla görüşəcəyəm.

◆ Almamaqdaymışsan :

al+ma + maqda + imiş + san

◆ Almamaqdaymış :

al + ma + maqda + imiş

◆ Almamaqdaymışıq :

al + ma + maqda + imiş + ıq

◆ Almamaqdaymışsınız :

al +ma + maqda+ imiş +sınız

◆ Almamaqdaymışlar :

al + ma + maqda + imiş+ lar

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

یاز بایرام گلدی - یاز گلدی

◆ ona verəcək cavabı çoxdan seçmişəm.

جوابی که به اون خواهم داد را خیلی وقت است انتخاب کردم.

☞ در تمام این جملات یک فعل موجود بود.

همونطور که دقت کردید یک بازه زمانی بین فعل اصلی تا زمان آینده‌ی لغویه صفت-فعلی بیان میشود.

☞ "əcək+ yeyəlik əkləri ..."

☞ yeyəlik əki alınca öngörüsəllik bildirən:

☉ در اینجا صفت-فعلی وقتی با پسوندهای مالکیت ترکیب بشه پیش‌گویی و آینده گفتن را ایفا میکند:

◆ söyləyəcəyim cavabı sadəcə özüm bilirəm.

جوابی که خواهم داد را فقط خودم میدانم.

◆ çalışacağı iş yarayışlı olacaq.

کاری که انجام خواهد داد مفید خواهد بود.

◆ sənə deyəcəyim söz aramızda qalsın.

حرفی که به تو خواهم گفت بینمان بماند.

☞ Oxunacaq kitablarım : که خوانده

خواهند شد

☞ deyəcək söz : حرفی که گفته خواهد شد

☞ Söyləyəcəyim cavab : جوابی که خواهم گفت

☞ Çalışacağı iş : کاری که انجام خواهد داد

☞ Deyəcəyim söz : حرفی که خواهم گفت

◆ ◆ ◆ ◆ ◆ ◆ ◆ ◆ ◆ ◆ ◆ ◆

☞ əcək_acaq

جدای از افعال و صفت این پسوند اسم هم میسازد:

◆ Alacaq : طلب

◆ Yatacaq : تخت خواب

◆ Gələcək : آینده

◆ Açılacaq : در

◆ Əkinəcək : زمین کشاورزی

◆ Siləcək : پاک کن

◆ içəcək : نوشیدنی

#feili_sifət #ək #əcək #acaq

#sifət_feil #əklər

با دوستی که اینجا خواهند ماند آشنا خواهم شد.

☞ an _ ən

Zamana bağlı deyil:

وابسته زمان نیست:

☞ Gələn gəldi ✓

☞ gələn gəlmiş ✓

☞ gələn gəlib ✓

☞ gələn gələr ✓

☞ Gələn gəlir ✓

☞ Gələn gələcək ✓

☞ Qalan qaldı ✓

☞ qalan qalmış ✓

☞ Qalan qalır ✓

☞ Qalan qalar ✓

☞ Qalan qalır ✓

☞ Qalan qalacaq ✓

#feili_sifət #an #ək

Türkcə ocağı, [22.03.20 20:50]

☞ Feili-sifət (sifət-feil) əkləri (3) :

پسوندهای صفت-فعلی (۳):

☞ acaq - əcək

: Gələcək zamanla ilgili sifət bildirir.

☞ این پسوند همیشه به بدنه فعل میچسبد. این پسوند

علاوه بر اینکه پسونده تصریفی برای صرف افعال زمان

آینده بود. که افعال آینده را در پستهای قبلی کانال

صرف کرده‌ایم. پسوند ☞ صفت-فعلی هم میباید. پسوند

اجاق_اجک صفتی را مرتبط با زمان آینده ایفا میکند. در

این راستا مثالهایی با جملات میزنیم:

زیر پسوند مورد نظر خط کشیده شده.

☉ Örnəklər :

☞ zaman açısından gələcəklik bildirən :

◆ Oxunacaq kitablarım çoxdur

کتابهایی که خوانده خواهند شد زیاد است.

◆ artıq deyəcək söz yoxdur.

دیگه حرفی که گفته خواهد شد نیست.

◆ bura gələcək yolçular yola çıxmışlar.

مسافرانی که اینجا خواهند آمد راه افتادند.



- ◆ Quayuçu : چاه‌کن
- ◆ Qulluqçu : خدمتکار، خادم
- ◆ Ovçu : شکارچی
- ◆ Buzçu : یخ‌فروش
- ◆ Buyruqçu : امیر، فرمانده

#ək #sözdüzəldici #çi
#leksik #dərslük

◆ تورکجه فعل چکیمی (صرف افعال ترکی):

Feilin çəkimi - dilək şəkli (olumlu) :

*صرف فعل - قالب مقصد(آرزو) (مثبت):

Almaq : (eyləmlük) *مصدر

*Feil gövdəsi : al

*Al + a + şəxs əkləri

◆ Alam = al + a + m ✓

◆ Alasan = al + a + san ✓

◆ Ala = al + a ✓

◆ Alaq = al + a + q ✓

◆ Alasınız = al + a + sınız ✓

◆ Alalar = al + a + lar ✓

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

Feilin çəkimi _ dilək şəkli (olumsuz) :

*صرف فعل _ قالب مقصد(آرزو) (منفی):

◆ Almayam =

Al + ma + a + m ✓

◆ Almayasan =

al + ma + a + san ✓

◆ Almaya =

al + ma + a ✓

◆ Almayaq =

al + ma + a + q ✓

◆ Almayasınız =

al + ma + a + sınız ✓

◆ Almayalar =

al + ma + a + lar ✓

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

??????????????



☞Sözdüzəldici(leksik)əklər(2)

پسوندهای سازنده پسوندهایی که در اضافه شدن به واژه ای، واژه جدید بامعنی جدید میسازند؛

☞ çi _ çı _ çü _ çu

◆bütövlükdə (məşğuliyət, məslək, inam və....) anladan ək :

این پسوند همیشه به اسم میچسبد و در کل این *

پسوند گرایش : اعم از (شغل ، تمایل ، اعتقاد ، فعالیت

: و....) نسبت به معنای لغوی واژه را ایفا میکند

مثال: ☞Örnək

☞çi : incə-dodaqlanmayan

◆Dinçi : دیندار، مذهبی

◆Dilçi : زبان‌شناس

◆Bəzəkçi : آرایشگر

◆Bəkçi : ناظر، محافظ

◆Bitkiçi : کشاورز

◆Dəftərçi : دفترفروش

◆Dəriçi : دباغ

☞çi : qalın-dodaqlanmayan

◆Andçi : هم قسم

◆Qısaşçı: مُنتقم، انتقام گیرنده

◆Balıqçı: ماهیگیر، ماهی‌فروش

◆Başçı : رئیس، مدیر، راس

◆Bağçı : باغدار

◆Bahaçı : گرانفروش

☞çü : incə - dodaqlanan

◆Söyüşçü : فَحاش

◆Üzümçü: کشاورز فروشنده انگور

◆Südçü : شیرفروش

◆Körpüçü : پل ساز

◆Kömürçü : ذغال فروش

◆Düyüçü : برنج‌فروش

◆Börkçü : کلاه فروش

☞çu : qalın - dodaqlanan

◆Suçu : آبیار

◆Quşçu: پرنده‌دوست، پرنده‌فروش

#ək #sözdüzəldici #ciyəz
#leksik #dərslik #cığaz
#öyüd
Unutmayın"
Başqa heçbir dil bilməmiş sizi
Adriyatik"dən çin səddinəcən
Götürəbiləcək ancaq bir dil
vardır : türkcə"
Dilinizə yiyə çıxın
_Oktay sinanoğlu

°اونوتمايین

باشقا هئچ بئر دیل بیلیمیش سیزی
آدریاتیک °دن چین سددینه جن
گۆتۆره بیله جک آنجاق بئر دیل
°واردیر : تورکجه
دبلینیزه یییه چیخین
اوکتای سینان اوغلو_

°فراموش نکنید

بدون اینکه زبان دیگری بدانید،
تنها یک زبان هست که میتواند
شما را از دریای آدریاتیک تا
سَدّچین برساند : زبان تُرکی
صاحب و مالک زبانان باشید
اوکتای سینان اوغلو_

آدریاک : نام دریایی در شرق ایتالیا ■

#öyüd

پسوندهای سازنده پسوندهایی که در اضافه شدن به واژه
ای ، واژه جدید با معنای جدید میسازد.

lə _ la

این پسوندهای فعل ساز است. در کل میتونیم
بگیم این پسوندها پسوندهایی هستند وقتی به یک اسم
یا صفتها اضافه میشوند از اونها فعل میسازند به فعل
تبدیل میکنند.

چند مورد مثال با مصدرشان ◀örnək:

lə

Sözcük + lə + mək

iz + lə + mək = izləmək

این قالب از فعل که در کل ازش دیلک_گرکلیک هم

نام میبرند ، چون قالب مقصد علاوه بر کاش و آرزو ،
واجب بودن(باید) را هم میتواند ایفا کند.

Sözdüzəldici(leksik)əklər(3)

پسوندهای سازنده پسوندهایی که در اضافه شدن به واژه
ای ، واژه جدید با معنای جدید میسازد

ciyəz _ cığaz

oxşama (əzizləmək) , duyğusalıq
anladan ək :

این پسوندها همیشه به اسم(غیرفعل) میچسبند ، این *
پسوندها یک پسونده احساسی است که در اشعار هم دیده
میشه ، پسوندهی که اوخشاما (عزیز کردن ، احساساتی
بودن ، دلسوزی ، ناراحتی ، حس نزدیک و.....) را نسبت
به معنای لغوی واژه ای که اضافه میشود را ایفا میکند .
: دوستان دقت داشته باشید ممکنه معنی دقیقش رو نشه
به یک کلمه گفت و منظور رو در فارسی بهتون رسوند.
این پسونده عزیز شمردن ، دلسوزی کردن ، ترجم ،
هیجان ، و از روی دوست داشتن است ، که چند تا مثال
: میزنیم براتون

زیر پسونده خط کشیده شده است

ciyəz _ incə

Evciyəz = خانه عزیز

Kişiciyəz = مرد بیچاره و عزیز

Körpəciyəz = طفل معصوم

Kəndciyəz = روستای عزیز

Mənciyəz = من بیچاره

Yetimciyəz = یتیم عزیز و بیچاره

Bizciyəz = ما بیچاره

cığaz _ qalın

Adamcığaz = بنده خدا

Anacığaz (مادر عزیز) نازنین، بیچاره

Bacıcığaz = خواهر عزیز و نازنین

Uşaqcığaz = طفلی

Dovşancığaz = خرگوش بیچاره و ناز

Yoldaşcığaz = دوست عزیز و ناز

Qızcığaz = دختر عزیز، طفلی

Oğlancığaz = پسرک ، پسرک عزیز

#ək #sözdüzəldici #la
#leksik #dərslük #lə

◆ تور کجه فعل چکیمی (صرف افعال ترکی):

Feilin çəkimi - dilək şəklin
hekayəsi (olumlu) :

*(صرف فعل - قالب مقصد(آرزو) حکایه (مثبت) *:

*Almaq : (eyləmlük) مصدر

*Feil gövdəsi : al

*Al + a + idi + şəxs əkləri

◆ Alaydım =

al + a + idi + m ✓

◆ Alaydın =

al + a + idi + n ✓

◆ Alaydı =

al + a + idi ✓

◆ Alaydıq =

al + a + idi + q ✓

◆ Alaydınız =

al + a + idi + nız ✓

◆ Alaydılar =

al + a + idi + lar ✓

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆◆

Feilin çəkimi _ dilək şəklin hekayəsi
(olumsuz) :

* (صرف فعل _ قالب مقصد(آرزو) حکایه (منفی)) :

◆ Almaydım =

Al + ma + a + idi + m ✓

◆ Almaydın =

al + ma + a + idi + n ✓

◆ Almaydı =

al + ma + a + idi ✓

◆ Almaydıq =

al + ma + a + idi + q ✓

◆ Almaydınız =

al + ma + a + idi + nız ✓

◆ Almaydılar =

al + ma + a + idi + lar ✓

◆ İti + lə + mək = itiləmək

◆ Səs + lə + mək = səsləmək

◆ Kölgə+lə+mək= kölgələmək

◆ Kip + lə + mək = kipləmək

◆ Giz + lə + mək = gizləmək

◆ Diş + lə + mək = dişləmək

◆ İz : اثر، نشانه

_İzləmək : ردگیری، تعقیب کردن

◆ İti : تیز

_İtiləmək : تیز کردن

◆ Səs : صدا

_Səsləmək : صدا کردن

◆ kölgə : سایه

_Kölgələmək : سایه انداختن

◆ kip : چفت بسته کیپ

_Kipləmək : بستن، کیپ کردن

◆ giz : پنهان

_Gizləmək : پنهان کردن

◆ diş : دندان

_dişləmək : گاز گرفتن

□ la

□sözcük + la + maq

◆ Boş + la + maq = boşlamaq

◆ Baş + la + maq = başlamaq

◆ Ara + la + maq = aralamaq

◆ Arıq+la+maq = arıqlamaq

◆ Balta+la+maq = baltalamaq

◆ Boş : خالی

_Boşlamaq : رها کردن

◆ Baş : سر

_Başlamaq : از سرگیری شروع کردن

◆ Ara : میان، فاصله، مسافه

_Aralamaq : فاصله انداختن جدا کردن

◆ Arıq : لاغر

_Arıqlamaq : لاغر کردن

◆ Balta : تبر

_Baltalamaq : تبرزدن

◆Artırmaq : افزودن ، اضافه کردن

◆Artırmac : افزودن ، افزایش دادن

◆artırğan (artıran): افزایشنده

◆Artırıq : مبالغه ، زیاده روی

◆Artırım : پس انداز

◆Artırılmaq : افزوده شدن

#anlam

☞qarışılıq

Bahəm✗

✗باهم

✗باهمدیگر

Birlikdə✓

Birgə✓

Bilə✓

☞Birlikdə

◆Yoldaşlarla birlikdə gəlirik

با دوستان باهم میاییم.

◆birlikdə gedəcəyik

باهم خواهیم رفت.

☞Birgə

◆yolaşlarla birgə gəlirik.

با دوستان باهم میاییم.

◆birgə gedəcəyik.

باهم خواهیم رفت.

☞bilə

◆yoldaşlarla bilə gəlirik.

با دوستان باهم میاییم.

◆bilə gedəcəyik

باهم خواهیم رفت.

Onunla birlikdə = onunla bilə =

Onunla birgə

#qarşılıq

Xahiş edirəm ✗خواهش الییرم ✗Rica edirəm



☞Anlam ;

☞این قالب از فعل که در کل ازش دیلک_گرکلیک هم

ناممیبیرند ، چون قالب مقصد علاوه بر کاش و آرزو ،

واجب بودن (باید) را هم میتواند ایفا کند.

◆Dil bir ulusun şərəfidir.

Ancaq şərəfini qoruyan uluslar dünyada

ciddiyə alınar. Dil olmazsa kultur

olmaz. Kültür olmazsa kimlik

olmaz. Kimlik olmazsa özgülük , şərəf

olmaz

_ oktay sinanoğlu

◆دیل بیر اولوسون شرفی دیر

آنجاق شرفینی قورویان اولوس لار

دونیادا جیددی آلینار. دیل اولمازسا

کولتور اولماز. کولتور اولمازسا کیملیک اولماز. کیملیک

اولمازسا اؤزگؤلوک ، شرف اولماز

اوکتای سینان اوغلو

◆زبان شرافت یک ملت است.

فقط ملت‌هایی که از شرافت خود

محافظت میکنند جدی گرفته میشوند.

زبان که نباشد فرهنگ و مدنیت هم وجود ندارد. فرهنگ و

مدنیت نباشد هویت نیز وجود ندارد. مدنیت نباشد خاصیت

و شرافت وجود ندارد.

_اوکتای سینان اوغلو

#öyüd

☞Anlam ;

◆Artmaq :

بیشترشدن ، افزایش یافتن

◆Artıq : زیاده ، اضافه

◆Artıcaq : کمی اضافه ، کمی زیاد

◆Artılı : اضافی ، زیاده

◆Artım , artış : افزایش

◆Artınc : افزایش

◆Artımlı : افزایش یابنده



آگهی ، Bildiri : بیانیه، اعلامیه : Bildirgə : بیانیه :
 Bildirim : آگاه کننده : Bildirici : ابلاغیه
 Bilgilənmək : آشکار، روشن : Bilgin : خبرنامه، تبلیغ :
 Biliklənmək : کسب دانش کردن :
 bildirilmək : کسب دانش کردن
 #anlam #qarşılı

پسوندهای که (5) Sözdüzəldici (leksik) əklər
 : واژه ای جدید با معنای جدید میسازند
 İliq _ lik _ luq _ lük
 به طور کل پسوندهایی که به اسم و صفت و... (غیر فعلها) *
 میچسبند ، به ریز نقشهای این پسوند با معنای اشاره
 : میکنیم

Ormanlıq : جنگل : əncirlik :
 kömürlük : هیزم کده : odunluq : باغ انجیر
 Aylıq : : صفت اسمی ۲_ انبار ذغال
 hədiyyəlik : عیدی : bayramlıq : ماهانه
 وسیله ، ۳_ لازمه دلمه : dolmalıq : برای هدیه
 Başlıq : : ابزار، اشیا
 gəlinlik : گوشی، وسیله گوش : qulaqlıq : کلاه
 gecəlik : محل یخبندان : buzluq : لوازم عروس
 yağışlıq : بارانی، باران. خیز : yağışlıq
 Doktruluq : : اشاره به شغل ۴_
 gözlükçülük : دکتری
 vəkillik : آهنگری : dəmirçilik : عینک فروشی
 Baxanlıq : : رتبه و مقام ۵_ وکالت :
 müdürlük : رئیس جمهوری : başxanlıq : وزارت
 مدیریت
 Aclıq : : نسبتی حالتی ۶_
 ayrılıq : برادری : qardaşlıq : گرسنگی
 çocuqluq : جوانی : gənclik : جدایی
 qadınlıq : بچگی
 altılıq : پنج تایی : Beşlik : شمارشی ۷_
 onluq : صد تایی : yüzlük : شش تایی
 ağılıq : سیاهی : Qaralıq : اسامی رنگ ؛ ۸_ ده تایی
 morluq : زردی، برقان : sarılıq : سفیدی
 Analıq : ناتنی بودن ؛ ۹_ بنفشی
 atalıq : ناپدری : dədəlik : نامادری

ریجا ادیرم ✕
 قبل از اینکه معادل این واژه رو بگم نیاز به توضیحاتی
 هست. رجا و خواهش در دو جایگاه متفاوت استفاده
 _ میشوند. به هر کدوم جداگانه با معادل ترکی میپردازیم
 در جایگاه اول ریجا ادیرم (خواهش میکنم) به 1
 عنوان درخواست کردن مطلبی است که یک چیزی را
 Dilək ✓ İstək ✓ : میخواهد
 Xahiş edirəm kitabı oxuya ✕ Rica edirəm
 kitabı oxuya ✕
 İstəyim budur kitabı oxuya ✓ Diləyim
 budur kitabı oxuya ✓ İstəyirəm kitabı
 oxuya ✓ Diləyirəm kitabı oxuya ✓ _
 نوع دوم رجا و خواهش که در جواب تشکر کردن فرد 2
 مقابل استفاده میشود ، بعنوان مثال شخصی تشکر میکند
 ، قدردانی میکند و در جواب استفاده میکنند میگویند
 Dəyməz : (خواهش میکنم (یعنی چیز خاصی نبود
 ✓ bir şey deyil ✓
 Sizdən çox təşəkkür edirəm _ xahiş
 edirəm, rica edirəm ✕
 Sizdən çox təşəkkür
 edirəm _ dəyməz, bir şey deyil ✓
 ارزشی نداشت ، (به نشانه احترام : " Dəyməz"
 _ میگوید ارزشی نداشت ، ناقابل است ، قابلی نداشت
 تفاوت دونوع خواهش با معادل ترکی امیدوارم متوجه شده
 ♥🌸🌻 باشین
 #qarşılıq

اطلاعات، دانش : Bilgi : دانستن، فهمیدن : Bilmək
 Bilinc : تجربه، دانش، فهم : Bilik : فهم
 آگاه ، مطلع : Bilişli : دانش، فهم : Biliş : دانش و...
 Bilərək : دانا فهمیم : Bilici : دانا، فهمیم : Bilgili : دانا
 Bilm : ندانسته، ناآگاهانه : Bilməyərek : دانسته، آگاهانه
 نادان : Bilgisiz : نادان : Biliksiz : نادان، جاهل : əz :
 Biliksizlik : جهل : Bilməzlik :
 معلوم و : Bilinmək : کامپیوتر : Bilgisayar : جهل :
 Bilinməz : تفهیم شدن
 Bil : فهماندن، متوجه کردن : Bildirmək : مجهول، نامعلوم
 Bildirik : مخابرات : Bildirişim : اعلان ، اعلام : diriş :

♦ Quşqusuz : البته
 ♦ Quşquçuluq : شکاک بودن
 ♦ quşqusuzluq : مشکوک نبودن
 ♦ Quşqulanmaq : به شک و تردید افتادن ، به ترس افتادن
 ♦ quşqulandırmaq : به شک و تردید انداختن ، به ترس انداختن
 #qarşılıq #anlam #quşqu_____
 ☐ Sözdüzəldici(leksik) əklər☐
 : ای جدید با معنای جدید میسازند
 ☐ lən _ lan
 به طور کل از پسوندهایی که به اسم صفت میچسبند *
 : و از آنها فعل میسازند
 ☐-lən
 ♦ Bilik: فهم ، تجربه ، دانش ، Bilik+lən+mək =
 Biliklənmək: کسب دانش کردن ، آگاه شدن
 درشت شدن ، İri+ lən +mək =İrilənmək:
 Dil+ lən +mək= Dil: حجیم شدن
 -Kül: خاکستر ، حرف زدن ، به زبان آمدن: Dillənmək
 İti: خاکستر شدن: Küllənmək =Kül+ lən +mək
 تیز و تند =İtilənmək: İti+ lən +mək
 Yeni+ lən : جدید ، تازه ، نو ، Yeni+ lən
 +mək=Yenilənmək : تازه شدن ، جدید
 ☐-lan _____ شدن
 ♦ Ad+ lan : اسم ، نام
 +maq=adlanmaq ، نامگذاری شدن
 Qat+ : اسم گذاری شدن ، طبقه ، بند: Qat+
 lan+maq= qatlanmaq لایه بندی شدن ، طبقه بندی و
 Od+ lan +maq= odlanmaq : آتش ، آتش : Od+
 Boy+ : اندازه ، درازا : Boy+ آتش گرفتن ، سوختن:
 lan +maq =boylanmaq ، قد کشیدن ،
 Ov+ lan + maq : شکار ، صید : Ov+
 =ovlanmaq: شکار شدن ، صید شدن
 به طور کل حالت مفعولی ایفا میکند. انجام گرفتن ، ☐
 تاثیر گذاری و انجام شدن معنای لغوی واژه روی شیء یا
 شخصی را بیان میکند.
 #qarşılıq #anlam #ək #lan#sözdüzəldici
 #leksik #lən_____bizə

خاصیت ویژگی_ ۱۰ ♦ پسرخواندگی oğulluq: ناپدری
 ♦ yoxluq : سیری ♦ toxluq : گرسنگی : ♦ Aclıq :
 اتحاد ♦ birlik : باغچه ای ♦ bağçalıq : نداری
 ♦ güllük : زندگی ♦ dirilik : باغستان ♦ bağılıq : وحدت
 گلزار :
 این پسوند در معادل معنای وسیعی ایفا میکند ، علاوه ☐
 بر معنای که ذکر شد ، بطور کل این پسوند در معنای اصلی
 خود ویژگیهای متعلق بودن ، وابسته بودن ، در تملک
 بوده شئی یا شخصی را نسبت به معنای لغوی واژه بیان
 میکند.
 #qarşılıq #anlam #ək #lik#sözdüzəldici
 #leksik_
 یاش ° واژه ای که نشانگره ؛ خیس ، طراوت ، تازگی ، ☐
 سرسبزی ، عمر ، حیات ، زندگی ، سال و..... است
 سن ، سال : Yaş : نم ، مرطوب ، خیس : ♦ Yaş " Yaş
 Yaşam : زندگی کردن : ♦ Yaşamaq ، عمر
 Yaşamlıq : همزیست : ♦ Yaşamdaş : زندگی
 Yaşamdaşlıq : همسن : ♦ Yaşdaş : معاش ، گذران
 Yaşid : زندگی ، زیست : ♦ Yaşayış : همزیستی
 مسن : Yaşılı : همسنی ♦ Yaşıdlıq : همسن
 Yaşılı : مرطوب ، خیس : ♦ Yaşılıq : میانسال
 Yaşımtil : محل سرسبز ♦ Yaşılıllıq : سبز
 Yaşılsov : تقریباً سبز ، سبزه :
 Yaşat : حیات داده شدن : ♦ Yaşanmaq : متمایل به سبز :
 Yaşadan : حیات بخش : ♦ Yaşadıcı : احیا کردن :
 Yaşatqan : زندگی دهنده :
 Yaşarmaq : خیس کردن : ♦ Yaşlamaq : حیات بخش
 ، : ♦ Yaşartı : جاوید ♦ Yaşar : نم و خیس شدن :
 Yaşartmaq : اشک چشم
 Yaşıl : خیس شدن ، مسن شدن : ♦ Yaşlanmaq : خیس شدن
 laşmaq : سبز شدن : Və.....
 #anlam #yaş #qarşılıq_ ✓
 Əlbəttə ✗ \ quşqusuz ✓
 ☐ Quşqu : دلپره ، شک ، تردید
 ♦ Quşqulu : مشکوک
 ♦ Quşquçu : شکاک
 ♦ Quşqusuz : بدون شک ، بدون تردید



- ◆Almayaymış =al + ma + a + imiş ✓
- ◆Almayaymışıq =al + ma + a + imiş+ ıq ✓
- ◆Almayaymışsınız = al + ma + a + imiş + sınız✓
- ◆Almayaymışlar =al + ma + a + imiş + lar ✓



این قالب از فعل که در کل از ش دیلک_گرکلیک هم [?] نام میبرند ، چون قالب مقصد علاوه بر کاش و آرزو ، واجب بودن(باید) را هم میتواند ایفا کند پسوندهای که واژه [Sözdüzəldici(leksik) əklər] ar _ ər ای جدید با معنای جدید میسازند به طور کل از پسوندهایی که به اسم صفت ، فعل و..... * میچسبند و از آنها فعل میسازند :

[?] - ər

- ◆Göy+ ər+ mək= گیبودشدن ، سبزشدن(جوانه زدن: göyərmək) آبى ، کبود، سبزی: Göy
- ◆Köz+ər+mək= گداختن ، سرخ شدن: köz: پرحرارّت، ذغال افروخته
- ◆Diş+ər + mək= بیرون : Diş: بیرون (زدن ، روییدن ، سبزشدن)

- ◆Üst+ ər+ mək= برتر شدن ، تلاش برای برتری: üst : برتر ، رو ، بالا
- ◆Ön+ ər +mək= پیش و جلو انداختن، پیشنهاد کردن: ön: پیشین، اول

[?] - ar

- ◆Ağ + ar +maq= سفید شدن : Ağ: سفید
- ◆Boz+ar + maq= رنگ باختن ، خاکستری شدن: Boz: خاکستری
- ◆Yaş+ar + maq= خیس شدن ، مرطوب شدن : Yaş: خیس ، مرطوب
- ◆Çix +ar +maq : خارج کردن ، بیرون کردن : Çix: خارج شو
- ◆Ot +ar+ maq= چراندن (علف دادن) : Ot: علف

#qarşılıq #anlam #ək #ər#sözdüzəldici #leksik #ar Türkə ocağı, [10.04.20 anlam

@turkce_d ilim

Türkə ocağı, [07.04.20 21:15]anlam
 بیرون آمدن ، خارج شدن ، حاصل شدن ، [Çixmaq] سود ، : Çixar : ...نتیجه شدن ، استخراج شدن و ...شایستگی ، فایده ، درآمد ، پشتکار و ...

Çixmaz: بی فرجام، بی بست، بی نتیجه

محصول: Çixim: خروج، رهایی، برآمدگی: Çixiş
 خارج شونده: Çixan: خروجی، برجستگی: Çixıntı
 محل خروج، خروجی: Çixarmaq: مخرج: Çixaraxaq

Çixarış: سود، فایده، بیرون کردن: Çixar

Çixarlı: استخراج: Çixarım: استخراج، سود

Çixarsız: بی فایده

Çixarımaq: بیرون کشنده: Çixarıcı، بی درآمد

Çixarımsal: نتیجه: Çixarılış: اخراج شدن

Çixılan: اخراج و کسر شدن: Çixılmaq

Çixılmaz: بی بست

Çixardı: خارج کردن، کسر کردن: Çixartmaq، لا علاج

Çixartdırmaq: بیرون کشیدن: Çixartdırılmaq: خارج شدن

تور کجه فعل #ÇixmaqBi #Çixmaq #qarşılıq #anlam

(چکیمی (صرف افعال ترکی

Feilin çəkimi - dilək şəklin

rəvayəti (olumlu) : * قالب - صرف فعل

(مقصد(آرزو) روایه (مثبت) :

*Almaq : (eyləmlilik) مصدر *Feil gövdəsi :

al*Al + a + imiş + şəxs əkləri

◆Alaymışam = al + a + imiş + am✓

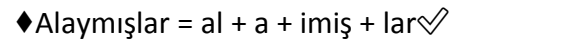
◆Alaymışsan = al + a + imiş + san ✓

◆Alaymış = al + a + imiş✓

◆Alaymışıq = al + a + imiş + ıq✓

◆Alaymışsınız= al + a + imiş+ sınız✓

◆Alaymışlar = al + a + imiş + lar✓



Feilin çəkimi _ dilək şəklin rəvayəti

(olumsuz) : * قالب مقصد(آرزو) روایه * (منفی) :

◆Almayaymışam= Al+ ma + a + imiş + am ✓

◆Almayaymışsan =al + ma + a + imiş + san



manata tək 10kiloyatək تا تا پنجم منات
 Yüz ده کیلو
 minədək تا صد هزار

mənimdə ◆ مقایسه، تشبیه: qarşılaşdırma
 bizdək ◆ مثل اون : ontək ◆ مثل من : k
 Özümdək ◆ مثل گنجشگ : quştək ◆ ما
 مثل خودم

دوستان همین قوشما به شیوه جداگانه هم نوشته
 میشود که در آن بصورت دوهجایی وجدگانه نوشته
 Təki \ təkin : میشود. مثال

onun ◆ küçəyə tək ◆ küçəyə tək ◆
 1 kilo tək ◆ 1 kilo tək ◆ onun tək ◆
 tək ◆ axşama tək ◆ axşama tək ◆
 #qoşma #tək
 Bizə _____

qoşulun قوشولون

@turkce_dilim

Türkcə ocağı, [11.04.20 20:18]qoşma :
 cən - can

قوشما : بین واژگان ارتباط ایجاد میکنند ، و در
 کل جهت ، مقدار ، مقصد ، سبب ، مقایسه ، زمان و..... را
 از قوشماهایی که همیشه (cən-can) : بیان میکنند
 متصل و چسبیده به واژه نوشته میشوند.(قوشماهای
 تکهجایی متصل به واژه نوشته میشوند) با نقشهای
 (مکان (مسافت): Məkanı bildirən

Küçəyəcən ◆ تا تهران : Tehranacan
 Zənganacan ◆ تا خونمون : Evimizəcən ◆ کوچه
 Məktəbəcən ◆ تا پشتبوم : damacan ◆ تا زنگان
 zamanı _____ تا اینجا : buracan ◆ تا مدرسه
 bildirən : (زمان(مدت)

Gecəyəcən ◆ تا غروب : Axşamacan
 səhərəcən ◆ تا اوامدنت : sən gələnəcən ◆ شب
 Sabahacan ◆ تاغروب آفتاب : Günbatanacan
 Ölçü _____ تا رفتنش : o gedənəcən ◆ تا فردا : n

5 ◆ اندازهی یک متر : metrəcən ◆ 1 مقدار
 manatacan 10kiloyacan تا تا پنجم منات

Yüz minəcən ده کیلو
 #qoşma #cən
 Biz _____

لحظه ، آن ، خاطره ، یاد ، ادراک ، عقل ، : (an) آن
فهم و

Anıtqan ◆ اثر ، یادگار : Anıt ◆ یاد، لحظه، فهم : An

Anış ◆ بخاطر کسی آوردن : Anıtmaq ◆ آماده کننده
 تفاهم

Anıq ◆ تفاهم رسیدن، فهمیدن : Anışmaq ◆ یادآوری

Anıqlıq ◆ ادراکی : Anıqsal ◆ حافظه، ادراک

Anılmaq ◆ یادآوری شونده : Anıl ◆ آمادگی

Anım ◆ یادآوری شدن

Anınmaq ◆ یاد کردن : Anımsamaq ◆ یادواره :

Anlaq ◆ فهمیدن، درک کردن : Anlamaq ◆ یادآوری شدن

Anlam : معنا

Anlamdaş ◆ معنوی : Anlamsal ◆ مفهوم

Anlatdırıcı ◆ درک ، فهم : Anlayış ◆ هم معنا، هم مفهوم

Anlat ◆ فهماندن، متوجه کردن : Anlatmaq ◆ تفهیم کننده

Anlaqlı ◆ فهمیم، دانا : Anlar ◆ تفهیم ، بیان

Anlaşılmaq ◆ تفاهم توافق رسیدن : Anlaşmaq ◆ فهمیم

Anlaşmaca ◆ قراردادی : Anlaşım ◆ مفهوم شدن

Anlaşmazlıq ◆ تفاهم : Anlaşmaçısı ◆ پیمانکار
 Anlaşmaq ◆ تفاهم، سازش : Anlaşmaq

Tək - dək #an #qarşılıq #anlam

قوشما : بین واژگان ارتباط ایجاد میکنند ، و در
 کل جهت ، مقدار ، مقصد ، سبب ، مقایسه ، زمان و..... را
 از قوشماهایی که همیشه (tək - dək) : بیان میکنند
 متصل و چسبیده به واژه نوشته میشوند.(قوشماهای
 تکهجایی متصل به واژه نوشته میشوند) با نقشهای
 (مکان (مسافت): Məkanı bildirən

Küçəyədək ◆ تا کوچه : Evimizədək
 Zənganədək ◆ تا زنگان : Zənganədək ◆ تا خونمون
 Məktəbədək ◆ تا پشتبوم :

zamanı _____ تا اینجا : burayatək ◆ تا مدرسه
 bildirən : (زمان(مدت) : Axşamataək ◆

sən gələnədək ◆ تا شب : Gecəyədək ◆ غروب
 səhərədək : تا اوامدنت

Sabahataək ◆ تاغروب آفتاب : Günbatanataək ◆ تاصبح

ölçü _____ تا رفتنش : o gedənədək ◆ تا فردا :

5 ◆ اندازهی یک متر : metrədək ◆ 1 مقدار

- ◆ **Gülərcəsinə** : خندانوار ، خشکی خندان ،
- ◆ **İgidcəsinə** : قهرمانانه ، همچون قهرمان:
- ◆ **Köləcəsinə** : بدهوار:
- ◆ **gözəlcəsinə** : به شکلی زیبا ، به زیبایی:
- ◆ **Könülsüzcəsinə** : به شکلی بی‌میل:
- ◆ **Dəlicəsinə** : دیوانه‌وار ، به شکلی دیوانه:
- ◆ **Bilgicəsinə** : به شکلی فهمیده ، فهمیده‌وار:

casina

- ◆ **Alçaqcasına** : باپستی ، به شکلی پست و رذل:
- ◆ **Ağlarcasına** : به شکلی گریان ، گریان‌وار:
- ◆ **Açıqcasına** : به شکلی آشکار ، واضح:
- ◆ **Aydınçasına** : بصورت روشن ، به روشنی:
- ◆ **Çilğincasına** : همچون دیوانه ، دیوانه‌وار:
- ◆ **Quduzcasına** : به شکلی وحشیانه ، وحشی‌وار:
- ◆ **Qoçaqcasına** : قهرمانانه ،

نترس‌وار

Anlamdaş zərflər (Sinonimik) ظرفهای

مترادف (هم‌معنی) فقط در قسمته حالت و شیوه این ظرف مترادف (ca-ca) با همان ظرفهای پست قبل

میباشد. **Alçaqcasına = alçaqca** **Aydınçasına = aydınca** **Dəlicəsinə = dəlicəVə.....**

#zərf #cəsinə #casına _____ **Bizə**

واژه‌ای به معنای پیش ، جلو ، : "ön \ \ خانواده واژه **#ön**.... قبل ، نخست ، اول ، نخستین ، پیشین و

Öncəl قبلا ، نخست **Öncə** اول ، نخست ، پیش **Ön**

رهبر **Öncül** رهبر ، پیشرو

Öncüllük پیشی ، اولویت **Öncəlik** ، پیشرو

Öncəlikli رهبری

Önəmsənmə اهمیت دادن **Önəmsəmək** مقدم

Önəmsəmək اهمیت یافتن **k**

Önəmsəməzlik بی‌اعتنا

Önəmli اهمیت ، اولویت **Önəm** بی‌اعتنایی

Önəmlilik بی‌اهمیت **Önəmsiz** مهم

Önəri پیشنهاد کردن **Önərmək** مهم‌بودن

Önərgə پیشنهاد ، پیشنهاد

Önləniş مقابله و پیشگیری کردن **Önləmək** لایحه

Öndər تدبیر **Önləm** ممانعت ، پیشگیری



Cə _ ca

از پسوندهای -ظرف که چسبیده و حالت ، منبع ، **ç** ،
: کمیت (مقدار) ، زمانی و... را بیان میکند

منبع زبانی

◆ **Türkca** : زبان ترکی

◆ **Çincə** : زبان آلمانی

◆ **Almanca** : زبان عربی:

◆ **Rusca** : زبان چینی

منبع

◆ **Sizcə** از نظر تو

◆ **Məncə** از جانب من

◆ **Yaxşıca** : به شکلی زیبا

◆ **Açıqca** : به وضوح

◆ **Özlcə** : به خوبی

◆ **İlcə** : (روزانه (روزنامه: **Güncə** : زمانی

◆ **Ayca** : سالانه

◆ **Həftələrca** : به اندازه ماهها

◆ **Aylarca** : ماهانه

◆ **Onlarca** : یکی

◆ **Mincə** : اندازه صدها

◆ **Yüzlərcə** : اندازه دهدها

◆ **Təkcə** : هزارتا

◆ **Bacardığımca** : (فعل) طبق تواناییم ، اندازه

◆ **Bildiyimcə** : اندازه

◆ **Olduğunca** : به اندازه ای که دانسته‌هایم

طبقه گرفته‌هایم ، **Aldığımca** : هستی

طبق دیده‌هایم **Gördükləricə** : اندازه گرفته‌هایم

◆ **Ağlarca** : خندان

◆ **gülərcə** : صفت - فعلی

◆ **Görməzəcə** : ندانسته جاهلانه

◆ **Bilməzəcə** : گریان

◆ **Yanarca** : (سوزان) مشعل

◆ **Adamca** : مثل

◆ **Qurdca** : همچون گرگ

◆ **Heyvanca** : به شکل حیوان

◆ **Kişiəcə** : انسان

Və

#zərf #cə #ca _____ **Bizə** **Cəsinə** _

casina از پسوندهای -ظرف که چسبیده نوشته میشود ، و صرفاً **ç** ،

معنای لغوی واژه را به‌عنوان حالت ، طرز و شیوه بیان

: میکند

casinə

◆Gözləmçi مشاهده گر ◆Gözləmçilik
 ◆Gözlənti انتظار، توقع ◆Gözləyiş
 ◆Gözlənmək منتظر، مراقب ◆Gözləyici انتظار
 ◆Gözləni در انتظار گذاشتن ◆Gözlətmək مراقبت شدن
 ◆Gözlənilməz منتظره ◆Gözlənilməz غیرمنتظره
 ◆Gözəlləşmək زیبایی ◆Gözəllik زیبا :
 ◆Gözəllənmək زیباشدن
 ◆və..... زیباتر کردن ◆Gözəlləşdirmək زیباشدن
 Bizə _____ #qarşılıq #anlam #göz
 qoşulun @Turkce_dilim
 Türkçə ocağı, [14.04.20
 20:52] Sözdüzəldici (leksik) əklər
 ildə - ilda : که واژه ای جدید با معنای جدید میسازند
 - ulda - üldə
 فعل دوزلدیجی : پسوندهایی که فعل میسازند و در *
 اکثریت مفهوم صدایی و تکرار و تداوم صدایی ، آوایی ،
 : فعالیتته واژه را بیان میکنند. مثال
 ildə Zing = صدای زینگ
 صدای جینگ : Cing
 Cing'ildə mək - صدای جینگ صدای دادن
 Vəng : جینگ جینگ صدای دادن
 ونگ ونگ صدا - Vəng'ildə mək - صدای ونگ
 درد کردن ، - : Giz'ildə mək - درد ، رمز : Giz
 Cikk'ildə mək - صدای جیک : Cikk
 ilda - جیک جیک صدای دادن
 جینگ :- Cinq'ildə mək - صدای جینگ : Cinq
 Xırç'ildə mək - صدای خرچ : Xırç
 صدای زار : Zar
 صدای (زارزار صدادن) گریه و زاری - Zar'ildə mək
 İş : فیس فیس صدای دادن :- Fıs'ildə mək - فیس
 Çır : پرتو و نور دادن :- İş'ildə mək - روشنایی
 #ilda سو سو زدن :- Çır'ildə mək - سوختن و روشنایی
 #ilda #sözdüzəldici #leksik
 #ək _____ bizə
 به معنای : روز ، خورشید ، آفتاب و..... و "gün" واژه
 واژگانی که از این واژه ریشه
 Günəş : روز، خورشید، آفتاب #gün
 Günəş
 آفتاب ◆Günəşli

Öndərlik رهبری ◆Öngörmək
 Və..... پیش بینی ◆Öngörmə پیش بینی کردن
 Bizə qoşulun _____ #qarşılıq #anlam #ön
 @Turkce_dilim
 Türkçə ocağı, [13.04.20
 21:40] Sözdüzəldici (leksik) əklər
 al - əl - l : که واژه ای جدید با معنای جدید میسازند
 از پسوندهایی دسته بندی (al-əl-l) به طور کلی *
 شده اند که از غیر فعلها ، فعل میسازند ، چند مثال از
 - : فعل سازی و غیر فعل سازی های این پسوندها
 Yox : خالی شدن : Boş'al'maq - خالی : Boş
 Çox : زیاد ، نیست و نابود شدن Yox'al'maq - نیست
 Az'al'maq - کم : Az
 زیاد شدن Çox'al'maq - فراوان
 Tox'al'maq - سیر : Tox
 کم شدن :
 Dinc : چاق شدن : Kök'əl'mək - چاق : Kök
 Düz : آرام شدن : Dinc'əl'mək - راحت ، آرام
 Yön : جهت - Düz'əl'mək درست شدن
 Gen : وسیع - Yön'əl'mək جهت گرفتن
 Gen'əl'mək وسیع شدن
 Qoca : پیر : Qoca'l'maq - I
 Uca : کوتاه شدن : Qısa'l'maq - کوتاه : Qısa
 پیر شدن :
 Qara : سیاه : Qara'l'maq - مرتفع شدن :
 ظریف، نازک : İncə : İncə'l'maq - سیاه شدن :
 Öz'əl : غیر فعلها :
 Öncə'l : زیبا : Göz'əl : شخصی :
 San'al : طبیعی : Doğ'al : پیشرو
 Və.... قانون : Qur'al : مجازی
 #qarşılıq #anlam #ək #əl #sözdüzəldici
 #leksik #al _____ bizə
 به معنای ؛ چشم ° و واژگانی که از "göz" واژه گوز
 چشم ، : göz #göz
 این واژه ریشه گرفته اند
 Gözlük : چشم کوچک، چشمک : Gözcük
 نگاه
 Gözənək : عینک ساز : Gözlükçü
 عینک
 Gözətmək : زیر نظر : Gözəlti
 پنجره
 Gözətçi : مراقب، ناظر : Gözətici
 زیر نظر گرفتن
 Gözətmən : نگهبانی : Gözətçilik
 ناظر، نگهبان
 Gözləm : انتظار کشیدن : Gözləmək
 نگهبان

یو خودور و اینگلیسجه یه تای گروه اسمی نین کلمه لرینین
ترتیبی فارسجائین ترسه سی دیر

#ardıcıl #yiyəlik

واژه ای به معنای راه ، گذرگاه ، دفعه ، : \ "yol \ " واژه

روش ، هدف و...-و واژگانی که از این واژه ریشه

#yol. گرفته اند

◆ Yol : راه

◆ Yolçu : رهگذر مسافر

◆ Yolçuluq : مسافرت، گدایی

◆ Yollu : راهدار

◆ Yolluq : راهی، مختص راه

◆ Yolsuz : بیراه

◆ Yolsuzluq : بیراهگی

◆ Yoldaş : دوست، همراه

◆ Yolaq : راه باریکه

◆ Yoldaşlıq : دوستی، همراهی

◆ Yoldaşca : دوستانه

◆ Yoldaşcasına : دوستانه

◆ Yollayıcı : فرستنده

◆ Yollamaq : راهی وارسال کردن

◆ Yollanmaq : راهی وارسال شدن

◆ Yoldaşlaşmaq : دوست و همراه شدن

◆ Yoluxmaq : سرایت، مبتلا

◆ Yoluxucu : سرایت _ کردن ، راهی شدن ، مبتلا شدن

کننده ، مسری ،

◆ Yoluxuşmaq : بهم سرایت کردن،

◆ Yoluxdurmaq : بهم دچار و مبتلا شدن

◆ Yoluxdurucu : ناقل ، دادن ، انتقال به دیگری

سرایت دهنده،

◆ Yoluxduruculuq : سرایت دهنده گی ،

...ناقلیت

#qarşılıq #anlam #yol

پسوندهای [Sözdüzəldici(leksik) əklər] 12:49

IX - UX : که واژه ای جدید با معنای جدید میسازند

◆ فعل دوزلدیجی : از پسوندهایی که فعل میسازند ، مثال *

◆ Dar : تنگ ،

◆ Sın : دلگیر و دلتنگ شدن Dar'ix'maq محدود

◆ Günəşlik ◆ آفتابی خورشیدی ◆ Günəşsəl ◆ آفتابی

◆ Gündüz : محل آفتابی

◆ Güncə ◆ روز کوتاه ◆ Güncük ◆ روز

◆ Güncək ◆ افتابگیر، چتر ◆ روزانه

◆ Günbatan : (مغرب (غروب) : ◆ Günbatan

◆ Güney : (شرق) : ◆ Gündoğan ◆ غرب

◆ Günəşlənmək : آفتاب

◆ Günəşlətmək : گرفتن آفتاب دادن

◆ Güncəl : بروز ،

◆ Güncəlləşmək : بروز شدن ،

◆ Güncəlləşdirmək : بروز _____ آپدیت شدن

◆ Və.....#anlam #qarşılıq #günTürkçə 21:17] [Sözdüzəldici(leksik)

پسوندهای که واژه ای جدید با معنای جدید

از پسوندهایی که از * - ucu - ücü - ıcı - İci : میسازند

افعال ، صفت میسازند. و همیشه به بدنه فعل (صرف امر)

◆ Min'ici : برنده، تیز ، - İci - İci - İci : متصل میشوند

◆ Biç'ici : گردشگر ◆ Gəz'ici : سوارکار

◆ Sev'ici : دوستدار ◆ Sat'ıcı - İci : برشکار، خیاط

◆ Yix'ıcı : بیننده ◆ Bax'ıcı : خریدار ◆ Al'ıcı : فروشنده

◆ Öldür'ücü : تخریبگر ◆ Yirt'ıcı : گذرا ◆ Üz'ücü

◆ Sür'ücü : راننده ◆ gül'dür'ücü : ناراحت کننده

◆ Poz'ucu : شکارچی ◆ Ov'ucu - ucu : خنده آور

◆ Yor'ucu : پرسشگر ◆ Sor'ucu : مخرب

◆ Ud'ucu : پیروز، برنده ◆ Ud'ucu : خسته کننده

◆ bizə ___ #iki #ucu #sözdüzəldici #əklər qoşulun

بیزه قوشولون [Photo] [16.04.20 17:06] [Türkçə ocağı]

Yiyəlik hal və ya مالکیت - ییەلیک حال

ismin yiyəlik halı. İsmın yiyəlik halı sahiblik,

aidlik, yiyəlik mənalərını bildirir. Yiyəlik

halda işlənən isim cümlədə özündən

sonrakı başqa bir isimdən daha doğrusu,

mənsubiyyət şəkilçili isimdən asılı olur.

ardıcıl yiyəlik - onun düzəlişi

و ساختار آن : گروه اسمی : فارسجا دا نچه کلمه یه کی

بیر بیرینه () ایله یاپیشیلار دئییلیر تورکجه ده ()



◆Güc- بومیسازی کردن ، تمثیل کردن :
 Güc'ümsə'mək ، قوی تصور کردن ،
 Gü'l'ümsə'mək -بخند : Gül' قوی شماردن
 Söylə' -بگو : Söylə' لبخند زدن :
 حالت گفتاری داشتن، تلفظ :
 -msa ۲۱ ◆ قوی شماردن
 فهمیدن ، : Ayır'msa'maq جدا : Ayır'
 Az- کم : Az تبعیض تفاوت گذاشتن
 An- لحظه : An دست کم گرفتن ، کم شماردن :
 به خاطر آوردن ، یاد : Anımsamaq یاد
 Qaç' -فرار کن : Qaç آوردن
 Çox'umsa'maq -بهمانه و فرار بودن
 دست بالا گرفتن، زیاد شماردن :
 #ək #msa #msə#sözdüzəldici 21:48]۲
 qarşılıq
 واژه‌ای به معنای آسمان ، آبی ، کبود ، : "göy \ " واژه ۲
 #göy.....#سبزی و
 Göy : آسمان، کبود، آبی :
 Göylü : آسمانی
 Göylük : سبزه‌زار
 Göyərti : سبزی
 Göyərtilik : سبزی
 Göyərtiçi : سبزی فروش
 Göyərtiçilik : کشتزارسبزی
 Göyümtül : متمایل به آبی
 Göyümtraq : تقریباً آبی
 Göyümsov : تقریباً آبی
 Göyçək : زیبا ، آسمانی
 Göyçəkçə : زیباوار
 Göyçəkləşmək -زیبای : Göyçəklik
 کبودشدن : Göyərmək -زیباشدن
 کبودکردن ، (رویدن)، سبزشدن
 @turkce_dilim



◆Yan : شکسته و لاغرشدن Sın'ix'maq بشکن
 Dad- دلسوزی کردن : Yan'ix'maq بسوز
 Yat- طعم گرفتن : Dad'ix'maq طعم:
 ux- روی هم خابیدن Yat'ix'maq بخواب : Yol
 Sol- سرایت کردن Yol'ux'maq راه
 Ot- رنگ باختن Sol'ux'maq پژمرده شو
 Don- علف خوردن Ot'ux'maq علف
 Ud- منجمد، بی حرکت شدن Don'ux'maq منجمدشو
 Dol- بغض کردن Ud'ux'maq قورت بده
 #ək #və..... چشم پرازاشک شدن Dol'ux'maq پرشو
 #ix #ux#sözdüzəldici qarşılıq
 واژه‌ای به معنای رد ، اثر ، علامت ، نشانه ، \ "iz \ " واژه ۲
 اثر، رد، نشانه #iz #iz
 İzçi: کاشف، ردیاب
 izçilik : ردیابی
 izsiz: بی ردونشان
 İzincə ... به دنبال
 İzçə: تابعه، تاکتیک
 İzləncə برنامہ
 İzləm : تعقیب
 İzləmçi: دنبال کننده
 İzlənim : تاثیر
 İzləyici : تعقیب کردن ، : İzləmək پیرو ، رهرو
 مورد تعقیب قرار : İzlətmək -دنبال کردن
 تعقیب شدن ، دنبال : İzlənmək -دادن
 باهم جستجو و کاوش : İzləşmək -شدن
 və...
 Bizə qoşulun #qarşılıq #anlam #iz
 @Turkce_dilim
 Türkçə ocağı, [20.04.20
 21:28]۲Sözdüzəldici(leksik) əklər۲
 -msə - : که واژه ای جدید با معنای جدید میسازند
 msa
 فعل دوزلدیجی : از پسوندهایی که فعل میسازند ، مثال *
 -msə:
 تصاحب کردن ، از آن Mən'imsə'mək من : Mən
 Öz- خود : Öz'ümsə'mək -خود کردن

س. "چاخیر و بنگ موناظیرهسی" ایله موناظیره ژانری نین ایمکان لارینی زنگینلشدیردی. عبید زاکانی نین تأثیرینده یازیلان بو اثرده مأمورلارین منفی اخلاقی-معنوی شخصیت لری، خیصلت لری لاغا قویولوب عداوت، جاهیل لیک، سوی قیریم ساواش لاری پیسله نیر. امیری نین دهنامه (۱۴۲۹) اثری ایله نامه ژانری اینکیشاف ائتدیردی. بو دیوان نوسخهسی تورکیه ده "دهنامه"، "چاخیر و بنگ.." نوسخه لری بریتانیا موزه سینده، فوتونوسخه لری اؤزبکیستان علم لر آکادمی سی شرق شوناس لیق و ال یازمالار اینیستوتوندا ساخلانیر.

سوسیال مندییا

Sosyal media

اؤزبک تورک

شاعیری یوسف امیری

شعیرلریندن اؤرنک

خیالینگ خیلی، ائی جانیم چراغی،
تورور کؤزومده و کؤنگلومه داغی.
یوزونگ کؤرر کؤزومدور، گر رقیبینگ،
کؤره آلماس اونی چیقسین قراغی.
قچان زولفونگ کؤنگول بیرلن توزال گه ی-
کیم، اگری دور انینگ باشتین - آیاغی.
فیغانیم نی رواب آلیغه، ائی دوست،
نه آیتایین چو ائشیتمس قولاغی.
کؤزونگ کؤنگولده ائکمس مهر توخمین،
عجب یوق، توشمه دی ائکین بیراغی.
یوزونگ کؤرر کؤزومدور، گر رقیبینگ
آچیلغیل گه - گهی، ائی حسن باغی
امیری آلیدین تا اؤتتی اول زولف
نسیمی دین موشوش دور دیماغی.

امیری (۱۵. عصر، هرات) تئیموری لر دؤنمی نین
تورک شاعیری.

یارادجی لیغی

امیری بای سونقور میرزا حیمایه سی آلتیندا
یاشامیشدیر. تورک و فارس دیل لرینده یازیب
یارتمیشدیر. علیشیر نوایی "تورک ایدی و تورکجه
یاخشی شعیرلری اولوبدور" ("مجالس النفایس")
دئییه یازسا، دولت شاه سمرقندی، "شاهرخ دؤنمینده
بؤیوک شؤهرت قازاندی" (تذکره الشعر) دئییه
تعریف له ییر. امیری نین تورکیه ده بیر دیوانی هم
ده "دهنامه"، "چاغیر (چاخیر) و بنگ
موناظیرهسی" اثری لری مؤوجوددور.

فارس دیلینده کی اثرلریندن یکی بیت معلومدور:
بیری "مجالس النفایس"، ایکنیجیسی یقینی نین
"اوخ و یای منظومه سی" - ده ساخلانیر. دیوانینا
داخیل اولان شعیرلرده شاعیر یاشام حاقیندا درین
فلسفی گؤروشه صاحب اولوب عشق - محبتی
اوجال دیر. (ائی گؤزه.. "، "دلی یم"، "ائی کؤنول" و

سوئیسین زوریخ شہریندە یونان ،
تورکیە و بیریتانیا آراسیندا
کئچیریلن گۆروش لردە
حاضرلاران آناياسا ایله ۱۶
آقوست ۱۹۶۰
تاریخیندە قیبریس
جومهوریتی موسستقیل بیر دۆولت
اولاراق قورولدو.^[۵]



قیبریس جومهوریتی نین ایلك
پرزیدنتی سئچیلن اوچونجو
ماکاریوس قیبریسین ۱۹۶۱-
جی ایلدە مؤوجود آناياسا ایله
ایداره ائدیله بیللمه به جگینی ایدیا ائتمگه
باشلادی^[۶] و ۱۹۶۳-جو ایلین نوامبریندا آناياسادا اون
اوج مادهیه دیشیکلیک تکلیف ائتدی.^[۷]
قیبریس تورک بیرلیگی نین بو دیشیکلیک لری قبول
ائتمه سی اوچون قیبریسی روم
فاناتیک لری^[۸] آکریتاس پلانی آدی آلتیندا آدادا
گرگین لیگی آرتیران فزئت لر نشر
ائتمگه^[۹] باشلادیلار.

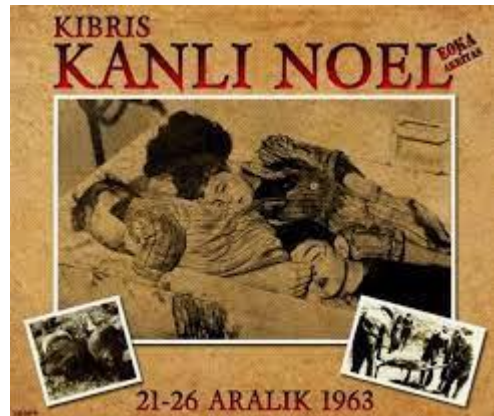
قانلی کریسمس

۱۹۶۳-جو ایل دسامبرین ۲۰-نه کئچن
گنجه نیکوزیا (لفکوشا) نین تاختاقالا رایونوندا
اوتوموبیل لره آتش اچماسی نتیجه سینده زکی خلیل
و جمالیه ائمیرالی اؤلدورولدو.^[۱۱] ایلك باشدا ۳۰ کند
هوجوما معروض قالدی.^[۱۰] عومومی لیکده ۱۰۳ کنده
هوجوم ائدیلدی.^[۱۱] نیکویانین کیچیک قایماقلی
ماحالی موخاصیره آلتینا آیینمیشدی.^[۱] قانلی دره
بؤلگه سینده تورکلره قارشى بیر هوجوم تشکیل
ائدیلدی.^[۱۲] لارناکا و توزلا بؤلگه لرینده تورک
ئولری آتسه توتولدو و دوققوز آدام اؤلدو. بؤلگه ده
کی ۱۳ تورک کندی نین ساکین لری ۲۳ دسامبر
تاریخیندن اعتباراً داها بؤیوک تورک کندلرینه کؤچ
ائتدی.^[۱۳] ۱ ژانویه ۱۹۶۴-جو ایلدە دیلی هرالده
آشاغیداکی لاری بیلدیردی:

قانلی کریسمس

(تورکیه تورکجه سی: Kanlı Noel)

کؤچورن: عباس ائلچین



۲۰ دسامبر^[۱] و یا ۲۱ دسامبر ۱۹۶۳-جو
ایلدە قیبریس تورکلرینه قارشى سیلاحلی
هوجوم لارا^[۲] وئریلن آددیر. بو آدادا ایجماع لار آراسی
قارشى دورمالارین باشلانغیجی حساب
اولونور.^[۳] حادیشه لردە جمعی ۳۶۴ قیبریس تورکو و
۱۷۴ قیبریسی یونان حیاتی نی ایتیردی.^[۴]
آکریتاس پلانی

قومسال باسقىنى

بوگون باربارلىق موزهسى آدى ايله موحافىزىه اندىلن
اؤده، قتل عامين گنرچك لىشىدىكى حمام

۲۴ دسامبر ۱۹۶۳-جو ايلده نيكوزيانين قومسال
رايونوندا ۱۱ نفر اؤلدورولدى. بونلاردان ۴-او تقاعدوچو
طىبى برىقادا ژنرالى نيهات ايلهانين عاييلهسى ايدى
(او واختلار قىبرىسده ۶۵۰ شخسى هئىتى
اولان [۱] قىبرىس تورك قوۋەلرى آلايى كوماندان لىغى
نين مايورو). ايلهانين ائوينده كى حمامدا حيات
يولداشى موركون ايلهان و اوولادلارى مراد، قدسى و
هاكان اوولو تاپىلدى. [۱۹] باسقى نين ائىلدىكى ائو داها
سونرا باربارىزم موزهسى اولراق زيارتچى لار اوچون
آچىلدى.

سونوچلار

۳۶۴ قىبرىس توركو و ۱۷۴ قىبرىسلى يونان
حياتىنى ايتىردى [۴] و ۸،۶۶۷ قىبرىس توركو ۱۰۳
كندى ترك ائندى. [۱] ۲۲ دسامبر ۱۹۸۵-جى ايل
تارىخلى ميليت قزئتنده كوچ ائتمگه مجبور
اولان لارين سايى ۲۵ مين، ۲۳ دسامبر ۱۹۹۳-جو ايل
تارىخلى قزئته ايسه سايى نين ۳۰ مين اولدوغو
بيلدىرلىر. [۱۱] [۲۰] جان ترنس اونيل و نيكلاس
ريس، ۳۰،۰۰۰ قىبرىس توركونون كوچ ائتمەلى
اولدوقلارنى ايفاده ائندى. [۲۱] دسامبرين ۲۵-ده



تورك ائولرينه گلنده دهشته گلديم. ديوارلار
اىستينا اولماقلا، تاماميله محو ائىلميشدى. شوبه
ائىرم كى، حتى بير ناپالم هوجومو بئله محو ائده
بيلر. [۱۴]

آيواسيل داكى حادىتهلر

آيواسيلدا [۱۵] توركلره قارشى هوجوملار ائىلدى.
بو هوجوملار ۲۱-۲۲ دسامبر تارىخلرينده باش وئرىپ،
خليل صدراعظم، كنده اولجه ۱۲ نفرين
اؤلدورولدوگونو بيلدىرير. سونرا اؤلدورمگه داوام
ائىدىكلرينى سؤيله يير. [۱۰] [۱۶] ۳ ژانويه ۱۹۶۴-جو
ايلده ۹ نفرين جسدى تاپىلدى و دفن
ائىلدى. [۱۷] ۱۳ ژانويه ۱۹۶۴-جو ايله قدر داوام
ائىن قازىنتى لار زامانى ۲۱ نفرين قالىق لارى



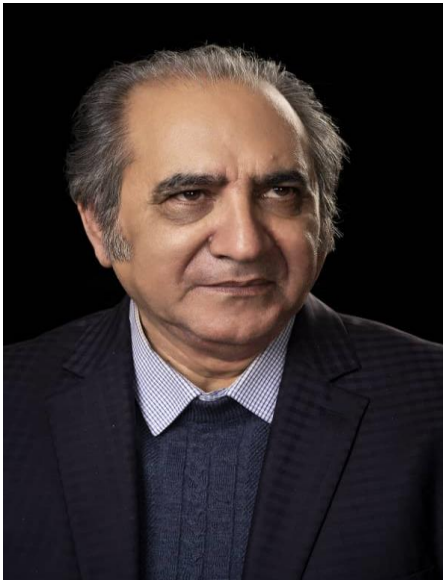
قىبرىس تورك قوۋەلرى آلايى مواضعه يئرلشدىرىلدى
و توركيه حربى هاوا قوۋەلرينه مخصوص دؤبوش
طياره لرى نيكوزيا اوزرىندن خبردارلىق اوچوش لارينا

تاپىلدى. [۱۰] [۱۸] اؤلدورولن لار نيكوزيا تىككه باغىندا
(شهيديلكده) دفن ائىلدى. [۱۰] [۱۷]

ایران‌دا حکایه یازما

تاریخی

علیرضا ذیحق



ایران حکایه ژانرینین و مدرن اوسلوب لارلا یارادیلماسی، میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۵۷-۱۱۹۱ هـ.ش) نین آذربایجان تورکجه‌سیندن فارسجا یا ترجمه اولان حکایه‌لری ایله درین بیر باغلی لیقی واردیر. اونون «آلدانمیش کواکب» و «یوسف‌شان حکایتی» آدلی قیسا جا رومان لاری ۱۲۵۳- نجی گونش ایلینده میرزا جعفر قراجه‌داغی طرفیندن ترجمه اولونور و ایران ادبی یارادیلجیقینی اؤز تأثیری آلتینا آلیر. او اثر محتوا و فورم باخیمیندن، ایران ادبیات تاریخی نین نثر ساحه‌سینی یئنی بیر باشلانیش لا اوز به اوز آندیر و الهام قاینایی اولاراق حاج زین‌العابدین مراغه‌ای (۱۲۹۰-۱۲۱۸ هـ.ش) و عبدالرحیم طالبوف (۱۲۸۹-۱۲۱۳ هـ.ش) کیمی قاباقجیل یازارلار یئتیشدیریر. حاج زین‌العابدین مراغه‌ای «سیاحتنامه ابراهیم بیگ» آدلی کیتابینی

باشلامیشدی‌لار. [۱] حادیثه‌لر اوستونه ۳۰ دسامبر ۱۹۶۳-جو ایل گونو توپلانان بیریتانیا، تورکیه و یونان حؤکومت‌لری یاشیل خطدی تعیین ائدن یاشیل خط آندلاشماسی ائدیلدی. [۲۰]

اتک‌یازی‌لار

1. "Kanlı Noel" den ders almamız (1)", 5 Ocak 2009 tarihli *Önce Vatandaş* gazetesi
2. "Kanlı Noel" temizlik operasyonuydu", 21 Mart 2007 tarihli *Sabah* gazetesi
3. "CIA - The World Factbook - Cyprus Archived 2018-12-26 at the Wayback Machine." İstifadə tarixi: 2 Ocak 2016.
4. Oberling, Pierre. *The road to Bellapais* (1982), Social Science Monographs, sf.120: "According to official records, 364 Turkish Cypriots and 174 Greek Cypriots were killed during the 1963-1964 crisis."
5. Hasgüler, Mehmet (Şubat 2007). a.g.e, 231. sayfa.
6. Hasgüler, Mehmet. *Kıbrıs'ta Enosis ve Taksim Politikalarının Sonu*; 238. sayfa, Alfa Yayınları, Şubat 2007, ISBN 975-297-836-3.
7. Hasgüler, Mehmet (Şubat 2007). a.g.e, 239. sayfa.
8. İsmail, Sabahattin. *20 Temmuz Barış Harekatının nedenleri, gelişimi, sonuçları*; 105. sayfa, Kastaş A.Ş. Yayınları, 1988, ISBN 975-763-905-2.
9. Kürşad, Fikret; Haşim Altan, Mustafa; Egeli, Sabahattin. *Belgelerle Kıbrıs'ta Yunan emperyalizmi*; 195. sayfa, Kutsun Yayınevi, 1978.
10. Kuzey Kıbrıs Türk Cumhuriyeti'nde Tören, Bayram ve Anma Günleri.
11. "Kıbrıs Türk'ü Kanlı Noel'i andı".
12. *Belgelerle Türk tarihi*; 25-29. sayfa, Menteş Kitabevi, 2001.
13. Kuzey Kıbrıs Türk Cumhuriyeti'nde Tören, Bayram ve Anma Günleri.
14. Stephen, Michael. *The Cyprus question* (1997), The British-Northern Cyprus Parliamentary Group, sf. 15
15. *Türk dünyası araştırmaları*; 176. sayfa, Türk Dünyası Araştırmaları Vakfı, 1989.
16. Kıbrıs'ta Varoluş Mücadelemiz ve Anıtlarımız.
17. "Siyah beyaz düşler". İstifadə tarixi: 21 Aralık 2010.
18. 14 Ocak 1964 tarihli Halkın Sesi gazetesi
19. "KKTC'de kumsal baskını şehitleri anıldı" 24 Aralık 2007 tarihli *Milliyet* gazetesi
20. "Kanlı Noel'in içyüzü".
21. John Terence O'Neill, Nicholas Rees. *nited Nations peacekeeping in the post-Cold War era* (2005), Taylor & Francis, sf.81

۱۲۷۴-نجی ایلهده چاپ ائدهرک آردیندان عبدالرحیم طالبوف «مسالك المحسنين» و «کتاب احمد یا سفینه طالبی» کیتابلاری ایله ایران حکایه یازما تاریخی نین یئنی تمل لرینی قورورلار. تکنیک باخیمیندان یئنی لیک داش یان بو حکایه اثرلری مشروطه چی لیک ایده آل لارینا صادق قالاراق بیر سیرا تاریخی رومان لارین یارادیلما سینا میدان آچیرکی اؤز انکشافیندا اجتماعی رومان لارین یازیلما سینا سبب اولور.

اجتماعی رومان لار کی ۱۳۰۰-نجی ایلدن باشلاناراق یازیچی لار طرفیندن یازیلماغا باشلانیر مشروطه ایل لریندن سونراکی اومود سولوق، عدالت سیز لیک و امنیت سیز لیگی گؤستره رک ایرانین سیاسی و اداری قورولوشوندا اولان فسادی گؤز اؤنونه سریر. آنجاق چوخ مدت لره جان رومان لارین اوخوجویا تانینان پرسوناژلاری عمومیتله یا فاحشه لر دیلر یا دا دؤولت مأمورلاری.

۱۳۰۰-نجی ایلهده چاغداش ایران ادبیاتی یئنی بیر ادبی حادثه ایله قارشیلانیر اودا محمد علی جمالزاده نین «یکی بود و یکی نبود» بیر وارمیش بیر یوخوموش» ادلی قیسا حکایه لر توپلوسونون نشری دیر. جمالزاده نین بو حکایه لری کی ۱۲۹۳-نجی ایلدن باشلاناراق ۱۳۰۰-نجی ایله جان یازیلماشیدیر ایران رئالیزم ادبیاتی نین ایلك تملی کیمی ده یرله نیر.

جمالزاده ساده و شیرین بیر نثر ایله توپلوم داکی چئشیدلی تیپلری جانلاندرماق لافاناتیزمه و کؤهنه اوصول لارا قارشى چیخیر. اجتماعدا اولان چاتیشمازلیق و خسته لیک لری ساتیریک دولو بیر غم له وصف ائتمه یه چالی شیر.

جمالزاده دن سونرا حکایه ژانری نین آن ادلیم و دونیا شهرتلی بؤیوک یازاری صادق هدایت

۱۳۰۰-نجی ایلدن ۱۳۲۰-نجی ایل لره جان کی ایراندا په لوی دیکتاتورلوقی قارا حؤکومون سوزور، مترقی حکایه ژانری کوچه یه و خالقاساری بیر پنجره آچیرکی اوندا پوچ لوق دویغولاری دالغالانارکن حکایه ژانری کوچه یه و خالقاساری بیر پنجره آچیرکی اوندا پوچ لوق دویغولاری دالغالانارکن حکایه اثرلری اینسانلارین یاشاییشیندان ائنگی له نیر و حوزون لو و آجی بیر داد آلیر. اوقدر آجی کی حتی بعضی یازیچی لاردا اؤز روحی وارلیق لارینی پوچ لوق جانیاغیندا اسیر گؤرورلر و انتحار، سون یول کیمی حیاتلارینی نوقطه له بیر.

استبداد و سنت قوربانى اولان بیر جامعه ده، ضیالی لر اؤز لرینی قارقیش لانمیش بیلیم ایچری دونیا لارینا جومورلار و توپلوم داکی چوروک لوکلر له بیر لیکده اؤز لرینی لعنت لن میس و چوروموش

یول گئدیر.

۱۳۰۰ دن ۱۳۲۰-نجی ایل لره جان کی ایراندا په لوی دیکتاتورلوقی قارا حؤکومون سوزور، مترقی حکایه ژانری کوچه یه و خالقاساری بیر پنجره آچیرکی اوندا پوچ لوق دویغولاری دالغالانارکن حکایه ژانری کوچه یه و خالقاساری بیر پنجره آچیرکی اوندا پوچ لوق دویغولاری دالغالانارکن حکایه اثرلری اینسانلارین یاشاییشیندان ائنگی له نیر و حوزون لو و آجی بیر داد آلیر. اوقدر آجی کی حتی بعضی یازیچی لاردا اؤز روحی وارلیق لارینی پوچ لوق جانیاغیندا اسیر گؤرورلر و انتحار، سون یول کیمی حیاتلارینی نوقطه له بیر.

استبداد و سنت قوربانى اولان بیر جامعه ده، ضیالی لر اؤز لرینی قارقیش لانمیش بیلیم ایچری دونیا لارینا جومورلار و توپلوم داکی چوروک لوکلر له بیر لیکده اؤز لرینی لعنت لن میس و چوروموش

آپاریلیرکی یارادیجیلیقی ۱۳۲۰- نجی ایلدن قاباق باشلانمیشدیر.

بو ایللرده صادق چوبک (۱۲۹۵ دوغومی) ایلک حکایه‌لری ایله چیخیش ائدیپ باشا بیلیرکی اؤز عصری نین اؤزهل لیک‌لرینی اثرلرینده انعکاس ائتدیرسین. صادق چوبک، حکایه‌لرینده ائله بیر قورخونج فضا یارادیرکی یاراتدیقی دونیادا، عشقه و محبته هنج یئر اولماییر. کیمسه کیمسه یه اینانماییر و تکجه قورخو، چیرکین لیک، پیس لیک، کثافت و اؤلوم دورکی همیشه واقعیتی واردیر. اونون «خیمه شب بازی» کیتابی ۱۳۲۴- نجی ایلده چاپ اولورسدا گلجهک ایللرده ایسه یارادیجیلیقی دوام تاپیر و ۱۳۴۵- نجی ایلده چاپ اولان «سنگ صبور/ صبرداشی» رومانی کی ماجرالری ۱۳۱۳-نجی ایلین حدودلاریندا کئچیر اونون لاپ مشهور اثری اولور. بو رومان او عصرین بولاندیریق و قورخودوجو یاشام طرزینی اینسانلاری نین اولوب و رضا شاه زمانی نین باشی داشا دهیمیش و اومود سوزلوقا قاپانمیش آیدین اینسانلاری نین گرچک حیاتیندان سؤز آچیر.

بو ایللرده اجتماعی روماندا عصرین تأثیرلی حکایه‌طرزی اولور و محمد مسعود کی «مرد امروز» ادلی گونده‌لیک درگی نین باش مدیری ایدی ۱۳۲۲- نجی ایلده آن چوخ اوخونموش اثری «گل‌هایی که در جهنم می‌رویند/ جهنم ده چیخان گول‌لر» ایله ائله یه بیلیر رضاشاه سلطنتی نین سون ایل‌لریندن سؤز آچماقلا بوتون گیزلی و آجی گرچکلری کی رشوت، آج‌لیق، فحشا و ظلوم ایله دولو ایدی بیان ائده. محمد مسعود حقیقتی افشا ائتمک‌له، جانینی آلدن وئریب ترورا قوربان گئدیر. بو دؤورون اجتماعی رومانین دان سؤز آچدیقدایا بیر باشقا سیما، عمار عصار یا ع. راصع (۱۳۳۶-۱۲۷۶

بیلیرلر. اوراجان کی صادق هدایت «داش آکل» حکایه‌سینده، ایران یاشامیندان اومود سوزلوق لارلا دولو جانلی بیر تصویر وئریر. عشق مقوله‌سیندن صؤحبت ائله‌رکن، حکایه‌نین قهرمانی عشقینه نه قدر یاخین لاشدیقجا بدبخت چی لیک لر ده اونو اوقدر آرتیق باسیر و اؤلوموسون سئچیم کیمی قارشیندا گؤرور.

صادق هدایتین آردیندان بزرگ علوی (۱۲۸۲-۱۳۷۵ هـ.ش) «چمدان» ادلی حکایه‌لر توپلوسو ایله ۱۳۱۳- نجی ایلده حکایه‌سماسی نی ایشیق‌لاندریر و سونرالار «چشم‌هایش/ اونون گؤزلی» (۱۳۳۱) رومانی نان بؤیوک بیرشاه اثرین یارادیجی سی اولور.

بوایللرین (۱۳۰۰-۱۳۲۰ هـ.ش) آن تأثیرلی اثری صادق هدایتین «بوف کور- کوربايقوش» (۱۳۱۵) رومانی دیرکی دنیا سویه سینده یاشار بیر اثر کیمی کلاسیک له‌شیب دی.

۱۳۰۰- نجی ایلین شهر یورینده کی رضاشاهین دیکتاتورلوقی سونایئتر ایران ائده‌بیلیر آزجا دا اولسا راحت‌لیق لا بیر نفس چکسین. ۱۳۲۰ دن ۱۳۳۲- نجی ایللره جان ایران دا گئدهن کوتله‌وی اعتراض لار ، سیاسی حزب‌لرین قورولماسی، ضیالی‌لرین چئشیدلی دسته‌لرده توپلانماسی، نظامی حکومت‌لرین و وجودا گلمه‌سی و چاغداش نسلی اعدام‌لار او زیندان لارا سوروین وضعیت‌لر، اوایللره ده ییشیک بیرسیما باغشیلاییر. معاصر تاریخین بو بؤلومونده جلال‌آل احمد، به آذین، صادق چوبک و ابراهیم گلستان کیمی حکایه‌یازارلاری یئتیشیلیر کی قاباقجیل ادبیاتین گؤرکمی نماینده‌لری اولوب اجتماع‌دا و کولتوره کئچن گرگین لیک‌لر اونلارین اثرینه یول تاپیر. آنجاق خاطر لاتماق کی بو دؤورون لاپ پارلاق حکایه یازاریندان سؤز آچاندا بزرگ علوی دن آد

جلال آل احمد دیندار بیر عائله دن چیخدیقی ایچون اوشاقلیقدا، دینی اعتقادلاردان سون درجه ائنگی لن مهسینی و یاشادیقی او حیات یولونو حکایه لرینده عکس ائتدیر مهیی، بیر پارا یئنی لیک لرله دولوایدی کی اوندان اول، کیمسه او مقوله لره گیرمه میشدی.

به آذین «محمود اعتمادزاده» ده بو عصرین (۱۳۲۰-۱۳۳۲) یارادیجی یازارلاریندان دیرکی آن چوخ به یه نیلن اثری «دختر رعیت/ رعیت قیزی» بو دؤورده کند یاشامینا حصر اولونوموش کتاب دیر.

بونو دئمک کی ایران دا کند حیاتی نی ترسیم ائدهن ایلك حکایه اثری «ملانصرالدین» ژورنالی نین باش مدیری «جلیل محمد قلیزاده» نین «تسبیح خان / خانین تسبیحی» حکایه سی دیرکی ۱۳۰۹- نجی ایله چاپ اولارکن ایران یازارلارینی اؤز ائنگی سی آلتینا آلیر. جلیل محمد قلیزاده بو حکایه ده آذربایجان کندلی لری نین خان ظولموندن جانا دویدوقلاریندان و خرافات لی بیر حیات سورمه لریندن سؤز آچیر. ائله بیر مضمون کی ایلر بویو یازارلار طرفیندن استقبال اولونور و اؤز انکشافیندا باعث اولورکی آذربایجانین بیر باشقا ائولادی غلامحسین ساعدی ۱۳۴۳-نجی ایله «عزاداران بیل/ بیل عزالی لاری» ادلی کیتابینی چاپا وئرمکله دونیانین آن بویوک حکایه اثرلی نین بیرینه امضا آتسین. بیر اثرکی اونون گؤزل لیک لری و ادبی- بدیعی سئحیرلی چئشیدلیگی، آذربایجان دا کئچن کند حیاتی نا اختصاص تاپسدا، دونیانین آن ادلیم حکایه اثری کیمی تنقیدچی لر طرفیندن قیمتله نیب دیر.

(۱۳۴۰ - ۱۳۳۲) ایل لری یئنی بیر دؤنم کیمی ایران حکایه یازما تاریخینی آیری بیر بؤلومه آیریر. ۱۳۳۲- نجی ایله ۲۸ مردادین

ه. ش) دیرکی ۱۳۲۵- نجی ایله «با شرفها / شرفلی لر» ادلی کیتابی له چوخلی شهرت قازانیر. آنجاق قید ائتمک کی هر عصرده اولدوغو کیمی، او عصرده ایسه ایکینجی درجه لی ادبیات دا کی اونداهنچ بیر یئنی لیک یوحدور و هونری جوهردن اوزاق دیر، اؤز یاشامینا دوام وئیر و عشق ایله جنایت دن سؤز آچماقلا یالانچی هیجانلار یارادیب کتاب شکلینده و یادا مختلف ژورنال لاردا آرديجيل اولاراق چاپ اولورلارکی سوز اوزونده کی کؤپوک لر کیمی زامانلا اونودولورلار.

بو ایل لرده زیندان ادبیاتی دا ایلك دفعه اولاراق اؤزونه بیر ژانر کیمی تانی نیر و بوساحه ده محمد جعفر پیشه وری نین «یادداشت های زندان» ادلی اثری بیر باشلانیش کیمی قیمت لن مه لی دیر. پیشه وری نین بو اثری «اثری» درگی سینده (۱۳۲۰-۱۳۲۳) مقاله شکلینده چیخسادا خاطیره لرله دولو اولدوغو ایچون، سونرا ایران دا یازیلان زیندان حکایه لری نین اؤرنه یی اولور. پیشه وری نین آردیندان بزرگ علوی ده «پنجاه و سه نفر» (۱۳۲۱) کیتابی ایله چیخیش ائدیر. حکایه طرزینه گلدیک ده ایلك زیندان حکایه سینی بزرگ علوی یازیر و سونرالار آل احمد «از رنجی که می بریم/ چکدیگیمیز اذیت لردن» (۱۳۲۶) کیتابیندا و ابراهیم گلستان «آذر، ماه آخر پاییز/ آذر، پاییزین سون آیی» کیتابیندا زیندان حاققیندا حکایه لر یازیرلار.

جلال آل احمد (۱۳۴۸- ۱۳۰۲ ه. ش) ایلك حکایه سینی ۱۳۲۴-نجی ایل ده «زیارت» ادلی ایله «سخن» درگی سینده چاپ ائتمک له ایران حکایه تاریخینده یئنی بیر بازار دوغولورکی گله جک نسپیل لرده بویا باشا چاتان یازیچی لارا درین تأثیر قویور.

حاققیندا جلال آل احمد بئله دیئیر: «اگر قلم عالمینده خیرقه باغیشلاماق رسم اولسایدی و اگر منیم بئله بیر ایشه لیاقتیم و حاققیم اولسایدی، اؤز خیرقه می دکتر غلامحسین ساعدی نین چیی نینه سالار دیم.»

غلامحسین ساعدی نین حکایه دونیاسی کدرلی بیر دونیا دیرکی او دونیانین اؤنونو حاقسیرلیق، یوخسول لوق، خرافات، دلی لیک، قورخو، دهشت و اؤلوم قارا بیر پرده کیم توتوب دور. تورپاق لاریندان آل اوزموش اکینچی لر، دیدرگین کندلی لر، شبهه لی و اینام سیز آیدین لار، دیلنچی لر، سرسری لر و اجتماع دا هئچ حاققی اولمایان آواره لر، اونون حکایه له رینده ایناندیریجی شکیلده جانلانماقلا، پیرتلاشیق و قورخاق بیر توپلومو گؤز اونونه گیتیر لر.

جامعه ده کی یئر آلتی دونیالاری نین خشونت و آجیماسیزلی غینی عکس ائتدیره ن بر اثرلر طبقاتی تضاد دان دانیشارکن اؤز عصری نین فلاکتلی معاصر یاشایشینی عجیب لیک وحیران لیقلا بویانان قورخونج بیر باخیش لا تصویره چکیر. اونون اثرلری اینسانین اینسالیقی نا قارشى اولان اجتماعى قورولوشا و حاکمیته قارشى یوکسک اعتراض سسی اولاراق حکایه ده کی شخصیت لری، روحی خسته لیک لرله چیر پیشان دیده رگین اینسانلار دیلار. اونلارین اطرافیندا کئچن هر بیر واقعیت، اونلاری دوشوندوره رکن پیس لیک لر هئچ واخت، عادت ائله میر لر.

غلامحسین ساعدی نین «واهمه های بی نشان / آدسیز سان سیز قورخولار»، «گور و گهواره / گور و بئشیک» و «ترس و لرزا تیتربیش و قورخو» کیمی کیتابلاری سئحیرلی وقورخولو بیر فضا یاراتماقلا یاشار اثرلر دیلر کی اونلارین تأثیر

کودتاسیندان سونرا محمدرضا پهلوی حوکومه قاییدیر و ایکینجی درجه لی ادبیات دا مطرح اولان موضوع لاردا پوچ لوق، هوس و اویوشدوروجو جوانلارین قبله گاهی اولور و گنج لر بو اثرلرده عصیانا فیکیرلش مه دن تکجه لذت چکمه یه و اؤز لرینی اونوتماقا جهد گؤستریر لر.

بو دؤوره ده بهرام صادقی (۱۳۶۳-۱۳۱۵ هـ . ش) قیسا حکایه لری ایله عصرین آجیماسیز لیقیندان سؤز آچارکن باشایشین آغری وئره ن جهت لرینی ساتیریک بیر باخیش لا عکس ائتدیریر. بهرام صادقی آن بدیعی اثرلرینی (۴۱-۱۳۳۲) نجی ایلر فاصله سینده یارادیرکی سونرالار حکایه لر نوپلوسو «سنگر و قمقمه های خالی / سنگر و بوش قومقومالار» ۱۳۴۹- نجی ایله درگی لردن گؤتورله نرکن کیتاب شکلینده چاپ اولور.

بو دؤوره جلال آل احمد ایسه چوخ آلقیش لانان اثری «مدیر مدرسه / مکتب مودیری» (۱۳۳۷) کیتابینی چاپا وئیریر و جمال میرصادقی (۱۳۱۲ دوغومی) یازدیقی حکایه لری له اؤزونه آد قازانیر.

۱۳۴۰- نجی ایل دن ۱۳۵۷- نجی ایله قدر ایران حکایه یازما تاریخینده ائله دهیرلی و بدیع اثرلر یارانیر کی دنیا مقیاسیندا شهرت آلدی ائتمکله چوخلی یازارلارین اثری مختلف دیل لرله ترجمه اولونور. غلامحسین ساعدی (گوهر مراد)، صمد بهرنگی، محمود دولت آبادی، سیمین دانشور، هوشنگ گلشیری و احمد محمود اوعصرین آن یاخشی و گوجلو یازارلاریندان اولاراق، معاصر ایران ادبیاتی نی دونیایا تانیتدیرماقدا بؤیوک رول لاری اولور.

غلامحسین ساعدی (۱۳۱۴-۶۴ هـ . ش) او عصرین بیرینجی بؤیوک یازاری دیرکی اونون

محمود دولت‌آبادی (۱۳۱۹ دوغومی) ایسه «لایه‌های بیابانی» (۱۳۴۷) و آو سنه بابا سبحان / بابا سبحان حکایه‌سی» (۱۳۴۹) کیتابلاری لا بو دؤورون حکایه سماسینا آیاق قویور و گله‌جه‌یین ساییلان یازارلاریندان اولور. اونون «کلیدر» و «جای خالی سلوچ / سولوچون بوش ئیری» رومانلاری ایران حکایه‌سی نین پارلاق اثرلریندن دیلر.

بو عصرین داها بؤیوک ایسمی هوشنگ گلشیری دیرکی «شازده احتجاب» رومانی‌له شهرت تاپیر و تکنیک جهتیندن چاغداش ادبیات دایئنی لیک‌لره سبب اولور.

۱۳۵۳- نجی ایل‌ده ایران ادبیات سماسیندا یئنی بیر اولدوز دوغور اودا احمد محمودون «همسایه‌ها / قونشولار» رومانی‌دیر. بو رومان ادبی بدیعی گؤزل لیک‌لره مالیک اولان بیر اثرایدی کی شهبه سیز اؤلمز بیر میراث کیمی عصیرلره داشیناجاق دیر. «همسایه‌ها» چاغداش اجتماعی سیاسی درووما توخونارکن هونر جوهری اوندانغالانیردی و هئج بیر شوعار وئرمه‌دن صمد بهرنگی نین اثرلری کیمی اعتراض بایراقتی داشی‌یان و کوتله‌لری عصیانا چاغیران بدیعی بیر شاه اثرایدی.

چوخلی حکایه اثرلری کیمی سانسورا معروض قالان بو اثرایسه، بیر دفعه چاپ اولسادا آز بیر مدت‌ده یاساقلانیر. بو دؤورون اوخومالی رومان‌لاریندان بیری ده «دایی جان ناپلئون» ایدی کی ایرج پزشک‌زاد (۱۳۰۶ دوغومی) اونو ۱۳۵۱- نجی ایل ده چاپ ائدیر.

قاباقجیل ادبیاتا و وورغون لوق گؤستره‌ن سینما و تلویزیادا بیر پارا حکایه اثرلرینی فیلمه آلیرکی اونلاری قید ائتمک گرکلی دیر. غلامحسین ساعدی‌نین یازی‌لاریندان «گاو / اینک» و «دایره

گوجو چاغداش ایران ادبیاتی‌نین انکشافیندا اونودولماز دیر.

بو عصرده غلامحسین ساعدی‌دن سونرا ایکینجی بؤیوک آد باشقابیر آذربایجانلی یازار صمد بهرنگی (۱۳۴۷-۱۳۱۸) یه عایید دیرکی اونون «ماهی سیاه کوچولو/ بالاجا قارا بالیق» آدلی حکایه‌سی دونیا کلاسیکلرینه قاریشان بیر اثر دیر. صمد بهرنگی ایران اوشاق ادبیاتی‌نین بانی‌سی اولاراق حکایه‌لری بوتون گنج‌لر و یاشلی‌لار طرفیندن ده آلفیشلانیر و اثرلری ایرانین آن چوخ ساتیلان کیتابلاری سیراسیندا پارلاق بیر یئر آلیر.

صمد بهرنگی‌نین یازی طرزیندن استقبال ائدهن چوخلی یازارلار اولورلارکی بو آرادا علی اشرف درویشیان (۱۳۲۰ دوغومی)، بهروز تبریزی (دهقانی) و منصور یاقوتی (۱۳۲۷ دوغومی) نی آد آپارماقلا دئمک کی بهرنگی‌نین ایشیلتی‌لی یارادیجیلغی آل چاتماز بیر زیروه‌دیرکی فتح اولونمازلیق سوبه‌سینی عصیرلر بویو قورویاجاق دیر.

۱۳۴۸- نجی ایلده سیمین دانشور، «سووشون» آدلی رومانی‌ایله یئنی بیر فصیل آچاراق، شاعیرانه، محکم و دقت‌لی بیر نثرایله، ایکینجی دونیا محاربه‌سی ایللرینده ایرانین فارس منطقه‌سینده کئچن کئشمه کئشلری تصویره چکیر. سیمین دانشور او زمانه‌دن دانیشسادا معاصر سیاسی- اجتماعی مناسبت‌لره ده بدیعی اشاره‌لری اولور. بو اونون ایلک اثری دئییل‌دی بلکه آن ده‌یرلی و گؤرکملی سی‌ایدی. سیمین دانشور، جلال آل احمدین حیات یولداشی اولاراق اونون مبارز روحونو و عصیان چی‌لیق دویغولارینی گیزلی اولسادا رومان‌داکی قهرمانین سیماسیندا جالاندیرماغا چالیشیر.

رومان لاردا آذربایجانین اجتماعی یاشامینا و آذربایجان لی لارین ملی دوغولاریندان و استبدادا قارشلی آپاردیقی مبارزه لردن سوز آچیلیر. انون «آزاده خانم و نویسنده اش / آزاده خانیم و یازاری» (۱۳۶۷) رومانی فورم جهتیندن یئنی لیک لرله دولو بدیعی بیر اثر دیر.

عزله علیزاده (۱۳۷۵-۱۳۲۷)، منیرو روانی پور (۱۳۳۳ دوغومی)، عباس معروفی (۱۳۳۶ دوغومی) و محسن مخلمباف انقلاب دان سونراکی آن تانینمیش و قاباقجیل حکایه یازارلاری دیلار کی محتوا و فورم باخیمیندان گؤرکملی یارادیجیلقلاری اولوبدور. مسعود کیمیایی نین «جسدهای شیشه ای / شوشه جسدلر» ادلی ۸۱۲ صحیفه لیک رومان اثری آن سون حادثه اولاراق ایران حکایه ادبیاتینی ۱۳۸۰-نجی ایله نوقطه له ییر.

بوردا غلامحسین ساعدی نین بیر سؤزونو خاطیرلتماق ایسته ییرم کی دئییر: «دوز دورکی هنر ساحه سینده اکثریت، ظاهرده صنعتکارا بنزه آداملار ایله دی آما گرچک گوج او قالیجی هنرده دیرکی خلقین دوزگون هنرمندلری آلی له یارانیر و بوتون نسیل لره میراث قالییر.»

۱۳۸۳- خوی

قایناقلار:

- ۱- میرعابدینی، حسن: صد سال داستان نویسی ایران، ۳ جلد، نشر چشمه، ۱۳۷۷
- ۲- آراین پور، یحیی: از صبا تا نیما، دو جلد، کتاب های جیبی، ۱۳۵۰
- ۳- آل احمد، جلال: هفت مقاله، رواق، ۱۳۵۷
- ۴- مؤذن، ناصر، ده شب: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.

مینا» ادلی سینما فیلم لری دوزه لیرکی ایکی سی نین ده یؤنه تمه نی داریوش مهرجویی اولور. صادق چوبکین «تنگسیر» رومانی کی امیر نادری یؤنه لدر و «خاک / تورپاق» فیلمی کی محمود دولت آبادی نین «اوسنه بابا سبحان» اثری اساسیندا مسعود کیمیایی طرفیندن یؤنه لدریلیر. ها بئله «شازده احتجاب» کی بهمن فرمان آرا فیلمه چئویریر و «دایی جان ناپلئون» کی ناصر تقوایی طرفیندن آردیجیل دیزی کیمی تلویزیون ایچون دوزه لیر.

زمانه نین باشقا ادلیم حکایه یازارلاریندان ائلی یه بیل لیک ناصر تقوایی، نادر ابراهیمی، اسماعیل فصیح، مهشید امیرشاهی (۱۳۱۹ دوغومی) میهن بهرامی (۱۳۲۴ دوغومی)، محمود گلابدره ای و شهر نوش پرسی پوری آد آپاراق.

۱۳۵۷ نجی ایله هله ایران اسلام انقلابی ظفرچالمادان بیرنچه آیین ایچینده ۱۳۰ میلیون نسخه کیتاب ایران دا چاپ اولوب ییلماقلا بوتون مترقی یازارلارین اثرلری کی سانسور نتیجه سینده چاپ ایذین لری یوخ ایدی و یا تکجه بیر کره گون اوزو گؤروب یاساقلانمیشدی لار، یئنی دن یایلماغا باشلا ییر و کیتاب اوخوماغا خلق ایچره او قدر هوس و علاقه یارانیر کی ایران تاریخینده هئچ واخت سابقه سی یوخ ایدی.

انقلاب دان سونرا آن چوخ تأثیرلی حکایه یازارلاریندان رضا براهنی (۱۳۱۴ دوغومی) دیرکی «بعد از عروسی چه گذشت / توی دان سونرا نه کئچدی» (۱۳۶۱)، «چاه به چاه / قویودان قویویا» (۱۳۶۲) و «آواز کشتگان / اوؤلورین ماهنی سی» و «رازهای سرزمین من / یوردومون سیرلاری» کیتابلاری له اؤز یئرینی ایران حکایه یازما تاریخینده ابدی لش دیریر. براهنی نین آذربایجانلی اولدوغو ایچون، یازدیقی

بو مجله نی چیخاردانلار حسین فیض الهی وحید (ح. دوز) و بیرده من -علیرضا ذیحق (ع. آغ چاپلی)- ایدیک. اشاره ائتمک کی حسین فیض الهی وحید «ده ده قورقود» درگی سیندن اؤنجه «کوراوغلو» آدلی بیر مجله ده اؤز شخصی امک و تلاشی ایله نشر ائتمیشدی کی تکجه ایکی سایه چیخا بیلیمیشدی.

«ده ده قورقود» مجله سی او دؤوره ده ادبی بیر حادثه اولراق، چوخلی القیش لار قازانراق «پروفور

عباس زمانوف» ون ایلگی سینی چکرک باکی دان بئله بیر مکتوب یوللا بیر : «نشر ائدیگی نیز ده ده قورقود مجله سی نین آنجاق بیرینجی شماره سی ائیمه کئچمیش دیر. اگر لطف ائدیب او بیر شماره لری ده منه گؤنده رسه نیز سیزه منت دار اولارام...» (۲) هابئله «حبیب ساهر» و «دکتر سلام اله جاوید» ده تهران دان مجله یه تبریک مکتوبلاری گؤنده ر میشلر. آنجاق ده ده قورقود

مجله سی اینکیشاف یوللارینی گنده رک اونون یازی لاری گئتدیک جه ساتیریک جیلوه لر تاپیر و باکی دا بوراخیلان «ادبیات و اینجه صنعت» ژورنالی ۱۹۸۱ نجی ایلی نین ۲۱ ینجی نمره سینده «ده ده قورقود» ی «ملانصرالدین ین خلفلری» آدلاندیریر و بئله یازیر : «ملانصرالدین» ژورنالی اؤز دؤورونده اولدوغو کیمی، بوگون ده بیر سیرا یاخین شرق اولکه لری مطبوعاتیندا تأثیر قوه سی نی ساخلا بیر. حاضیردا جنوبی آذربایجاندا نشر اولونان بیر سیرا غزت و ژورنال لاردا «ملانصرالدین» روحو چوخ آیدین دیولور.» (۳)

«ده ده قورقود» درگی سینه اؤتری باخیش

علیرضا ذیحق



«ده ده قورقود» درگی سی ایللیق بیر ادبی درگی اولراق ایلك نمره سی ۱۳۵۹ نجی ایلین مورداد آییندا یایمیلانندی. سونونجو نمره سی ایسه ۲۰ نجی سایه ایدی کی ۱۳۶۱ نجی ایلین اردیبهشت آییندا چاپ اولوب یایلماق لا مادی تضییق لر اوزره بیر یوللوق تعطیله چکیلدی.

درگی نین چئشیدلی سایه لاریندا دا همیشه بو ایضاح ایله قار شیلاماق دا ییق: «بو مجله «وزارت ارشاد ملی» و تبریز انقلاب دادسراسی نین کتبی اجازه سیله آزمایشی حالدا بوراخیلیر و کمیسیون مطبوعات تهران دا تشکیل تاپاندان سونرا «رسمی» حالدا بوراخیلجاق دی.» (۱)

گاهاً اخراجقدر گنبد دیر و بیز یاددان چیخارتمامیشیق اوقارداش لاریمیزین سؤزلرین کی دئییرلر: «اگر سیز مسلمان سیز بس نییه تبریز دیلینده یازمیرسیز؟...» (۵)

«ده ده قورقود» مجله‌سی نین اوزقاپاق لاری چوخ‌شماره‌لرده «استاد جعفر نجیبی» و «اوستاد بولوت امید» ین رسیم لرله زینت پاپاراق جیلدی نین دال صحیفه سینده همیشه ثابت بیز سؤز و شکل تکرار اولوردی کی او صحیفه ده مکتب لی بیز قیز اوشاقی نین شکیلی گله‌رک آلتیندا بئله یازیلیردی: «هنج خلقین» هنج ملتین / دیلینی دانماق اولماز / سنده ای آذربالام / اؤز دیلینده اوخویاز» هابئله او صحیفه ده «قرآن کریم» ین روم سوره‌سی نین ۲۲ نجی آیه‌سی یازیلیردی که تورکجه‌سی بئله دیر : «اونون (آلاهین) نیشانلریندن، یئر و گوئی‌لرین یارانیشی و دیل‌لرین نژادلارین جوره به جوره اولماسی دیر. بونلار بوتون دونیا اینسانلارینا آلاهین نیشانلرینی گؤستریر. (۶) ده ده قور قود درگی سی نین هر شماره سی حاققیندا چوخلی سؤزلر دئمک اولسادا ییغجام حالدا نئچه قول دا بیز پارا ایضاح لارا کفایت ائدیلیر:

۱- ده ده قورقود ون نثر ساحه سینده یازی لاری چاپ اولان یازیچی لار: حسین فیض‌الهی وحید (تاخما آدلار: ح. اولدوز، ح. بابک، ح. آلامیش) علی‌رضا ذیحق (تاخما آدلار: ع، آغ چاپلی، آغ چاپلی) محمد رضا کریمی (تاخما آدلار: کریمی، کریمی، رضا باغبان) حمید احمدزاده (تاخما آدلار: ح. پارلار، حمید تعلیم خانلی، حمید پارلار) مرتضی مجدفر (تاخما آد: گول اوغلان ، مورتوز، م. اصلان) رضا حصار (تاخما آد : رضا اورمان) م. نقابی، ح.م. صدیق، حبیب آدرسینا (اورمولو حبیب)، محمد فرید، اصغر فردی، علی‌رضا حمیده خو، صمد سرداری‌نیا،

«ده ده قورقود» مجله‌سی چوخ گنیش حالدا خلقین ایستیق‌بالینی قازاناراق تیراژی ۵۰۰۰ نسخه‌یه چاتیر و بؤیوک عالییم و یازیچی میرزا ابراهیموف ۱۹۸۰ نجی ایله «آذربایجان» ژورنالیندا «ده ده قورقود» مجله‌سی حاققیندا «جنوب سوغاتی» آدلی ۴۰ صحیفه‌لیک بیر مقاله یازیر. «پروفیسور میرزا ابراهیموف» ون مقاله‌سی بئله بیز باشلیق لا باشلانیر: «شاهلیق سقوتوندان سونرا ایران آذربایجانیندا انتشار تاپان مطبوعات مختلف جمعیت‌لر، بیر لیک لر و گروه لار طرفیندن بوراخیلسادا بیز مقصد اونلارین هامیسی اوچون سجه‌وی دیر، آذربایجان خالق‌نین اؤزورالیقین، تاریخین و مدنیتین اؤزدوغما دیلینده اخذ ائتمه‌سی. نشر اولونان غزهت و ژورنال لارین آدلارینا فیکیر وئرین: «حنلی بئله، ده ده قورقود، کوراوغلو، وارلیق، آذربایجان، آراز، بیرلیک، خلق سؤزو، اودلار یوردو» بو نشریه لرین هامیسی‌ندا چالیشان آذربایجان یازیچی و ضیالی لاری‌نین باشلیجا مقصدی آذربایجان دیلینی آذربایجانلی لارا قایتارماق دیر...» (۴)

«ده ده قورقود» مجله‌سی نین ۱۶نجی سایه‌سیندا (آبان آیی ۱۳۶۰) باش سؤزه بئله بیز یازی‌دا واردیر: «یوز دفعه دئییب ولی یئری وار یئنه دئییلین کی بیز هنج بیز گروه، دسته، حزب و سازمان باغلی و وابسته دئییلیک ...»

بو آرادا دئمک کی بیز پارا آذربایجان دیل و ادبیاتی سئوهن لرده وارایدی‌لار کی گاهدان اؤرتوک ده و آچیق دا «ده ده قورقود» ون یازی شیوه سیندهن «ولایتی لهجه‌لر» عینوانیله انتقاد ائدیردیلر و بو خصوصدا مجله‌نین باش سؤزلری نین بیرینده بئله یازیلیر: «بیز شرایط ده مجله میزه دوام وئریریک کی تورکی دیلیندن آیری تعبیرلر اولونور. شاید بونو قیراقدان یاشایانلار درک ائده بیلیمه‌یه لر . لاکن آذربایجان‌دا یاشایان هر بیر کس بونو دریندن دوشونوب و تجربه چیلر تجربه لردن سونرا اقرار ائدیلر. بو رادا بیز بیت تورکی شعر اوخویان معلم

۴- «ده ده قورقود» ون رسام لاری:
 اوستاد جعفر نجیبی، رحمتلی اوستاد بولوت امید
 (نادرامید)، رحمتلی دکتر سعید ذیحق (ائلدار
 ایضاسی له).
 ۵- «ده ده قورقود» دا کی بؤلوم لر و عینوان لار:
 باش سؤز، کلاسیک ادبیاتیمیزی، آذربایجان ایتگین
 گئچمیش لریندن، تورک و آذربایجان اساطیری،
 آذربایجان سلسله لریندن، آذربایجان نقاش لاری، ده ده
 قورقود بالالاری (اوشاقلار صحیفه سی)، آذربایجان
 قهرمان لاری، حثکایه لر، شعرلر، معاصر آذربایجان
 شاعیرلری، آذربایجان عاشیق لاری، خلق لرین
 دوستلوق ادبیاتی، اولکه میزین زحمتکش لرله
 مصاحبه، تورکیه شاعیرلری، تورک تاریخیندن
 یارپاقلار، خارجی اولکه لر ادبیاتی، تورک پیغمبری
 لری، سینما و تئاتر حاققیندا مقاله لر، بیلدیریش لر
 (هنر و ادبیات ساحه سینده خبرلر)، سرحد سیز سوز
 ثروتمیزدن، مطبوعات ایچینده دولانیش کیتاب بازار
 چارلاریندان گؤروش (کیتاب تانیتما).

سون

۳۸۶ - خوی

قاینق لار:

- ۱- «ده ده قورقود» ادبی مجله، بیرینجی ایل، ۳ اینجی نمره، ۵۹/۷/۳۰
- ۲- «ده ده قورقود»، ادبی مجله، بیرینجی ایل، ۶ نجی نمره، ۵۹/۱۰/۳۰، ۹ نجی صحیفه
- ۳- «ده ده قورقود»، ادبی مجله، بیرینجی ایل، ۶ نجی نمره، ۵۹/۱۰/۳۰، ۳۶ نجی صحیفه
- ۴- «ده ده قورقود»، ادبی مجله، بیرینجی ایل، ۶ نجی نمره، ۵۹/۱۰/۳۰، ۲۶ نجی صحیفه
- ۵- «ده ده قورقود»، ادبی مجله، ایکینجی ایل، ۲۰ نجی نمره، ۱۳۶۱، ۱ نجی صحیفه
- ۶- «ده ده قورقود»، ادبی مجله، بیرینجی ایل، بیرینجی نمره، تیر آیی ۱۳۵۹، ۳۵ ینجی صحیفه
- ۷- آذربایجان گولوشو، ح. اولدوز، ع. آغ چایلی / نشر تلاش، ۱۳۶۱- تبریز

م. افخم، عباس اشراقی، علی شریف دلجوئی،
 محمدعلی اجاق وردی.

۲- «ده ده قورقود» ون طنز ساحه سینده
 حثکایه، شعر و مقاله لری اولان لار: حسین
 فیض الهی وحید (تاخما آدلار: باجادان
 باخان، حسین تپه گؤز، جوجه باقر، توسباغا
 جاواد، جاواد نصره، چوپورموسی، آت یوسف،
 گئچی کریم، مولچوک)

علیرضا ذیحق (تاخما آدلار: آغ چایلی، یورقان علی،
 دوشان جعفر، کاظم قهوه چی، حسن پونزا، علی قارقا،
 قورخماز علیرضا)

علی شریف دلجوئی (تاخما آدلار: آدسیز، قلی زیرنا،
 آخچا سیچانی، خوروز علی، سیرتیق، بوش بوغاز،
 جعفر اوش دوداق، انگی بوش)

قید ائتمک کی «ده ده قورقود» ون بیر پارا طنز
 یازی لاری «آذربایجان گولوشو» آدیله ده کیتاب
 شکلینده نشر اولوب دور. (۷)

۳- «ده ده قورقود» ون شعر ساحه سینده
 اثرلری چاپ اولان شاعیرلر: اوستاد شهریار،
 مفتون امینی، واله، سهند، ح. اولدوز، آغ
 چایلی، ائل اوغلو (صدر یار وظیفه)، سلیمان
 ثالث، قهرمان حیدر خطیبی، چؤل اوغلی،
 فریدون حصاری، ح.م. ساوالان، علی عطائیه
 (نچار اوغلو)، اورمو اوغلو (علی احمدی آده)،
 غلامرضا مجدفر، هاشم ترلان، حبیب ساهر
 (اولکر)، میرحسن سربلند (م.س. پولاد)
 حبیب فرشلاف (ح. معلم)، ایلدیریم، هاشم
 ترلان، ئورک اوغلو، بهرام ائلچین، شهرک،
 رضا اورمان، کامل ج (چیچک)، صمد
 ظهوری (صمد ایلقار)، م. شمیمشک، حسرت
 اوغلو، ستار گول محمدی، س. مجبور آبادی،
 کریم گول اندام (کریم گ) عاشیق اصلان
 طالبی، عاشیق علی فیض الهی، م. شامی،
 حسین ریاحی فر، آلیشان، م. شبستری،
 میرهدایت حصاری

بدیعی ادبیاتین بو ژانری ، گولوش اساسیندا قورولسادا ، بو گولمک آغلا ماغین قارداشی دیر ، بو سئوینج غم له عکیز دیر. ایلکینده اوخوجونو گولدور سه ده ؛ سونوندا کدر لن دیریر و دوشوندورور . آرتیق آسکیک لری و عئیبه جر لیک لری دایانمادان اونون اوزونه چکیر، یاراماز ایش لری خاطر لادیر و جمعیت ده اولان چیرکین مونايسبت لری آیدین لادیر . نهایتده ایسه اوخوجونو ، یاشادیغی جامعه نین احوالینا یا خود اؤز شخصی احوالینا آغلادیر و چیرکین لیک لری قالدیر ماق هوسینی اوندان اوپادیب ، دوشونمه گه و تلاش ائتمه گه چاغیریر. بو ایسه ساتیرانین گوجون دن دیرکی تأثیر داییره سی بئله کسکین و گنیش دیر و جمعیتی آییق سالماقدا بئله قوووتلی و جسارتلی رُل اویناییر . بئله لیک له آییق ووجدانلی ساتیریک بیر صنعتکار ، گؤزل عادت لر و نجیب عمل لرین مدافعی کیمی ، طفیلی طبقه لره و منفی عمل لره قارشلی ، آل قولو سوسدالمادان باریشماز بیر جیبه ده دایانیب ، کسکین و اؤلدوروجو مبارزه آپاریر . ووروشا - ووروشا گولور ، استهزا ائدیر و اؤز سئویملی مثبت ایده آل لارینی آچیق دا اؤرتوک ده ، مئیدانا چکیب گؤستر مگه جهد ائدیر .

آذربایجانین گؤرکملی ادب سیما لاریندان اولان " یحیی آرین پور " ، ساتیریک صنعتکارین بدیعی گولوشونو یوکسک بیر سؤیه ده بئله قییمت لندیریر: " ساتیریک صنعتکار اوزامان کی معین بیر موضوع و مسئله یه گولور یا اونو ردّ ائدیر و دانیر ، حقیقت ده ایسته بیر اؤز مثبت ایده آل لارینی ، کی اونلارین عکسینه و ضیدینه دیر، گیزلی ده آچیق دا اوخوجویا آچیب گؤستر سین . " *

هر هانسی دؤوره ده کی ، موجود قورولوش دان آسیلی اولاراق " دیل آغیز سؤزدن اوسانار و دوداق دانیشیر سا اود توتوب یانار " ** ساتیرا بدیعی ادبیاتین آن واجب و ضروری بیر نوعینه چئوریلره ر. بئله بیر زمانلار دا ، آتا بابا لار دییه ن کیمی ، سؤزون

ساتیریک گولوشون غُضْبِي

" سؤزون دوغروسونو ، ظرافاتا سالیب دییه ر لر "

آتالار سؤزو

علیرضا ذیحق

طنز یا ساتیرا ، حیات و جمعیتین آن مهم مسئله لرینی گولوش و ظرافاتلا عکس ائتدیره ن سؤز صنعتی دیر . ساتیرانین تنقید هدفی ، حیاتین چیرکین خصوصیت لری ، جمعیتین نقصان و عئیبه جر لیک لریدیر. بیر سؤزله یئنی حیات قورماق و مثبت ایده آل لاری تبلیغ ائتمک قصدیله ، گئری لیگی - جهالتی قامچی لاماق ساتیرانین آن مقدس وظیفه سینه چئوریلیر. پیس لیک لر ، نقصان لار ، حاقسیز لیق لار و موهومات ، جانلی تیپیک صورتلر یارادماق واسیطه سی ایله ، اولدوق لاریندان داها قاباریق و گوبود سایاق دا گؤستری لیب و ساتیرا آتشیینه توتولور لار. بونا گؤره ده مفکوره - سیاسی جهت دن مترقی بیر ماهیت داشی یان هر ساتیریک قلمی ، بیر افعی یه اوخشاتماق اولار کی ، اجتماعی عدالت سیز لیک اونون قویروغونو آياقلا ییر و ساشماقا وادار ائدیر . چالیر و سانجیر هر او زادی کی حیاتین جمعیتین اینکیشافی قارشیندا دایا نیر و اجتماعی چیرکین لیک لره مئیدان آچیر.

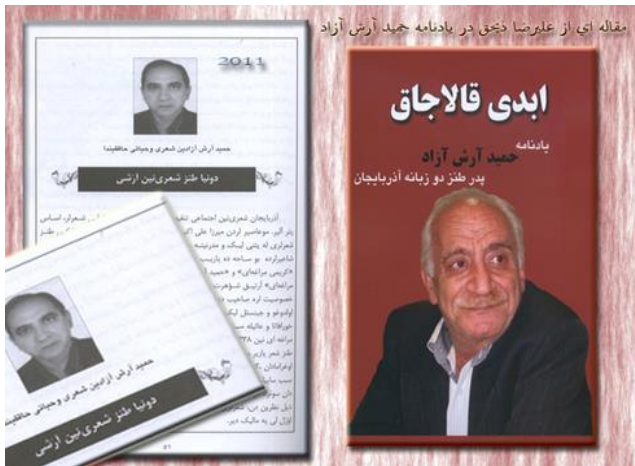
آیدین لاتماق کی جهالت ، برابر سیزلیک ، مدنی و اقتصادی گئری لیک لر هاچان اونون قویروغونو آياقلاما سالار ، اودا دؤنوب ساشماز.

دو نیا طنز شعری نین آرشی

حمید آرشی آزادین شعری

وحیاتی حاقیندا

علیرضا ذیحق



آذربایجان شعری نین اجتماعی تنقید بؤلومون ده گولوش تمل لی شعر لر ، اساس یئر آلیر. مو عاصیر لردن میرزا علی اکبر صابرو معجز شبستری نی چیخدیقدا کی طنز شعرلری له یئنی لیک و مدرنیته یه دوغرو ایلک آددیم لاری آتدیلار ، چوخلی شاعیرلرده بو ساحه ده یازیب یارادسالار، ایران بؤلگه سین ده آن آدلیم لاردان " کریمی مراغه ای " و " حمید آرشی آزاد " اؤن سیرالاردا یئر آلیرلار. بو آرادا " کریمی مراغه ای " آرتیق شؤهرت صاحیبی اولسادا، آنجاق اونون یارادیجیلیقی بیر پارا خصوصیت لره صاحیب دی کی اودا اونون شعر دیلی نین کوچه بازار دیلینه یاخین اولدوغو و جینسئل لیک له ایلگی لی ایما ایشاره لروکلمه لری و مضمون جهتین دن خورافاتا و عائله مسئله لرینه بعضا یامان یوغوزلی واژه لرله توخونماسی دیر. کریمی مراغه ای نین

دوغروسونو ظرافاتا سالیب دئمک دن باشقا ، بیر چاره تاپیلماز . هابئله وطن ده ، آزادلیق - استیقلالیت اوغروندا گئده ن مبارزه دؤورون ده ایسه ، ساتیرا جسارتلی بیر روح لا مئیدانا چیخار ، اینکیشاف تاپار و کسکین بیر مبارزه سیلاحینا دؤنه ر. بو سببه گؤره ده ، جمعیت ده گئده ن اینقیلابی - سیاسی حرکتی گوج لن دیر مک ده و عکس اینقیلابچی قوووه لرین ایچ اوزونو قوووه تلی بیر سایاق دا نیشان وئرمک ده ، ساتیرانین داشیدیغی جسارتلی وظیفه نی اونود ما ما لی ییق .

ساتیرانین غضبلی گولوشونون تأثیر افادهسی نین بو کسکین لیگی و اؤزونه مخصوص خصوصیت لری ، اونو " مزه لی احوالات لار " دان ، " هجو " لردن و " لطیفه " لر دن بوتون لوک له فرق لن دیریر. هجو ، لطیفه و فکاهی یالیز گولدورور آما ساتیرا هم گولدورور ، هم دوشوندورور و هم کدرلن دیریر .

ساتیرانین گئنیش اؤلچوده یاییلماسی و زحمتکش خلق کوتله لری نین طرفیندن حرارتله قارشیلانماسی له اونون ساده و جانلی خلق دیلیندن قیدالانماسی له مستقیم علاقه دار دیر . بیر سؤزله بو یولون یولچوسو ریا، خلقین باشا دوشه جه گی بیر دیل ده یازماغی و خلقین مقدراتی ایله باغلی اولان موضوع لاری ، اساس معیار توتمالی دیر .

سون سؤزده بو جهانشمول نظریه نی خاطر لاتماق لازیم دیر کی ساتیرا دؤوروموزون آن کسرتلی و تأثیرلی انتقادی - بدیعی اثری دئمک دیر .

۱۳۶۱

- آرین پور ، یحیی. از صبا تانیمما ، ج ۲- تهران : ۱۳۵۷ ، ص ۳۷
- ** بو تعبیر آذربایجان شاعیری " ب. ق. سهند " ین شعرین دن آلینیب دیر کی دئییر :
- اوندکی دیل اغیز سؤزدن اوسانار
- سوروشون مطلبی تئل لر سؤیله سین
- دوداق دانیشیر سا اود توتار یانار
- گرک دیر زخمه ل زآل لر سؤیله سین

گۆزون آچ، گۆر نئجه بیر زادلارا وار رغبتیمیز
آل «پیراید»- ین تره سین، سور ایکی- اوچ
کیلومتر

گۆر اوتوز یئرده دایاندی، بئله دیر صنعتیمیز
«فال هندی» کتابی، «طالع چینی»، قهوه فالی
هر بیر ائوده تاپیلیر، وار کتابا ألفتیمیز
گلیر اولسا ایکی یوز، ائو کراسی دوردیوزدور
اودو کی، گون- به گون آرتیر پولوموز- ثروتیمیز
لاپ ازل دن بیزیم اصلاً خوش اولوب نیتیمیز
قوجا- آغ ساققالا ایپ باغلاماگی چوخ سئوهریک
چون کی واجب دیر اولاه هر بؤیوگه حؤرمتمیز
گئجه تک یاتماریق ائوده، دئیهریک «جین»،
«پری» وار

اصلانا، قافلانا طعنه وورورو جرأتیمیز
باهالیق لا ووروشور دؤرد- بئش اداره بیردن
اودو کی، هفته ده دؤرد- بئش دؤنه قالخیر اتیمیز
اون ساعات گونده معلم لریمیز تاکسی سورور
علم ده، فن ده، اودور کی چوخ اولور سرتیمیز
متخصص لریمیز آفتابا، نوودان قایریر
ملی صنعت دیر، اوغول! یوخ بیرینه منتیمیز
«مصر» ده، «کمبوجیه» بیر اؤکوز اؤلدورمشدور
او زمان دان یاییلبیدیر جهانان شهرتیمیز
«خشیارشا» بویوروب دریا شاللاق وورالار
سانما کی موفته گلیبیدیر اله بو عزتیمیز
بئله بیر سابقه لر تاریخیمیزده چوخ اولوب
اونودولماز بو قده زحمتیمیز، خدمتیمیز
آریایی نژادیق، هم اصلیک، هم ده نجیب
بورویوب عالمی- «آرش»!- شانیمیز، شووکتیمیز
بوشعر اؤرنک اولاراق " حمید آرش آزاد" ین
یارادجیلق خصوصیتینی ده گؤستریرکی اونون
شعرلرینی " هجو، هزل و فکاهه " دن تمامی ایله
آییربرو دوشونجه نن گولوشه چی بین به چی
بین، مئیدان وئریر. " آرش آزاد" ین عؤمور بویو

۱۳۳۸- نجی گونش ایلین دن بوگونه قددر ده کی
۱۵۲ ایل تامام دی طنز شعر یازیر و بو مودت ده
ایسه کیتابلاری هئچ بیر دؤولتی مانع و سانسورا
اوغرامادان، گئنیش شکل ده چاپ اولوب یاییلب
دیر اونون شؤهرتینه ده بؤیوک بیر سبب سایلییر.
تکجه دئمک کی کریمی مراغه ای نین بیر پارا
شعرلرینی چیخدیق دان سونرا، اثرلری نین
چوخ ای ادبی بدیعی جهت دن اوستون بیر سوپه
ده یئرآلمیر و دیل نظرین دن، شعرلری
آذربایجان ادبی دیلی یوخ بلکه مراغا لهجه سینه
دایانان بیر اؤزل لی یه مالیک دیر.

آنجا موعاصیر طنز شعریمیزده باشقا آدلاردان
بحث ائتمه دن، سؤزو " حمید آرش آزاد" دان
آچیرام و اونون ساتیریک میراثی نین تورکجه
شعرلرین دن. نییه کی " حمید آرش آزاد" اؤز
یاشادیگی دؤورده (۱۳۸۹-۱۳۲۸ه.ش) فارسجا
تورکجه شعر لر یازسادا اونون نثر طنزلری ده
وارکی بو موضوعی آراشدیرماق اؤزو ائله تک لیک
ده بیر مبحث دیر. " حمید آرش آزاد"،
آذربایجان ادبی دیلینی گئنیش اؤلچوده میقیاس
قرار وئررک خالقین دانیشیق دیلی نه ایسه مازاق
بسله ییب شعرلرین ده روان و آخیجی بییر دیل
ایله قارشى قارشیا دیر. نییه کی اونون شعرلرینی
هره هانسی بیر ایجتیماعی طبقه و یا تحصیل
سطحین ده اولورسا، اوخویوب دینله رکن ذوق و
لذت آپاریر و اؤز دوشونجه و خیال گوجون
ویغون لاشدیرماغا چالیشیر. میثال اولاراق " بیزی
یاخشی تانی " شعرین ده، شاعیر نه تکجه دوغما
ائل لی اینسانلارین موفته یئر غرور لانمالارین
دان سؤز آچیر بلکه بوتون دنیا اینسانلاری کی
سیاسی - ایجتیماعی قورولوش لارین دابئله نکى
اوخشار آخساق لیق وار تنقید قامچی سینا آلیر:
ایستحسن کی گؤرحسن وار نه قدهر همتمیز

چیخاجاق. من اوستاد شاعیریمیزین شرف لی ائولادی "سیامک آرش آزاد" اینانیرام و یقین بولورم کی او بیرگون آتاسی نین یارادیجلیق خزینه سی نی چئشیدلی درگی لردن و آل یازمالاردان آلیب بیر یئره توپلاماق لا ، آذربایجان دیلی نین غورور وئرگیجی بیر ایسمینی دونیا طنز ادبیاتینا داها آرتیق تانیتدیراجاق.

بوردا " حمید آرش آزاد" ین قیساجا بیوقیرافی سینی کی فارسجا یازیدی تورکجه یه یه چئویرمک له اومود ائدیرم بو گؤرکملی و موباریز شاعیرین ، دوینغو و دوشونجه لری نن بیرآزجا اولسادا آرتیق تانیش اولاق:

" ۱۳۲۷- نجی ایل ده دی آیی نین دؤردی ایدی و بیر عیبارت له ۱۹۴۸ نجی ایلین دسامبر آیی نین ییرمی بئشی ایدی کی " کوره باشی محله سین ده " دونیایا گلدیم . کوره باشی " منجم " و " ملل متحد " خیوانانلاری نین تابع لرین نن دی .بو بؤلگه بؤیوک بیرشهر ده کی اورا " تبریز " دئییلیرو هردن ده یئکه بیرکند ، قرار تاپیپ دی. ایلک تحصیلیمی ایجاره ای بیر مدرسه ده کی " نوروز " مدرسه سی دئییلیردی باشاؤریب و اورتا اوکولی " " رازی دبیرستان " ین دا بیتیردیم . سورادا ادبی رشته سین سئچیب " دهخدا" دبیرستانین دا دیپلم اولدوم. سونرا عالی تحصیل آلماق اوچون ۱۳۴۹ نجی ایل ده کنکور وئریم " فارس دیل و ادبیاتی " زمینه سینده اوخوماق اوچون دانیشگاها گئتدیم . اوچ ایل تمام بو رشته نی اوخویاننان سورا ، ایجباری اولاراق موفق اولدوم کی او درسی مشقی کنارا قویام .

۱۳۵۱ نجی گونش ایلی ایدی کی تهران ین "حقوق" فاکولتوسینه گئدیب و ایکی ایل چکمه دن گینه حؤوصله م قاچیب تبریزه قئیتدیم . تزه دن گینه راحت دورماییب باشلادیم "

یازیب یاشادیقی حیات ایسه ، شرف له دولو بیر یاشانتی ایدی وائرلری تکجه آذربایجان و باشقا ایران خلق لری نین چیبانا دؤنموش دردلری نین ترنمی یوخ بلکه بوتون دونیا اینسانلاری نین حق اوسته آسن نَفسی لری نین گور سسی ایدی . او آزیلمیش و بوینو بوکوک اینسانلارین دوینغولو حامیسی و آزادلیغین قورولماسی اوچون سارسیلماز دؤیوشچوسو یدی . شعرلرین ده اعتراض و دوشونجه بایراغی اوجالارکن ، شوعار دان چکی نن و ادب ایله عیقت جاده سین نن چیخمایان بیر دوینغولو صنعتکار و قزئت چی ایدی . او آذربایجانین گولر اوزلو شاعیری و اوریی دونیا اینسانلاری نین نیسگیل لی حیاتلاری نان کدرله نن بیر هوئر اینسانی ایدی . اؤزو دئمیشکن :

آی- ایل دولاندی، آلمیشی آشدی یاشیم منیم
 داش دان- داشا دگیب بو جهان دا یاشیم منیم
 آنجاق جوشاردی چون آنادا شعر؛ هم ده طنز
 اولموش هنر ازل دن ایکیز قارداشیم منیم
 عشقیم وار ایدی شادلیق ائدهم، چوخ دئییب- گولم
 آنجاق کی هر زمان غم اولوب سیرداشیم منیم
 قونداق- بله کده «اینقه» دئیهن گون دن، ایندی یه
 بوش ادعالی باش لارا دوشموش داشیم منیم
 ائل لر سئویرکی طنز قوشام هرگون- هر زمان
 خدمت ده خلقه، اولماسین هئج چاش- یاشیم
 منیم

یالتاق مدیحه چی قوی آلا سگه- جایزه
 چوخ پاک محبت ائل دن اولوب پاداشیم منیم
 «آرش!» چوخ ایسته رم سووارام شعر باغچاسین
 افسوس کی چوخ قالیب، چورو یوب آبپاشیم منیم
 شاعیرین وفاتی اوچ ایل بو شعری یازان دان سونرا
 اتفاق دوشسه ده یقین کی اونون چیرپی نان
 اوریی دونیا ادبیاتی یاشایینجا ، هله ده چیرپی
 ناجاق و ایل لر اؤتدوکجه اونون دیرلری آرتیق اوزه

مفتون امینی و عاشیقی کروان کیتابی



دوغما ائله و تورپاقا باغلی لیق ، " مفتون " پوئزباسی نین جانلی بیر حیصه صی دیر . چاغداش فارس شعرى نین آن اوجا زیروه لرینه یوکسه لن مفتون امینی ، آنا دیلده ایسه نهنگ بیر شاعیر دیر . " عاشیقی کروان " * پوئه ماسی هله ده موعاصیر آذربایجان ادبیاتی سماسیندا ، ایشیقی بیر گونش دیر :

گونش دن سونرا آی وار سونرا اولدوز
ایشیلیق ایتمه ین دی ، چوخلی آزلی
بؤیوک ادیب و یازیچی مرحوم " دکتر غلامحسین یوسفی " نین مفتون حاققیندا بئله بیر قئیدی وار :

" آذربایجان تورپاق و ائلینه وورغونلوق ، جمعیت و اجتماع حاققیندا سؤز آچماق ، " مفتون " شعرینده اؤزونه خاص بیر یئری وار. اونون شعر لرین دن یئنی لیک و طراوت یاغیر . بعضی شعر

ایجتیماعی علم لر " زمینه سین ده عالی تحصیل آماغا و یاپیشدیم بیر پوللوو یاغلی ایشین قویروغونان کی عیبارت ادی معلم چی لیک دن . سورا بو ایشی ده بوراخیب قاشدیم آیری ایش لرین پئشیننه کی آخیردا اولدوم بیر " قزئت چی " کی هم گلیری چوخ ایدی هم ده دردسری آزایدی . بوگونه جان ایکی یول ایران دا طنز یازان قزئت چی لردن قاباغا گئچیپ و بیرجی لیک مقامینا چاتمی شام . "

حمید آرش آزاد ۱۳۸۹- نجی گونش ایلی ننین مرداد آییندا حیات دان کؤچسه ده اونون دوینغولو سؤزلری یاشار اولاراق ادبیات صحیفه لرین ده هم مه شه لیک یاشایاجاق . نئجه کی اونون آداسی " آرش " ، اؤزاونون گوجونن اسطوره لرین زیروه سین ده یاشاییر اودا شعرى نن قوووتی له ابدی اولاراق نه تکجه آذربایجان بلکه ایران و دنیا طنز ساحه سین ده اؤز سسینی قوروپوب ساخلایاجاق . اونون دنیا گؤروشون ده تعصب ون یئری یوخ ایدی و اؤزمیلتی نی سئوسه ده ، سؤزونو بوتون اینسلرادئییردی :

یوخ داداش! یاخشی تانی، من بو ائلین شاعری یم
من بو غفلت یوخوسوندا یاتانا بوق چالیرام
تیر- تیکانلیقدی بو طنزین یولو " آرش " ده گئدیر
ایستیرم تئوشون آلیب، بیر دایانا، بوق چالیرام
" آرش " تیر تیکانلیق دان قورتوب فانی لیک دن
ابدیته یول آچسادا ، ابدی اولاراق قلب لرده
یاشاییر و یاشاماق دا دیر. "

۸۹/۲/۱۷- دمشق



عیان اولمور آلان کیم دیر ساتان کیم
ایلیک بؤلوم ده " اوجاق باشیندا " ن سؤز آچیلیر
کی دوستلار گؤروشودور و ائلین ایگید لری قاردان
سیلکه له نرکن آل لری نین سویوغونو ، اوره ک
ده کی اینام لارین ایستی سیله قیزدیریر لار و
درد له شر کن ائتهیزاز لی آلولار کیمی ظولمته
قارشی و صاباحا دوغرو یوللانیر لار :

بیله ایدین کاش کی بو ظولمت سویوق دا
آلولانماق سنین سون قییمه تین دیر
شاعیر ائلین گؤز یاشلارین دان کدر له نیر و
قورتولوش یولونو ایز له بیر :

سو دامنن دامسا اساندری علاجی
آما کیم نئیه بییم گؤزدن داماندا ...؟
" بیر لوطی قلیان چکه ن یوخ " دییه رکن "
اوزوم سالخیم لی ائیوان لار"دان یاد ائدیر و تازا
بیر ایلین گلدیگینی گؤزله بیر . دوغرو بیر یاز
چاتارکن " قارانقوش " گؤرسه نیر و ائلین حقیقی
ائو لادلاری ، آزادلیق اینامینی اوره ک لرینده
یاشادیر لار. آما ندنسه شاعیرین سئوینج ایله
دولان کؤنلو بیر دن بیر غم له بولانیر :

آل آتدیق هر ایشه ، بی فایدا گلدی
دل آختاریق ، سینیق بیر بایدا گلدی
افوق لردن گودوردوک موشتولوق لار
" قارانقوش " گلدی آما " یای " دا گلدی

شاعیر " سازیز قوربانی قالخین آی عاشیقلا ر "
سؤیله رکن ریا، قورتولوش یولونو قاپانمیش
گؤرمه بیر و اینسانلیقی اینسانلارا بئله خاطر
لادیر:

چوخ آ لشدین سنه اصلان دئسین لر
قوچ اوغلان یا ایگیت ترلان دئسین لر
عزیزیم جهد ائله بوندان دا آرتیق
سنه اینسان فقط اینسان دئسین لر

لری کلاسیک فورما لاردا یوخ یئنی قالب لرده
شکل تاپیب. او یئنی دوشونجه یه مالیکو ذوقی
لطیف بیر شاعیر دیر کی اِهمالجا و سس سیز اؤز
یارادیجیلیقینا دوام ائدیر و گرک دیر کی اونون
پوعزیا عالمینه دقت لی اولاق . " * * * هابئله
شرقین پوئز یا اولدوزو " استاد شهریار " یازدیغی
مکتوب منظوم بیر اثر ده " مفتون امینی "
حاققیندا بئله بیر دوشونجه نی ایره لی سورور "
مفتون یارادیجیلیقینا اینامیم وار و اونون گله جه
یینه اومود بسله بیره م . " * * *

مفتون امینی نین عاشیقلی کروان دان باشقا ،
داها آیری تورکجه شعر لری ده وار کی بعضه ن
آذربایجان دیلینده بوراخیلان ژورنال لاردا چاپ
اولوب و بیغجام شکیلده بیر یئره توپلانماییب .
هم ده " مفتون " ون بیر سیرا فارسجا شعرلرین
دن " علیرضا نابدل " و باشقا شاعیر لر طرفین
دن آنا دیله ترجمه اولونوب کی او ترجمه لر
اؤزنوعینده ، مفتون صنعتی و اونون چوخ جهت
لی یارادیجیلیقینی ، بدیعی تابلولاردا عکس
ائتدیریر.

مفتون امینی ائل نغمه کاری و موعاصیر
تاریخیمیزین یاشار بیر ترنم چو سوددور:

کؤچوب لر اودلو کروان لار و لا کین
قالیلار توزلو تاریخ لر بو ائل ده
مفتون امینی عاشیقلی کروان پوئه ماسیندا ،
سؤزلو صؤحبت لی بیر حقیقت شاعیری دیر و اوچ
بؤلوم ده ، ائل اوبانین شاهلیق قورولوشو دؤورونده
کئچیر تدگی دومانلی چیسکینلی گونلردن و
هابئله ائلین دؤیوشکن روحوندان و سارسیلماز
ایراده سین دن سؤز آچیر :

بو سولغون باغدا یارب باغبان کیم
هامی حسرت ده قالمیش ، کامران کیم ؟
بازارظولمت دیر ، آما پول پاریلدیر

و میلتین یئنیلمز ایراده سینه ایناناراق ، صاباحین
 کوچه لرین اعتیراضلی و ایزدحاملی گؤرور:
 بو سروه بالتا دَیسه ، باغ گورولدار
 سو لال دن صیحه قالخار ، سول گورولدار
 شاعیر " بوتون کندکئف له نیب بیر کوپ شراب دان "
 دییه رکن شاهلیق اوصول ایداره سی نین یاراتدیقی
 تضییق لر اساسیندا و گؤستریدیگی یالانچی بیر "
 بؤیوک تمدن " ون قارالتی لارینا اوپان و دوغما
 یورددان دیدرگین دوشه ن ائل اوغلانلاری نین
 نیسگیل لرینه بدیعی بیر جیلوه وئریر :
 ائل ائغلو شیمرانا دوشموش سَراب دان
 قالیب دیر طاخچادا بوش بیر گولابدان
 " مفتون امینی " نین چوخ جهت لی یارادیجیلیقی و
 الوان بویالی بدیع پوئزیاسی ، چاغداش ادبیاتیمیزین
 پارلاق جیلوه سی و تمثیلی شعریمیزین ، اوستون
 زیروه سی دئمک دیر . آنجاق گؤرکملی ائل شاعیری
 " مفتون امینی " نین اؤز سؤزونی اؤزونه خاطر
 لاتماق کی :

بویبر میثقال گرک بیر خروار اولسون
 اوره ک قوربانلیغی قوی پروار اولسون
 عاشیق سزلی ، مارال بوینوزلو قالسین
 هونر لر عشق لر گوج لر وار اولسون

۱۳۷۱

قایناق

- مفتون امینی، یدالله . عاشیقی کروان. تبریز: نشر رفعت ، ۱۳۵۷
- ** چشمه روشن ، دکتر غلامحسین یوسفی، سال ۶۷، انتشارات علمی ، ص ۷۲۲
- ***دگر به ذوق و شعر ، فتنه " مفتون " است که با قریحه ی فطری و روز افزون است ...به تیغ و اسب نمودار شهسواریهاست مرا به آتیه ی او امیدواریهاست
- **** قاراقوش ، صمدبهرنگی یه ایشاره دیر و " یای " ، صمد بهرنگی نین اولوم فصلی دیر.

" بولاق باسیندا " دینجه لیش و سنوگی عالمی نین
 اوپانان خاطریره لری " عاشیقی کروان " بن سونکی
 نغمه سی دیر. بو بؤلوم ده ائل اوچون چیرپینان اوره
 ک لردن و سئودا یولوندا آغارمیش قیوریلیمیش
 ساچلاردان ایلهام آلان شاعیر ، ایشیقی مهربان
 بیلیب قیش یو خوسون دان تازا - تازا آییلان لار لا
 سس سسه وئریر و " بو باغ دا گول دایناماز ایل ده بیر
 آی " دئییب بدیعی لیریک حیس لر دوغوران میصاع
 لار لا ائل گؤزل له ری نین معنوی و حقیقی گؤزل
 لیک لرینه ، یاشار بیر حیات بخش ائدیر :
 قارالمیش گونلریم دن سورمه چکمیش
 حقیقت عشقیمه توهمت یاخان گؤز
 عاشیقی کروان یین اوچونجو منزلی " اوجا داغ
 باشیندا " یورد سالان دمیر پنجه لی ائل اوغول و
 قیزلاری نین مسکنی دئمک دیر . آییق گؤزلی ،
 ایستی آل لی و داغ ووقارلی گنج لرین ، وولقانی و
 دؤیوشکن حیس لردن دالغالی کؤنول لری نین ،
 ابدی ترنمی دیر:

بوتون دونیالرین دردین قانار داغ
 سو آل ائت سن سوکوت ایله ن دانار داغ
 سهندین اوستو قاردی آلتی قان دیر
 بو جوشقون درد دن بیر گون یانار داغ

" گؤتور غیرت سسین چیخ داغ دا های چک " دییه
 ن شاعیر ، بوتون خلقی شاهلیق و یا هر هانسی بیر
 مُستبدّ اوصول ایداره سینه قارشى عوصیانا چاغیریر:
 بویولدا هر نه مومکون سه یاواش کئچ
 ولاکین دوشمه نین گؤرسه ن ساواش کئچ
 عزیزیم چای تکین دوز کئچ یولوندان
 قا باغین توتسالار؛ گؤل باغلا داش کئچ
 آنجاق دئمک کی بو نغمه لر یاشار نغمه لر دیلر و
 معین بیر تاریخی جوغرافی چر چیوه لردن آسیلی
 اولمایاراق ، اینسانلیق هاراییدیلار.
 شاعیر ائل ائغروندا و آزادلیق یولوندا چیر پیشان
 اینسانلا رین هلاک اولدوقلارین ، تأثیرسیز بیلمه بیر

آذربایجانین سیاسی و مدنی حیاتیندا آغابگیم آغا جاونشیر

Azərbaycanın siyasi və mədəni həyatında Ağa Bəyim Ağa Cavanşir

LÜTVİYYƏ ƏSGƏRZADƏ

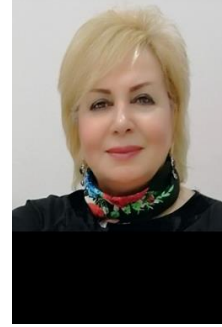
لوطویه عسگرزاده

AMEA نېظامی گنجوی آدینا ادبیات اینستیتوتو

فیلولوگیا علملری دوکتورو

دوغولوب (۱۷۸۲)، ایرانین قوم شهرینده وفات ائدن (۱۸۳۱) آغابگیم آغانین ایضطیرابلی و شرفلی عۆمور یولو قاراباغ تاریخی نین اهمیتلی صحیفه لریندندير. آغابگیم آغانین طالعیینی ایزله مک قاراباغین، همچی نین رنکیونون سیاسی حادیتله لرینی ایزله مکدیر.

قاراباغ خانلیغی نین یارانماسی، شوشانین آبادلاشماسی و شوشا قالاسی نین اینشاسیندا پناه خان جاونشیرین بؤیوک خیدمتلری اولموشدو. میرزه رحیم فنا " تاریخی-جدیدئ قاراباغ " اثرینده یازیر: " مین یوز آلتمیشینجی (۱۱۶۰) سنه هیجری نادیر شاه افشارین قتلیندن سونرا اونون حضوروندا اولان قوشون سردارلاری و عیان لشکر پراکنده اولان زامان حاضیری-حضور اولان شخصلردن بیرری ده پناه خان ساریجالی جاونشیر اولوبدور کی، همه واخت ریکابدا و مولتیزی-امیر-نیظام وار ایمیش. اینقیلابی-وضعی-سلطنتی نظره آلیب، زحمتی-قوربتدن اؤزونو خیلاص ائتمک قصدیله وطنه موراجیعت ائدیر. اونون وطنه موراجیعت ائتمگی و قاراباغ ریاستینی قبول ائتمگی تاریخ اوچون تزه بیر محل آچیب قاراباغی موزاکیره یه سالدی. قاراباغدا خانلیق بینا اولماغینا بایس اولوبدور " (۷،س.۹۰). پناه خانین اؤلوموندن سونرا خانلیق تاختینا اوغلو ایبراهیم خلیل جاونشیر چیخیر. ایبراهیم خانین جاونشیرین قیزی آغابگیم آغانین اوشاقلیق و یئنیئتمه لیک دؤورو قاراباغ خانلیغی نین ایران و روسییا آراسیندا ساواش مئیدانینا چئوریلدیگی کئشمکئشلی، همچی نین سیاسی و مدنی اینتیباه دؤورونه دوشموشدو. خانزاده لرین تحصیل و تعلیمینده سارای ایداره ائتمه سی



گیریش سؤز آداملاری نین وطنی و ایلهام منبعی اولان قاراباغ آذربایجانین سیاسی و مدنی حیاتیندا بؤیوک شخصیتلر بخش ائدیپ. بونلارین ایچریسینده عۆمور یولو قاراباغین دؤولتچیلیک و ایشغال تاریخی، سیاسی گونده می، ترقیسی و تنزولو ایله سیخ باغلی اولان آغابگیم آغا، گؤوهر آغا، خورشید بانو ناتوان، همیده خانیم جاونشیر کیمی مشهور خانیملار دا وار. بو خانیملارین هر بیرری نین، خصوصن ده قاراباغ حؤکمداری ایبراهیم خلیل خانین قیزی، سیاسی مقصدله تهرانا، فته لی شاه سارایینا حرم اولاراق گؤندریلن، قاجار سلطنتی نین پایتاختیندا " تهران جنته دؤنسه، یاددان چیخماز قاراباغ! "

- دئییه وطنینی هارایلایان آغابگیم آغا جاونشیرین (۱۷۸۰-۱۸۳۲) طالع یازیسیندا یاشادیقلاری دؤورون سییاستی نین ناخیشی وار. حیاتی قاراباغین دؤولتچیلیک و ایشغال تاریخی، ترقیسی و تنزولو ایله سیخ باغلی اولان، طالعیینی دؤورونو سییاستی یازان، شوشادا

آچمیش روسیا ایسه قاراباغی ایرانین قاپیسی ساییر و اورتا شرقه مئیدان اوخوماق اوچون بو قاپینی اله کئچیرمک ایسته ییردی " (۲۲، ص. ۴۰). دیگر طرفدن، ایراندا شاهلیق ائدن قاجارلار اؤزلرینی قاراباغلی ساییردیلا. شاهلیق تاجینا صاحب اولان آغا محمد شاه قاجار آذربایجانین بوتون خانلارینی تهرانا دعوت ائدیر. ایبراهیم خلیل جوانشیر قاجار شاهین بو دعوتینی قبول ائتمیر. بو سببدن قاجار شاه بؤیوک بیر اوردو ایله اؤنجه قاراباغا هوجوما کئچمک ایسته



ییر. آغا محمد شاه قاجارلا ایبراهیم خلیل جوانشیرین قارشیدورماسی صولحله نتیجلمسه ده، آنلاشماسی نین عؤمرو اوزون اولمور. قاجار شاه قاراباغا ۱۸۷۵ و ۱۸۹۷-جی ایللرده ایکی دفعه یوروش ائدیر. بیرینجیده، قاراباغ خانی ایبراهیم خانین قارداشی اوغلو، جسور سرکرده محمد بی جوانشیر طرفیندن مغلوب اولوب، گئری دؤنمه یه مجبور اولور. قافقاز خانلاری روسیایا مئیل ائتدیکن و هیددتیله، کینینه سبب اولان بو مغلوبیتدن ایکی ایل سونرا قاجار، ۱۷۹۷-جی ایلده یئنیدن قاراباغا هوجوم ائدیر. اولکی ایللره نیسبتن قاراباغین " دیره نیش گوجو " او قدر ده گوجلو دئییلدی. ایکی ایل داعوام ائدن قورقلیق، آردیجیل ساواشلار خالق صفاآله اوغراتمیش، ائلاتلار کؤچ ائتمیش، خزینه بوشالمیش، چئری قوشون داغیلمیشدی. آغا محمد شاه قاجار بو دفعه شوشانی اله کئچیریر.

آیری-سئچکیلیک قویمور، اوغلانلارلا بیرلیکده قیزلار دا تحصیل آلیردی. بوراداکی تحصیل سیستمی نین اسرلردن اوزوبری گلن عنعنه لری واردی. هله ۱۸ عصرده مشهور آلمان عالیمی، ریاضیاتچی، جوغرافیاشوناس و دیپلوماتی آدام اولئاری قافقازدا بیر سیرا مدرسه لری موشاهیده ائدیر. مدرسه لرده آسترونومییا، فلسفه و جبر تدریسی نین آروپا تدریسینه اویغون اولدوغونو قئید ائدیر. خان سارایی خزینه سی و مدنی سوییه سی ایله ائلمه،

صنعت، موسیقییه هاوادارلیق ائدیردی. بو دؤورده قاراباغدا تحصیل، صنعت، پئشه، تجارت چیچکلنمکده ایدی. قافقازین تانینمیش عالیم، مودرریس و شاعیرلری، شوشا قالاسینا توپلاشمیشدی. ایبراهیم خانین سیاسی گوجو تبریزه قدر اوزانیردی. آسلاندوز قالاسیندا قوشون ساخالیردی.

ظنییه دؤولتی نین عؤمرونه سون وئردیکدن سونرا قاجار دؤولتی نین قورولوشونو ائلان ائدن آغا محمد شاه قاجار، ۱۷۹۵-جی ایلده تهرانی پایتاخت ائلان ائدیر. ایراندا مرکزی دؤولت گوجلندیکدن سونرا تهرانی الی یئنیدن قافقازا اوزانیر. قاجار شاه صفویلرین و نادیر شاه اوشار ایمپئرییاسی نین سرحدلرینه ایدیعا ائدیر. " ایران شاهلاری قاراباغی قافقازین قاپیسی ساییر و آزاجیق گوجلنن کیمی بو قاپیدان ایچری سوخولماق ایسته ییردیلا. " " قافقازا آیاق

یوخدور. ایبراهیم خان شاهین باشینی گؤرنده محزون اولوب باشا قوسل وئریب، قوتو ایچینده بیر مؤعتبر قبریستاندا دفن ائتدیریر. بو احوالاتی داغیستان خانلاری و عیانلاری ائشیدیب خانین حضورنا تسلیت و سوگووارلیق ایله گلیرلر. نئچه گون قورانخانلیق و احسان صرف اولونور " (۷، ص.۲۴). جاوانشیرین امری ایله قاجار شاهین جنازه سی نین بؤیوک بیر احتیراملا دفن ائدیلمه سی ایران منبعلرینده ده یئر آلیر: " جاوانشیر دئمیشدی کی، بو جنازه بیزه امانتدیر و لایقلى شکیلده دفن ائتمه لیگیک " (۱۹، ص.۶۲-۶۳). آغا محمد شاه قاجار اؤلدورولدوکن سونرا شیراز حاکیمی آغا محمد شاهین قارداشی اوغلو سردار بابا خان آدلانان فته لی شاه قاجار تهرانا گله رک وصیته گؤره ایران شاهلیغینی اله آلدی. تئزلیکله ایرانین هر یئرینده نیظام-اینیتظامی برپا ائتمه یه مووفق اولان شاه ایبراهیم خانین یانینا ائلچیلر گؤندریب آغا محمد شاهین جنازه سینی طلب ائتدی. خان ایراندان گلن ائلچیلره لازیمی حؤرمت گؤستردی. آغا محمد شاهین جنازه سینی ربیع- اول آیی نین آخیرلاریندا ۱۲۱۳ (۱۷۹۸)-جو ایلهده حؤرمتله ایرانا یولا سالدی. فتحعلی شاه ایبراهیم خلیل خانین بو حرکتیندن راضی قالدی، اونون تهرانا شاهی دفن ائتمه یه گلن آداملارینا بخشیش و خلعتلر وئره رک حؤرمتله قاراباغ یولا سالدی. ایبراهیم خان قیلینج و قیزیل یهر گؤندره رک قاراباغدان علاوه ، قاراداغ ویلایتی نین بوتون مداخلینی اونون ایختییارینا وئردی و ایبراهیم خانلا قوهوم اولماق آرزوسونو بیلدیردی. ایبراهیم خانین عاغیللی و سئویملی قیزی آغابگیم آغا اوچون تهراندا ائلچیلر گلدی، کبین کسیدلی. آغابگیم آغا شوشادان تهرانا طنطنه لی شرایتده یولا سالیندی. عئینی زاماندا، ایبراهیم خانین

ایبراهیم خلیل خان جاوانشیر قاقماق مجبوریتینده قالیر. شوشانی اله کئچیردیکدن بئش گون سونرا (بزی منبعلره گؤره ۹-جو گون) آغا محمد شاه قاجار اؤز خیدمتچیلری طرفیندن اؤلدورولور. " شنبه گئجه سی ۲۱ذیحجه حرام آیی ۱۲۱۲ (۱۷۹۷)-جی ایل قضایی-هتیمی و مرگی-موقددر ساعات یئتیب عباس بی سفرعلی آدلی یولداشی ایله الی خنجرلی شاه سراپرده سینه گیریپ اؤز یاتاق اوتاغیندا شاهی قتل ائدیرلر. جاواهیرات صانديقچاسینی و شمشیری- مرصع و زینتی-ایران دئییلن ایکی بؤیوک آلمازی، بیری دریایی-نور و بیری تاجی-ماهی گؤتوروب یاتاق اوتاغیندان چیخیب گئدیرلر، صادق خان شقاقی منزلینه و ماجاراتی نقل ائدیرلر. صادق خان حول ائدیپ قاتیللر ایله گئجه ایکن پناهباددان فرار ائدیرلر " (۷، ص.۲۴). حسن ایخفا علیزاده شوشا شهری نین تاریخی (۷۵-۱۲۰) اثرینده یازیر: " ایبراهیم خانین بالاکنده اولماسی نین ۲۲-جی گونو ایدی. بو زامان محمد رفی آغا محمد شاهین باشیم خاننا گتیردی. ایبراهیم خان درین فیکره گئتدی و شریعت قایدالاری ایله شاهین باشینی جار قبریستانیندا دفن ائتدیردی. لاکین میرزه آدیگؤزل بیین رایینجه ایبراهیم خان شاهین باشینی گورجوستانا ۲-جی ایراکلییه هدییه کیمی گؤندرمیشدیر " (۷، ص.۱۰۰). میرزه رحیم فنانین " تاریخی- جدیدی قاراباغ " اثریندن شاهین جسدی نین هانسی قبریستانلیقدا دفن اولونماسی حاقیندا بیر خبر اولمادیغینی اؤیره نیریک: " شاهین باشینی محمد بی بالاکنه ایبراهیم خانین قوللوغونا گؤندریب حادیته نی و ایران قوشونونون قاییتماغینی اونا خبر وئریر. شاهین جسدی نین هانسی قبریستاندا دفن اولوندوغوندا خبر

دۇبوشچولرى حساب اولونوردو. مليک بى، بو ۲۰۰ نغریلک خیدمتچییه باشچیلیق ائدیردی.

(۱۵، ص. ۱۱).

گۆزلیگی ایله یاناشی، اغلی، ذکاسی ایله دیلره داستان اولان خانقیزی ایله ائولنمک ایسته ینلر چوخ اولسا دا آغابگیم آغا امیسی اوغلو، جاوانشیرلرین سئچکین گنجلریندن اولان باتمانقیلینج لقبلی سرکرده محمد به یه عاشیق ایدی. یوسیف وزیر چمنزمینلییه گۆره، آغابگیم عمیسی مئهرالی بیین اوغلو محمد بی ساریجالی ایله بؤیوک عشق یاشاییب. فتحعلی شاه اره گئتسه ده عؤمرونون سونونا کیمی سئوگیسینه صادیق قالیب. اصلا شوشالی اولان پروفیسور کامران ممدوو " آذربایجان یازیچیلاری نین حیاتیندان دقیقه لر " ادلی کیتابیندا (۱۷، ص. ۶۲) آغابگیم آغانین گنج یاشلاریندا عمیسی اوغلو محمد به یه عاشیق اولدوغونو قئید ائدیر. موللا پناه واقیفین آدینا، گۆزلیگینه شعر یازدیغی " پاک اصیلی " ، " داننده " ، " فهملی " ، " قابیل " ، " زیرک " ، " صاحبکامال " ، " سؤز اوستادی " محمد بی ده دؤورون گرگین و آجی حادیشه لری نین قوربانى اولور. قاراباغی ترک ائتمک مجبوریتینده قالان محمد بی ساریجالی ۳۵ یاشیندا، ۲-جی شیروان حاکیمی مصطفی خان خانچوبانلی طرفیندن قتل ائدیلیر (۱۷۹۷). بئله لیکله، قاراباغ خانلیغی نین و قاجار سلطنتی نین سیاسی ماراقلاری ایکی عاشیقین؛ آغابگیم آغا و محمد بیین آجی طالعیینی یازیر. قارا سئودا آغابگیم آغایا ادبیات تاریخیمیزه آدینی یازدیران مشهور میصراعلاری یازدیریر:

افسوس کی، یاریم گئجه گلدی، گئجه گئتدی،

هئج بیلمه دیم نئجه گلدی، نئجه گئتدی (۱۷، ص. ۳۶).

اوغلو ابوالفت آغا دا شاهین یانینا گۆندریلدی. قاراداغی تذکیره سیندن ده ابوالفت آغانین شوشادان آیریلارکن آشاغیداکی آیریلیق شعرینی یازدیغینی اؤیره نیریک:

" او گون کیم حسرتیه اول بوتی-زیبادان آیریلدیم،

قالیب بیر صورتی-باحیث کیمی معنادان آیریلدیم... "

(۱۳، ص. ۱۱۲).

فتحعلی شاه ابولفت آغایا خانلیق روتبه سی وئردی و یوکسک درجه لی خانلار سیراسیندا اؤز حضوروندا ساخلادی " (باخ: ۵، ص. ۱۰۱-۱۰۲؛ ۱۹، ص. ۱۰۴۳). ایبراهیمخه لیل خانین قیزی آغابگیم آغانی فتحعلی شاه حرمخاناسینا گلین گۆندرمه سی ده ایکی دؤولت آراسیندا صلحون برقرار اولماسی اوچوندو. آغابگیم آغانین سیاسی ائولیلیگی دئمک اولار کی، " قاراباغنامه " لرده (ناظیم آخوندوو ترتیب ائتدیگی " قاراباغنامه لر " کیتابینا (باکی، شرق-قرب، ۲۰۰۶) میرزه آدیگؤزل بیین " قاراباغنامه " ، میرزه جمال جاوانشیرین " قاراباغ تاریخی، میر مئهدی خزانى نین " کیتاب تاریخ قاراباغ " ، میرزه یوسیف قاراباغی نین " تاریخی شریف " ، رضاقولو بی میرزه جمال اوغلونون " پناه خان و ایبراهیم خانین قاراباغدا حاکیمیتلر، او زامانین حادیشه لری " ، احمد بی جاوانشیرین " قاراباغ خانلیغی نین ۱۷۴۷-۱۸۰۵-جی ایلرده سیاسی وضعیتینه دایر " ، میرزه رحیم فنانین " تاریخی-جدید قاراباغ " حسن ایخفا علیزاده نین " شوشا شهری نین تاریخی " ادلی اثرلری ایله بیرگه داخیل ائتمیشدیر) و تاریخ کیتابلاریندا اؤز عکسین تاپیر. بؤیوک بیر ائهتیشاملا تهرانا گلین گلن آغابگیم آغایا بو سفرده ۲۰۰ قاراباغلی خیدمتچی خیدمت ائدیردی. ۲۰۰ نفر همچنین قاراباغین

تورک تۆره سینه گۆره بیر قادین بیر کیشی نین قارشیسینا آناسی نین لیباسیندا چیخارسا او کیشی او قادینا محرم اولما بیلیمزدی. آغابگیم آغا دا بونو سئوگیسینه صداقتی اوچون ائدیر و مقصدینه چاتیر. بو حاقدا دیگر سالنامه چیلر، او جومله دن میرزه فضل الله شیرازی خاوری، محمد حسن خان اعتمادم السسلطنه و دیگرلری ده یازیر: "فتحعلی شاه زیفاف گئجه سی خان قیزی نین یانینا گیردیکن جمعی اون بئش دقیقه سونرا اوردان دلی کیمی چیخدی و بیرجه کلمه سؤز دئدی: "ایبراهیم خانین قیزی منی ایلان کیمی چالیدی. " بوندان سونرا او، غضبله اؤز اوتاغینا دوغرو یورودو. " آغابگیم آغانین قملی حیات حکایه سینی و قارا سئوداسینی آراشدیردیقجا صابیر گنجه لی نین یوخاریداکی فیکری بیر آز ضعیف گورونور.

آغابگیم آغانین حاقیندا ایلك معلوماتی روس سیاحی پ. کووالئوسکی نین " زاپیسکی او قروزی " (" گورجوستان حاقیندا قئیدلر ") اثری نین " قاراباغ " باشلیغی آلتیندا گئدن فصلیندن آلساق دا، بونونلا یاناشی، " ریاض العاشیقین " کیتابی نین مؤلیفی م. موجتهیدزاده " آغابگیمین فتحعلی شاه اره وئریدلگینی و تهراندا شاهین حرماناسیندا " بانوی حرم " تعیین ائدیلدیگینی یازدیقدان سونرا اونون فارسجا شعرلریندن ایکی بیت وئریر. حسنعلی خان قاراداغی قاراباغ تاریخینه دایر " قاراباغ ویلایتی نین قدیم و جدید کیفیت و اؤوضاعلاری، پناه خان، ایبراهیم خان و مئهدیقولو خان آیام حؤکومتلری نین اکثر وقایع و حکایتلری " ادلی اثرینده اونون شوشادا آنادان اولماسینی، ایراندا قریبلیک حیاتی کئچیردیگینی و تخمینن ۵۰ یاشیندا وفات ائتدیگینی قئید ائدیر و آذربایجانجا

سون زامانلار اینتئرنئت صحیفه سینده بو شعرین آردی اولدوغو سؤیلنن بو میصراعلارلا دا تئز-تئز راستلاسیریق:

" افسوس کی، یاریم گئجه گلدی، گنجه گئندی، هئچ بیلمه دیم عؤمروم نئجه گلدی، نئجه گئندی. کؤنلوم دخی آرام اولمادی، دؤنسون قانا، تا دئییم دردیمی بیر-بیر بئجه گلدی، بئجه گئندی. اؤلدوروب هیجردن وصلینده احیا ائیله دی، سون دونیاداکی عؤمروم وئجه گلدی، وئجه گئندی " (میصرالار آغابگیم آغانین حیات هئکایه سینی عکس ائتدیرسه ده، قطعی بیر سؤز دئمک اوچون دقیق تدقیقات طلب ائدیر).

آغلایان میصراعلار، هارایلانان وطن مشهور میصراعلار حاقیندا بیر-بیرینی تکزیب ائدن فیکیرلر وار. " دئییلنه گۆره زیفاف گئجه سینده فتحعلی شاه آغابگیم آغا ایله قیسا صؤحبتدن سونرا اوتاقدان چیخیب گئتمیشدیر. گویا آغابگیم آغا دا بو حادثه دن عصبلشه رک قاراباغدان اؤزو ایله گلیمیش دسته نین باشچیسینا گؤستیریش وئریر کی، آناسی نین ائوبنه قاییتماق اوچون حاضرلیق گؤرسون. شاه بو خبری ائشیتدیکه چوخ هیددتله نیر و اونون قاراباغ گئتمه سینه ایجازه وئریمیر. آغابگیم آغا سحریسی گون فتحعلی شاه شیکایتله دولو مکتوب یازیر و مکتوبون یوخاریسینا بیر قزه لینی علاوه ائدیر. همین قزلدن آنجاق بحث ائتدیگیمیز میصراعلار یادداشلارا یازیلیب " (۸، ص. ۲۹).

آغابگیم آغانین زیفاف گئجه سی فتحعلی شاه ائتدیگی ژئست بیر چوخ منبعلرده کئچیر. منبعلر بیلدیریر کی، قنیرسیز گؤزل، فوسونکار ناطیق، ظریف سؤز، لطیف اونس اوستاسی آغابگیم آغا زیفاف گئجه سینده شاهین آناسی نین لیباسینی گئیینیب، بئیلنه والیده نین توققاسینی باغلاییب. بونونلا دا اؤزونو توخونولماز ائتمیشدی. قدیم

بو لياقتلى و بۇيوك قادين شاهين او جاه جلالينا باخماپاراق اونونلا ياشامادى. " محمدعلى تربيت " دانشمندان آذربايجان " اثرينده آغابگيمين هيچرى ١٢٢٦-جى ايلده (١٨١١) ايرانا گلن اينگيليس كRALI ايله گۇرۇشوب اونون موكلاتينا نايىل اولدوغونو، هيچرى ١٢٤٨-جى ايلده (٣٣-١٨٣٢) قم شهرينده وفاتيني (شاه قم شهريني و اونون اطرافى نين گليريني آغاباجى و اونون آداملارينا وئير. آغاباجى دا قم شهرينه كۇچرك بورادا قالير) قيد ائتديكن سونرا، فارسجا شعيرلرندن بير نچه بيت نومونه وئير. " " نامه هفته گى " قزئتى نين بيرينجى نۇمره سينده " آغاباجى " باشليغى آلتيندا گئدن مقاله ده آغابگيمين عۇمرنون آخيري نا قدر باكي ره اولاراق قالدغي، شاهين اونا موناسييتى و س. حاقيندا معلومات وئريلير: " فتحلى شاهين آروادلاريندان بيرى ابراهيم خان قاراباغلى نين قيزى ايدى. او، تهرانا حركت ائليركن اوزو ايله ٢٠٠ نفر آتلى گتيرميشدى. اونلار دا قاراباغين گۇركملى آداملارى ايديلر. آغاباجى نين ائوينده قالب، آتاسى نين خرجى ايله اونون خيدمتينده اولارديلار. آغاباجى گۇزل و فوسونكار قيز ايدى. دئيرلر، هوندور بويلو، گۇزل قامتلى، خورمايى ساچلى و ياراشيقلى اوزو وار ايدى. بو آذربايجانلى قيزين طبعى گۇزelligيندن علاوه لطيف دانيشيغى، ياخشى شعير يازماغى وار ايدى. اوزو ده ياخشى شعيرشوناس ايدى. ادبى مجلس و محفيللرده حاضير اولاردى. پرده آرخاسيندا ايلشيب مذاكي ره لرده ايشتيراك ائردى. مقاله نين سونوندا آغاباجى نين خيرخواه و نجيب بير قادين اولدوغونو گۇسترن بو سطيپرله راست گليريك: " آغاباجى نين جوان اولماسينا باخماپاراق شاهين يانيندا او قدر احتيرامى وار

شعيرلريندن قاراباغ حاقيندا دئديگى بو جيناس باياتيسيني ميثال چكيير:

من عاشيغام قارا باغ،

قارا سالخيم، قارا باغ،

تهران جنته دؤنسه،

ياددان چيخماز قاراباغ " (١٣، ص.١١٢).

آغابگيم آغانين فارسجا يازديغى آشاغيداكى بيتى ده وئير:

شرح شيشه كى، عجب آب هوايى دارد،

خرم اون كه، به سر كويى او جايى دارد... (١٣، ص.١١٢).

آكادئميك ف.قاسيمزاده ١٩ عصر آذربايجان

ادبياتيني تحليل ائدركن " بو دؤورده قاراباغدا

ايكى گۇركملى شاعير-قادين يئتشميشدير كى،

بونلاردان بيرى قاراباغ خانليغى نين سون حاكيمي

ايراهيم خليل خانين قيزى آغاباجى لقبى ايله

مشهور اولان " آغابگيم آغادان بحث ائدير.

"آغابگيم آغانين حاقيندا ايلك معلوماتى

پ.كووالئوسكى نين " زاپيسكى او قروزيى "

(گورجويستان حاقيندا قئيدلر ") اثريندن

آلديغيميزى، اثرين " قاراباغ " باشليغى آلتيندا

گئدن فصلينده حياتينا آيد بعضى معلوماتين

اولدوغونو وورغولايير، همچنين م.موجتهيدزاده

نين " رياض العاشيقين " كيتابيندا، خان

قاراداغى نين تذكي ره سينده، ايران منبعلريندن:

على اكبر، مشيرى سليمى نين " زنان سخنور "

(قادين يازيچيلارى)، " تذكره الخواتين "

(قادينلار حاقيندا تذكره)، " نامه هفتگى "

(هفته ليك قزئت) و باشقا منبعلرده معلوماتين

اولدوغونا ديقت چكيير (١٤، ص.٥٦). ايران

منبعلريندن: على اكبر مشيرى سليمى ١٣٣٥-

جى ايلده تهراندا نشر اولونان " زنان سخنور "

(قادين يازيچيلارى) كيتابى نين اولينجى صحيفه

سينده آغابگيمه حسر ائتديگى حيصه ده يازير: "

مهارتلی ایدی. " میرزه فضل الله شیراز خاوری نین قئیدلرینده ده گوسترلییر کی، آغاباجی نین سارایدا چوخ بؤیوک احتیرامی وارمیش. آغاباجی گلدیگینده شاهین دیگر خانیملاری اوتاغی ترک ائدیب یئرلرینی اونا بوراخارمیشلار. او، سارای دئدی-قودولارینا قاتیلماق اوچون حرمین دیگر قادینلاری ایله چوخ آز اونسیتده اولوردو. فته لی شاه قوم شهری نین بوتون گلیرلرینی آغاباجیا وئرمیشدی. بیر سوره سونرا آغاباجی اؤولادلیغا گؤتوردیو اوشاقلاری ایله بیر یئرده دایمی اولاراق قوم شهرینه یئرلشدی. شاه دا اونونلا گؤروشمک اوچون قوما گئدردی.

" درد گلنده باتمانا گلیر " ، - دئییرلر، دوغرویموش. روس ایشغالی آددیم-آددیم ایره ایله ییردی. آرازین بو تاییندان او تایینا یئتیشن خبرلر؛ ۱۲ اییون ۱۸۰۶-جی ایلده آتاسی ایراهیم خانین، آناسی طوتوبگیم آغانین، قارداشلاری نین، باجیلاری نین، قوهوملاری نین - خاندانین اللی نفردن چوخ عصابه سی نین گئجه نین ظولمتینده، اوتاغیندا، یاتاغیندا ایشغالچی روس مایورو لیسانوو طرفیندن قتل ائدیلمه سی آغابگیم آغانین عؤمور فاجیعه سی نین ان قارا صحیفه لرینی یازیر. اؤلنه قدر بو قتلین آجیسینی و وطنی قاراباغین ایشغال دردینی داشییان آغابگیم آغا ۱۸۳۲-جی ایلده وفات ائدیر. قم شهرینده کی خاندان صاحبیلرینه مخصوص قبریستانلیقدا دفن اولونور. بیر چوخ منبعلرده آغابگیم آغانین اؤز اجلی ایله وفات ائدیگی قئید ائدیلمه ده، " روسلارین قافقازدان چیخاریلماسی اوغروندا نؤوتی موحاریبه نین طرفدارلاریندان اولان آغابگیم آغا ۱۸۳۱-جی ایلده روسلارین فیتواسی ایله، سارایدا معتبر مؤوقعه اولان ائرنی جاسوسلاری نین الی ایله

ایدی کی، شاهدان هر نه ایستسه ایدی، او قبول اولاردی. هردن بیر اؤلومه محکوم اولانلار اونون واسیطه سی ایله باغیشلاناردی. بو خیرخواه قادین فتحعلی شاهدان ۶ ایل قاباق وفات ائتدی. شاه بیر آی اونون خاطیره سینه ماتم ساخلادی. " میرزه فضل الله شیرازی خاوری، محمد حسن خان اعتماد السلطنه و س. منبعلرده ده خان قیزی نین حیاتی حاقیندا معلومات وار. عومومیتله، آغابگیم آغانین شخصی حیاتی حاقیندا منبعلرده یازیلانلار بیر-بیری ایله اوست-اوسته دوشور.

آغابگیم آغا قاراباغ خانلیغی ایله تهران ساراییندا موناسیبتلرین نورماللاشماسی و قوهوملوق علاقه لری نین داعوام ائتمه سی اوچون بؤیوک ایشلر گؤرموشدو. نصرالدین شاه قاجار دؤورونون گؤرکملی شخصییتی ماراغالی محمدحسن خان اعتمادالسلطنه مشهور خانیملار حاقیندا عوضسیر منبع اولان " خیرات احسان " (گؤزلرین ثروتی) اثرینده یازیر: " آغاباجی نین باجیسی قیزینی کئیکاووس میرزه یه اره وئردیلر. مرصع خانیمی ایسه ایراهیم خانین نوه سی عاباسقولو معتمد الدؤوله جاوانشیره نیشانلادیلار و بو ایکی شاهزاده نین بیری آغاباجی نین کورکه نی و دیگری ایسه گلینی اولدولار. دئییرلر کی، حضرت خاقان دفعه لرله اونون یانینا گلرک، بو قادی نین فیراوان یاشاماسی اوچون قوهوملوق علاقه لرینی همیشه داعوام ائتدیرمیش، بونون نتیجه سی سونرالار گؤرونموشدور. بئله کی، آغاباجی نین قوهوملاری خاقانین اؤولادلاری اولان شاهزاده لرین یانیندا موهوم خیدمتلرده اولموشلار. سونرالار جاوانشیرلر سولاله سی ایله خاقان خاندانیندان اولان شاهزاده لر آراسیندا قوهوملوق علاقه لری داوام ائتمیشدیر. خولاصه، آغاباجی عاغیللی و شاعیر طبیعتلی ایدی، نظم و نثرده

کیملر اولدو ساقی، بولبول... " قلبینی قاراباغدا قویوب گئتمیش خانیمین " قاراباغ شیکسته سی " باشدان-باشا وطن، آیریلیق فریادی دیر. آغابگیم آغانین " قاراباغ شیکسته سی " سۆزو ایلر دیر اونون کدر، قم دولو، وطندن کناردا، تئهران ساراییندا چکدیکلرینی، قارا طالعینی بیزلره آنلادیر. شیکسته (شیکستی) سۆزونده آغابگیم آغانین دؤوراندا و طالعدن چکدیکلری جمله نیب. " شیکسته " سۆزو قیریلیمیش، سینمیش، اوزولموش، قلبی قیریلیمیش، آییلیمیش، سینمیش، سولموش، (۶، س. ۳۲۹) دئمکدیر. بیر سۆزله، آغابگیم آغانین حیاتی ادبیات تاریخیمیزین ان آغریلی، نیسگیللی صحیفه سیدیر. سیاست نامینه قاراباغدان تئهرانا، فته لی شاه سارایینا گلین گؤندریلن آغابگیم آغانین تئهران قوربتی، قاراباغ جنتی ایدی. وطن دردینی، وطن هسرتینی بایاتیلار پیچیلدایان آغابگیم آغانین قوربتدن جنته اونوانلانان هارایی دیلر ازبیردیر:

عزیزیم قاراباغ،

شکی، شیروان، قاراباغ،

تئهران جنته دؤنسه،

یاددان چیخماز قاراباغ.

وطنی قاراباغی هارایلارکن شکی، شیروانی دا اونومور، آغابگیم آغا. اونون سئوگیسی، سئودگی محمد بین اولومو بو اوچگنده گئرچکلشمیشدی. آتاسی ایبراهیمخه لیل خان تاخت-تاجی نین سلامتینی دوشونه رک محمد بی جاوانشیری سیاستله قاراباغدان شکی خانلیغینا فرار ائدیلمیشدی. شکی خان کور محمدده سن خانین خیانتی ایله محمد جاوانشیرین شیروان خان مصطفی خان گؤندریلمه سی، مصطفی خان خانچوبانلی نین اونو قتله یئتیرمه سی آغابگیم هله قاراباغدا ایکن باش وئرمیشدی. بو حادثه

زهرلنه رک اؤلدورولور. فتحعلی شاه آغابگیم آغا وفات ائتدیکده " من اونولا خوشبخت ایدیم " ، - دئییب گۆز یاشی تۆکموشدو.

آغابگیم آغانین یارادیجیلیغی منبعلرده آغابگیم آغانین (آغاباجینین) ایستعدادی، گۆزل دانیشیغی و شعرشوناسلیغی قئید ائدیلمیشدیر. آغابگیم آغانین پایتاخت تهراندان کئچن وطن حسرتلی عؤمرو آذربایجان اینجه صنعتینه ایکی نادیر اثر، " قاراباغ شیکسته سی " و " ساری بولبول " او قازاندریمیشدی. گنج یاشلاریندان اوز دوغما موحیطیندن، وطنینی قاراباغدان قوپاریلماسی آغابگیم آغانین یارادیجیلیغینا منفی تاثیر گؤسترسه ده بو شعرلری اونون شاعیرلیگی نین تصدیقی کیمی چوخ قییمتلیدیر. شاعیره نین " نیسگیللی، شیفره لی عؤمور حکایه سی هویوموش هر ایکی شعرین یارانماسی نین حوزونلو، قهرلی تاریخچه سی وار؛ " خاری بولبول " نغمه سینده آدی کئچن " وطن باغی " شوشاداکی " خان باغی " نین تهرانا کؤچورمه سی ایدی. منبعلرده، آغابگیم آغانین " وطن باغی " نی سالدیرماق اوچون آتا ائویندن گتیردیگی داش-قاشلارینی ساتدیغی " و " فتحعلی شاهدان ایزین ایسته دیگی " یازیلیر. بیر حکایت گؤره، آغابگیم آغا، " وطن باغی " ندا " خاری بولبول " او گؤرمه ییب قمله نیر، فتحعلی شاهین " نییه کئفین پوزولدو؟ " - سوالینا " وطن باغی آل-الواندیر، یوخ حوسنوده خاری-بولبول " ، - دئییه جاواب وئیریر. هر سۆزو، هر ایفادنی احتیاط و مهارتله سئچن آغابگیم آغا، " سانکی کؤنول سیرلرینی هم زامانین فیتنه-فسادیندان قورویور، هم ده کودلاشدیریپ گله جگه اؤتورور... بولبول سنی کیم اوچوردو... کیم دالدان-دالا قاچیردی... کیم سنه باده ایچیردی...

مجتهدیزاده ایسه آشاغیداکي ايکي بئيتين
 آغابگيم آغايا مخصوص اولدوغونو يازير:
 خرم آن که به سرکوی تو حالی دارد،
 که سر کوی تو خوش آب و هوایی دارد.
 به سفر رفت دلم شد جارس ناقه ،
 رسم اينست که، هر ناقه درای دارد (۲۱، ص. ۱۲).

بيلر ممدوون " ناتوانين شاعير قوهوملاری "
 کيتابيندا (۱۹۸۹) ۱۹ عصرده ياشاميش شوشا
 خانى مهديقولو خان جاوانشيرين " خان قیزی "
 آدی ايله مشهور اولان خورشودبانو ناتوان (۱۸۳۲-
 ۱۹۸۷) حاقيندا معلومات وئرکن بيبيسي آغابگيم
 آغانی اونوتمور، آراشدیرما آپاریر، اونون آنا ديلىنده
 و فارس ديلىنده شعرلری نين اولدوغوندان بحث
 ائدير، تهرانا يولا دوشمزدن اول يازديغی فارس
 ديلىنده کی روباعیسی نين اولدوغونو يازير.
 کيتابيندا همين روباعی نين فارسجاسيني و
 آذربايجان ديلىنه ترجمه سيني ده وئرن بيلر
 ممدوو روباعی نين فارسجاسيني بئله تقديم
 ائدير:

خرم آن که به سرکوی تو حالی دارد،
 که سر کوی تو خوش آب و هوایی دارد.
 به سفر رفت دلم شد جارس ناقه ،
 رسم اينست که، هر ناقه درای دارد (۲۱، ص. ۱۲).
 ترجمه سی

سنده مسکن سالان نه بختيياردير،
 صفالی قوينون، خوش آب-هاوان واردير.
 دوه نين بوينوندا سفره چيخان،
 زنگ کیمی کؤنول ده سنه باغليدير (۱۸، ص. ۱۴).
 آغابگيم آغانين فارسجا يازديغی بير نئچه
 ميصراعنی آذربايجان ديلىنه ترجمه ائتميش بيلر
 ممدوو اؤرنک وئرديگی آشاغيدساکی
 ميصراعلاری محمد حسن آغانين " خيرات
 احسان " کيتابيندان گؤتوردويونو يازير:

آغابگيمين قلبيني اؤلنه قدر سيزلاتميشدی.
 سؤزسوز کی، " قاراباغ شيکسته سی " نين
 يانيقلى بير سيمفونييايا دؤنمه سی نين عساس
 سببی آغابگيمين آجی طالعيدير. خان قاراداغی
 تزکيره سينده آغابگيم آغادان بهس ائدرکن اونون
 قاراباغ حاقيندا مشهور باياتيسيني اؤرنک وئرير:

من عاشيقم قاراباغ،
 قارا سالخيم، قارا باغ.
 تهران جننه دؤنسه،
 ياددان چيخماز قاراباغ.

محمدعلی تربيت " دانشمندان آذربايجان "
 اثرينده آغابگيم آغانين شاعيرليگی حاقيندا يازير:
 " طوطی " تخلصلو " آغاباجی آدی ايله مشهور
 اولان آغابگيم (هيجری ۱۳ عصر) ۱۹ عصرين
 شعر اوستادلاريندان اولموشدور. آشاغيداکي ايکي
 بئيت ده آغابگيم آغانيندير:

ووصالينا چاتانلارين باشقا دؤوقو، صفاسی وار،
 چونکی گؤزل بير قوينون صاف سويو، خوش هاواسی وار.
 سفر واختی زنگ ائله ديم اورگيمين دوه سينه،
 بو قايددير، هر دوه نين اؤز زنگی، اؤز نواسی وار
 (۲۴، ص. ۲۱).

آغابگيم آغا جاوانشیر حاقيندا " خيخ اسر
 آذربايجان ادبياتی " اثرينده ده معلوماتا راست
 گليریک. منبع اولارق پ. کووالئوسکی نين اثرينه
 ايستيناد ائدن و آغابگيم آغانين حياتينا آيد
 معلوماتين همين اثرده يئر آلدیغيني وورغولايان
 آکادئميک ف. قاسيمزاده ده آغابگيم آغانين مشهور
 باياتيسيني اؤرنک وئرير، اونون اوستاد قلمينه
 ايشاره ائده رک، بو دؤورده قاراباغدا ايکي بؤيوک
 شاعير قادين يئتيشير کی، بونلاردان بیری نين
 قاراباغ خانى ايبراهيم خليل خانين قیزی، "
 آغاباجی " لقبی ايله مشهور اولان آغابگيم آغا
 اولدوغونو " يازير (۱۴، ص. ۵۶). ممداداغا

جیلدینده و " آذربایجان قادین شاعیرلری آنتولوگییاسی " ندا (باکی، آوراسییا پرنسس، ۲۰۰۵) آغابگیم آغانین فارس دیلینده شعرلری نین اولدوغونو، آذربایجان دیلینده هله لیک بیر بایاتی و بیر غزلیندن مطلع بئیتی نین علم عالمینه بللی اولدوغونو و شاعیره نین " فارسجا شعرلینده کی روانلیق، یوکسک بدیعی کئیفیتین اوندان قابیلیتلی بیر شاعیره کیمی بحث ائتمه یه ایمکان وئردیگینی " وورغولاییر (ص.۲۰-۲۱). (بایاتی و معلوم ایکی میصرع یوخاریدا وئردیگیمیز نومونه لردیر. آدیکنچن کیتابدا آغابگیم آغانین آذربایجان دیلینه ترجمه ائدیلن آشاغیداکی شعر ی ده وئرلمیشدیر.

او کس بختوردیر کی، خوشبختدیر کی، ای جانان، اؤزونه منزیل ائدیپ یاخین یئرده باغیندان. سنین او گول باخچانین عطیرلیدیر هاواسی، منیم ده بو کؤنلومون یالنیز اودور داواسی. او سفره چیخاندا من غوصه یه دالارام، دوه سی نین بوینوندا اؤزوم بیر زنگ اولارام. اوشاقلیق و گنجلیک ایللرینی قاراباغدا کئچیرن، گؤرکملی شاعیر موللا پناه واقیفین یئتیشدیرمه لریندن اولان، آذربایجان و فارس دیللرینی مکمل بیلن آغابگیم آغانین هر ایکی دیلده گؤزل شعرلر یازماسی نورمالدیر.

عومومیتله، " قاراباغنامه لر " ده، ۱۹ عصر آذربایجان خانلیقلاری نین، خصوصاً قاراباغ خانلیغی نین تاریخی فاجیعه سی عکس اولونان رومانلاردا (یوسیف وزیر چمنزینلی. " قان ایچینده " رومانی) (ص.۴۸۵-۴۴۸) آغابگیم آغا، سرکرده محمد بی جاوانشیر و ایران شاهی فتحعلی شاه قاجار حاقیندا ائپیزودلار وار: "آغابگیم آغا فتحعلی شاهین او قدر خوشونا گلیمیشدی کی، اونا باش حرملیک وئرمیش و

چوختم از آتشین غم، نصیحت ها تا کی ز منی، میز نی بر آتشم دامن برو، خاموش باش.

تا حشر نویسند اگر مینشوند لی، نه دفتر حسن تو، نه تومار فراق.

ترجمه سی

یانیرام قم اودونا، نصیحت بونجا یئتر،

سن اتگینله بو اودو آلیشدیریپ گئت، ساکیت اول.

تا قیامتیه قدر یازیلسا قورتارماز،

نه سنین گؤزلیگی نین دفتری،

نه منیم آیریلیغیمین حکایتی (۱۸، ص.۱۶).

نتیجه اولاراق بیلر ممدوو آغابگیم آغانین فارسجا یازدیغی بیر فخریییه سی نین (فخریییه آذربایجان الیازمالاری فوندوندا رف ده آغابگیم آغانین آدینا ایستینادن ساخلانیلیر) سهو اولاراق آغابگیم آغانین موعاصیری اولان گوهر آغانین (۱۸۸۸-۱۷۹۶) آدینا یازیلدیغینی دا آشکار ائتمیشدیر. فخریییه نی آذربایجان دیلینه ترجمه ائده رک ۱۲ یانوار ۱۹۷۷-جی ایله " باکی " قزئتینده نشر ائتدیرمیشدیر.

اگر کوله یه وئرسم زولفی-عنبرفیشانی،

سالار تورونا بیر-بیر صحرا آهولارینی.

ایستسم سیره چیخان گونون خوش بیر چاغیندا،

بوتون عاشیقلری نین گویه چیخار افقانی.

بو نرگیز گؤزلریمه سورمه چکه سی اولسام،

باتیرارام توزونا تامام جومله-جاهانی.

کیفایتدیر بیر شیوم، مین اؤلویه جان وئره،

اعجازیملا سلام حیرته مسیحانی.

اگر دوشسه گوزاریم بیر زامان کلیسایه،

ایمانه گتیررم او کافر قیزلارینی.

یئریشده ککلییم من، اوچاندا دا شاهبازام،

بیر قیرپیمدا اولارام پادیشاهی-عنقانی (۱۸، ص. ۱۷-۱۸).

تدقیقاتچی-عالیم عزیزه جفرزاده " آذربایجانین

آشیق و شاعیر قادینلاری " ادلی کیتابی نین ای

گونو حسرتله گۆزله دېگىنى زرين بىر دىلله قلمه
آلمىشىدى " (۲۲، ص. ۶۶). مۇلىف، آشاغىداكى
باياتىنى دا آباگىم آغايا ايستىناد ائدير:

گۆز الينن،

داد... آمان... گۆز الينن،

يارىمى اۆزگه لره وئردىم،

اۆزوم اۆز الينن (۲۲، ص. ۸۱).

آراشديرمالاردان، بىر فخرىييه، فارسجا سؤيله
دېگى بىر روباعى، دىلر ازبرى اولان بىر جىناسلى
باياتىسى و مشهور بىر بيتى نين اولدوغو بىلینن
آباگىم آغا بدیعی يارادىچىلىغا قاراباغدا-شوشادا
باشلاسا دا، بدیعی يارادىچىلىغى داها چوخ
عۇمرونون ۳۱ ایلینی كئچیردیگی ایران
موحیطینده يازمیش و يايلىمىشدير (آباگىم
آغانین تهران سارايننا گلین گئتمه سی اونا
كسىلمیش عۇمورلوك حبسدى). ۳۱ ایللیك
حسرتینی، كدر و نىسگیلینی مىصراعلارا
پىچىلدايان آباگىم آغا يوكسك ايستعداد و
مۇحتشم ذكا صاحیبی ایدی. فیکرىمیزی
قوووتلندیرمك اوچون آباگىم آغانین فتحعلی
شاهلا صۇحبتینه دىقت چككم ایستردیک. "بىر
دفعه قاراباغ شىكسته سینی اوخویان آباگىمدن
شاه سوروشور كى، بسته نین آدینا " قاراباغ
شىكسته سی " دئینده نه دئمك ایستمیسن؟

آباگىم: - " شاه ساغ اولسون، ائله هامیمیزی
دئمیشم. ائله سنی ده، اۆزومو ده. سنین ده
اصلین-نسلین قاراباغلی دئیلیمی؟ " فیکرىمیزجه،
قاراباغ شىكسته سی هم ده آباگىم آغانین
قىرغىنلیغى، سینیقلىغى تهرانا گلین گئتمزدن
اۆنجه سئودىگی عمیزاده سی نین، محمد بیین
اؤلومو ایله باشلامىشىدى. " سلطنتی نین سلامتی
خاطیرینه " محمد بیین قوربان ائدیلمه سی
آباگىم آغانین سینیقلىغینا، قیریقلىغینا سبب

اۆزونه ده باشدان-آياغا اینجی ایله ایشلنمیش بىر
دون باغیشلامىشىدى. لاکین وطنینى آرزولایان
آباگىم آغا " من عاشیقم قاراباغ " هارایلی
باياتىنى اوخویوردو. بونو ائشیدن فته لی شاه،
آباگىمدن اینجىمىشىدى. آباگىم ایسه اونون
فیکرىنى يايىندیرماق اوچون دئمىشىدى: " من
ائله يازمامىشىدیم. من يازمىشىدیم كى، " تهران جنته
دؤندو، ياددان چىخدی قاراباغ " (۴، ص. ۷۰۵-۷۰۶).

۲۰-جى يوزایلدە مهربان وزیرین آباگىم
آغانین ياشاییب-ياراتدیغى موحیط حاقیندا
معلوماتلارلا زنگین اولان " آباگىم آغا جاوانشیر
" (باكى، ۲۰۱۶) اثرى آباگىم آغانى تانيتماق و
فالتینده كى قاراباغ يانغیسینی دریندن اؤیرنمك
باخیمیندان چوخ قییمتلیدير. ایلک اۆنجه آغا
عونوانینا توخونان مۇلىف يازیر: " ...خان قیزی
دونیايا آغا اولاراق گلدى، چونكى دوغولوشدان
ایرى مولکیت صاحیبی ایدی. آتاسی نین
ثروتیندن، آتاسی نین جهیزیندن پایى واردی.
قاراباغدا مولکیت صاحیبی اولان خانیملار " آغا "
عونوانى داشییردی " (۲۲، س. ۱۴). " او، فطرا
ایستعدادلیدير، شاعیردير، ادیبدير، بسته چیدیر و
بىر وفا سیمگه سیدیر. آباگىم آغا میللی گوونج
کیمی اؤیرنمه لی، میللی دیر کیمی اؤیره دیلمه
لیدیر " (۲۲، ص. ۶). مئهربان وزیره گۆره،
آباگىم آغايا ايستىناد ائدىلن

" حسنون تعريفینی حشره قدر يازسالار،

نه تعريفین قورتارار، نه حسرتین آزالار "

بیتى نین يازیلما تاریخى نین محمد بى
جاوانشیرین يارالانماسی ایله باغلی اولدوغونو
يازیر: " هيجران ياراسی نین قیلینج ياراسیندان
داها بئتر اولدوغونو طوطی کیمی نغمه لرینده
دیئلندیرمىشىدى. تعريفی ائللرده گزن ایگیدین
ياراسی نین ساغالیب آياغا قالخاجاغی او موبارك

باغیشلايیرمیش. شاه آغابگیم آغایا موداخیله ائتمک حاقی وئردیگیندن او، سفیرلرین خانیملارینی قبول اندیر، خاریچی دؤولتلرین حؤکمدارلاری و اونلارین خانیملاری ایله یازیشیردی. " سلاطینی بزرگ حرملری شاه حرمانه سینه دوستانه کاغیذ یازاندا خصوصیله آغابگیم آغانین آدینا یازارلامیش. مثلن، اینگیلیس کralی نین حرمی و روسییا ایمپراتورونون حرمی و س. " فتحعلی شاه آغابگیم آغانین ریجاسی ایله قاراباغدان گلن تجارت کاروانلاریندان آلیناجاق گؤمروک و تورپاقباسدی حاقینی لغو ائتمیش، قاراباغ تاجیرلرینه اوستون ایمتیازلار وئرمیشدی. بیر سؤزله، آغابگیم آغا، گؤزلیگی و عاغلی ایله فتحعلی شاهین یاتاغینی دئییل، کؤنلونو فتح ائتمیشدی. آغابگیم آغا بیر باشقا ایدی. قاجار حرماناسیندا ساییز خانیملار واردی و شریته گؤره حرمده آیری-سئچکیلیک اولما بیلیمزدی. بوتون بونلار رغبمن سارای دیوانی علمینه، معرفتینه، لطیف اونسیتینه، ائلجه ده شرق و آوروپا دیلبرینی، خصوصیله فرانسوز دیلینی گؤزل بیلدیگینه گؤره قاراباغلی آغابگیم آغایا کralیچا ستاتوسو وئریلمیش، شاهبانو ائلان ائتمیشدیر. عومومیتله، قاجار سلطنتینه آید خانیملاری نین نه آغابگیم آغادان اؤنجه، نه سونرا هئچ بیر نین آدی تاریخده، سارای سالنامه لرینده، خاریچی کشفیات ایداره لری نین سندرلینده بو قدر کئچمه میس، فتحعلی شاهین کبینلی و صیغه آروادلاری نین سایه نین ۲۰۰-دن آرتیق اولماسینا باخمایاراق (۳۰۰-۵ یاخین شاهزاده نین اولماسینا، اونلارین ۱۴۴-او اوغلان، ۱۱۶-سی قیزدی) هئچ بیر ایدارنتمه ده بو قدر سؤز صاحبی اولمامیشدی " (۱۶، ص. ۷۵). منبعلرده، ۱۸۱۱-جی ایله اینگیلتره کralلیغی نین ایرانا سفیر تعیین ائدیگی سئر قور اوزلی اعتمادنامه سینى تقدیم ائدرکن اینگیلتره کralی و کralیچاسی آدیندان آغابگیم آغایا آلمازلا ایشلنمیش آرخالیق باغیشلانیدیقی قئید اولونموشدو. اینگیلتره کralی آغابگیمین جامالینا و کامالینا حیران اولاراق اؤز الی ایله اونا "موقدس گئورگی" اوردنی تقدیم ائتمیشدی. آغابگیم آغا بو موکافاتى آلمیش یئگانه تورک قادینیدیر. شاهبانو دا اؤز نؤوبه سینده کralیچایا مکتوب و هدیییه

اولموشدو. سیاست اوغرونا، بیر-بیرینی سئون ایکی گنجی بیرلشمه یه قویمامیشلار. محمد بی مزارا، آغابگیم آغا قوربته گلین وئریلمیشدی. آغابگیم آغانین عاغیللی بیر قادین اولماسی باهارلی " احوالاتی-قاراباغ " ایندا دا یئر آلیر:

" بئله نقل ائدیملر کی، بیر گون آغا بییم آغا بو بایاتینی اوخودوغو واختدا، فتحعلی شاه گلیب ائشیدیب، گؤروب اوخویور: من عاشیقم قاراباغ، قارا سالخیم، قارا باغ. تهران جنته دؤنسه، یاددان چیخماز قاراباغ. " بونون بو سؤزو پادشاه خوش گلیب، سوال ائدیبلر کی، او بایاتینی نه تئور اوخودون؟ بیر دفعه ده اوخو! آغا بییم آغا بو دفعه مطلبی دولاندریب کی، پادشاه خوش گلسین. غرض، همن بایاتی نین آخیر فردین بئله دئییب کی: تهران جنته دؤندو، یاددان چیخدی قاراباغ. بو شاهها چوخ خوش گلیب " (۳، ص. ۴۶). عاغلی ایله فتحعلی شاهین احتیرامینی قازانان آغابگیم آغانی شاه فرمانلا " شاهبانو " ائلان ائدیبلر. "قم شهرینده اونا سارای تیکدیریر. دئییلنلره گؤره، بو سارایین قاپی-پنجره سینى، هوجره لرینی گونچرخانا، قیبله یه دئییل، قاراباغ ساری قویدورور، " وطن باغی " سالدیریر، آغابگیم آغا قاراباغین مشهور " خاری بولبول " اونو اکدیریر."

آغابگیم آغا دؤولتین داخیلی و خاریچی سیاستینده ایران منبعلرینده آدی؛ آغابگیم آغا آغاباجی و یا شاهبانو آغاباجی، آوروپا، روسییا منبعلرینده کralیچا آغاباجی اولاراق کئچن "آغابگیم آغانین نایل اولدوغونا حاکیمیتلر تاریخینده هله هئچ بیر قادین نایل اولما بیلمه میشدیر. آغابگیم آغایا بؤیوک احتیرام بسله ین فتحعلی شاه قاجار موقدس بایراملاردا اونون ریجاسی ایله دوستاقلاری آزاد ائدیبلر، گوناهاکارلاری

سفرینده اولارکن شاهبانو آغاباجی نین گۆروشونه گئدیر. فخری قوناق یوکسک نزاکت و ادب قایدالاری ایله قارشیلانديغینا و صؤحبتده اونودولماز تصورات، درین اعتیما دوغوردوغونا گۆره شاهبانو آغاباجیا کرال موکافاتی تقدیم ائدیر. باشقا بیر اؤرنک: روس چاریچاسی نین



ایران شاهبانوسونا یازدیغی مشهور مکتوبون بیر جومله سی آغابگیم آغا حاقیندا اولان بوتون یازیلاردا کئچیر: " ای بییم، سیز اؤز مودریکلیگینیزله مرحمتلی شاهین ایکینجی زؤهره سی، طالع اولدوزو اولدونوز. " بو جومله لری یازدیقجا آدامین بئینینی " مکتوب نییه یازیلیب " ، " بو مکتوبدا داها نه لر یازیلیب " ، " نییه روس چاریچاسی آغابگیم آغانی شاهین " طالع اولدوزو " ساییب؟ " ، " بو مکتولارب هارادادیر؟ " ، " آغابگیم آغا چاریچایا نه یازمیشدی؟ " کیمی سواللار گمیریر. تأسوف کی بونلار حاقیندا اطرافلی تدقیقات آپاریلمایب. شاهبانو آغابگیم آغا روس ایمپئراتور ساراییندا، آروپادا یاخشی تانینیردی. ازه لی و ابدی دوشمنیمیز اولان ائرمینیلر ایران ساراییندا یوکسک وظیفه لر توتوموشدو و روسلارا جاسوسلوق ائدیردیلر. تهرانداکی روسییا سفیرینی آغابگیم آغانین هر آددیمیندان خبردار ائدیردیلر. حتی روسییا رسمی سندلرینده آغابگیم آغانین آدی " ایران و روسییا موناسیبتلرینی پوزان شاهبانو " کیمی قئید ائدیلیلر. روس دؤولتی نین آغابگیم آغانی دوشمن سایما سببی آغابگیم آغانین قاراباغین گئری آلینماسی اوچون موجاديله ائتمه سی،

گؤندرمیشدیر. ائله همین ایله شاهبانو آغاباجی ایراندا سفرده اولان فرانسا ایمپئراتورونون خانیمی ایله گۆروشور، اونون واسیطه سی ایله ایمپئراتور ناپولئون بوناپارتا مکتوب گؤندیریر. همین دؤورده قاجار سارایی ناپولئونا علاقه لری گوجلندیرمه یه چالیشیردی. فتحعلی شاه طیفلیسین روسلاردان گئری آلینماسی اوچون ناپولئوندان یاردیم ایسته بیردی. حتی بو مسله ده قاجار دؤولتی فرانسا ایله آنلاشمایا دا نایل اولموشدو. لاکین فرانسا ایله روسییا آراسیندا صلح موقاويله سی ایضالاندیقان سونرا ناپولئون فتحعلی شاهلا اولان آنلاشمایا صادق قالمامیشدی.

آغابگیم آغانین ناپولئونا مکتوبو حاقیندا چوخ یازیلیب. حتی بعضی آراشدیرماچیلار بو مکتوبون لوور موزه ینده ساخلانديغینی قئید ائدیب. تأسوف کی، بو موهوم تاریخی حادیه هئج زامان علمی آراشدیرما مؤوضوسو اولمایب. بو سببدن آغابگیم آغانی ناپولئونا مکتوب یازماغا وادار ائدن سیاسی شرطلر، بو تاریخی شرطلرده قاراباغین یئری، مکتوبون متنی حاقدا ایجتیماعیته هله ده اطرافلی معلومات وئرلمه ییب. مشهور روس سیاحی پ. کووالئوسکی نین " گورجوستان حاقیندا قئیدلر " اوچئرکیندن اؤیره نیریک کی، اینگیلتره کralی بیرینجی گئورق ۱۸۱۴-جو ایله ایران

سؤكولدو. همین گونلرده آغابگیم آغا تاریخه دوشموش خیدمتلریندن بیرینی حیاتا کئچیردی. او، ساری آسلان لقبلی حسن خان قووانلی-قاجاری اسیرلیکدن قورتاردی. ساری آسلان ایروان قالاسیندا روسلار قارشى یگیمی ایل موقاویمت گؤسترمیش بیر قهرماندیر. بعضی منبعلرده " تورکمنچای موقاویله سی " نه اسیرلرین دیدشیدیریلمه سی ایله باغلی بندین سالینماسی دا آغابگیم آغایا آید ائدیلمیش.

آوروپا ایله عاصیبانین قیزیل داروازاسی اولان قاراباغ، ایران شاهلاری اوچون قافقازین قاپیسی، قافقازا آباق آچمیش روسیا اوچون ایرانین، بوتؤولوکده اورتا شرقین قاپیسی ساییلمیش. بو قاپینی اله کئچیرمک اوچون ساواشلار بیتیمیر. عؤمور یولو قاراباغین دؤولتچیلیک و ایشغال تاریخی، سیاسی گونده می، ترقیسی و تنزولو ایله سیخ باغلی اولان آغابگیم آغا، بو قاپی نین قورونماسی، روسلاردان آلینماسی اوچون تهراندا-سارایدا تکباشینا موجدایله وئرمیش، آغیر ایمتاحانلاردان کئچمیشدیر. سیاسیلشمیش طالع یاشایان آغابگیم آغانین حیات حکایه سینده وطنی قاراباغ " یاداللهی موداخيله لری، سیلسیله عایيله موصیبتلری، قارا سئودالار، اولوم و آیریلیقلار " قیرمیزی ختله کئچیر. آغابگیم آغانین حیاتیندا باش وئرن هر بیر حادثه زامانین سیاسی گندیشاتیندان دوغوموشدور. قاراباغدا دوغولان، قوربتده اولن خان قیزی دارالایمان آدلانان قم شهرینده دفن اولونموشدو. " فتحعلی شاهی آغابگیم آغانین اولوموندن سونرا تئز-تئز آغابگیم آغانین مزاری باشیندا گؤرورموشلر. شاه هر دفعه عباسی نین آلتیندان تک بیر قیزیل گول چیخاریب سینه داشینا قویارمیش. تک گول! " تهران سارایینداکی " تک گول " اون، محبتینی، قوربتینی، نیسگیلینی، وطن ایتکیسینی میصراعلارا پیچیلدایان آغابگیم آغانین پیچیلتیلاری قاراباغ آدلی هارایا چئوریلیب بیر آه کیمی، بیر ناله کیمی گؤیلره یوکسلمیشدیر.

ƏDƏBİYYAT

1. Axundov Nazim. "Son söz." Qarabağnamələr (Ön söz, transliterasiyası N.Axundovundur). Bakı, Şərq-Qərb, 2006, s.174-247

2. Azərbaycan qadın şairləri antologiyası (tərtib edən: Ə.Cəfərzadə). Bakı, Avrasiya press, 2005

عباس میرزه نین قافقاز اوغروندا ساواشینى دستکله مسی ایدی (ایشغالا دوشموش خوی و اورمونون روسلاردان خراجلا گئری آلینمیشدی. آغابگیم آغا قاراباغی دا باج حسابینا آماق فیکرینده ایدی. بونو عباس میرزه مومکون ساییردی. خوی و اورمو قالالاری نین دانیشیقلا ریندا قاراباغلا باغلی بئله بیر آلیش-وئریشه ایشاره ائدیلمیشدی. همین واخت بو موزاکیره لره گیرمک اوچون عباس میرزه نین ثروتی اولماسا دا او، حساب ائدیردی کی، قافقاز تورپاقلاری نین بعضی حیصه لرینی بؤیوک اؤدونجله گئری قایتارماق اوچون روس ایمپراتورو ایله دانیشیقلا رلا گئتمک اولار.

بیر نئچه جبهه ده موحاریبه ائدن روسیا ماددی بحرانا دوشوردو یوندن خراج قارشیلیغیندا داها بیر نئچه قالانی ترک ائده جگینی دوشونوردو و بو مقصدله سانکت-پتئربورقا سفر ائتمک قرارینا گلیر. خبری آلان روس ایمپراتورو شاهزاده نین بو تشریفینی آلیشیلایان جاواب مکتوبو گؤندرسه ده، روس سفیری قریبوئندووون تئهراندا اؤلدورولمه سی عباس میرزه نین روسیا سفیرینی دوردورور. بوندان آز سونرا فته لی شاه عباس میرزه نی آذربایجانان آلیب کیرمانا و خوراسانا والی تعیین ائدی. سبب کیمی همین شهرلرده باش قالدیران ایغتیاشاشلاری گؤستیریر. بونولا دا وطنی قاراباغین ایستیقلالی اوچون "حربچیلرله دیپلوماتلارین آراسینداکی زامان کسیمینده بؤیوک ایشلر گؤرن آغابگیم آغانین قاراباغ ایستکلری و تدبیرلری زاولا اوغراییر. قاجارلارین قاراباغ چیربیتنسی آغابگیم آغا و عباس میرزه ایله بیتیر). سؤزسوز کی، عوثمانلی، ایران، روسیا، فرانسا آرخیولرینده بو حاقدا ماتریاللار وار. بو منبعلرین آراشدیریلماسی چوخ موهمدو. چونکی بو منبعلرین آراشدیریلماسی، آغابگیم آغانین و قاراباغ اوغروندا میلی ساواشین تاریخی حاقیندا داها اطرافلی، داها درین معلوماتلارین اله ائدیلمه سینه وسیله اولار.

۱۸۲۸-جی ایله باغلانمیش "تورکمنچای موقاویله سی " قاجار سلطنتینه بؤیوک سیاسی و معنوی ضربه ووردو. موقاویله ده طلب ائدیلم خراجی اؤدمک اوچون سارای خانیملاری نین اتکلرینده، بویون-بوغازلاریندا اولان زینتلر بئله

حکایه – اویکو Öykü- Hekayə



کوزه

واحد ممدلی

خوشبخت او اینسانلار دیر کی، اونلار ننه بابالارینی ساغییکن گؤروبلمن یالینیز آنا نئم فاطمانی حیاتدا گؤرموشدوم. گؤزومو حیاتا اچدیغیمدان فاطما نئم بیزیمله قالیردی. اونون خوش سیماسی دایم خاطریمده دیر. آما بیر خاطیره ده وار کی، هئج زامان بئینیمدن سیلینن دئییل.

سککیز یاشیم واردی، یای تعطیلی ایدی. محلله اوشاقلاری ایله دایم اویون اوینا بیر، ائوه گئتمه یه تلمسیردیک. من ترله ییب برک سویوقلامیشدیم. آخشاما حرارتیم قالخدی. والیدینلریم حکیم چاغیردیلار. " عادی سویوقدیمه دیر " -دئییب، حکیم حرارتدوشورن درمان وئریب گئتدی. منیم خستلنمگیمدن هامی ناراحات ایدی، آما نئم یانیمدان ال چکمیر، تئز-تئز دوداقلارینی آلیما توخوندوروب حرارتیم اولوب-اولمادیغینی یوخلا بیردی.

نئم اندیشه سینی گیزله ده بیلیردی.هیجانلا
آنا دئدی:

۲. Baharlı. "Əhvalatı-Qarabağ." Qarabağnamələr (Ön söz və transliterasiya N.Axundovundur). Bakı, Şərq-Qərb, 2006, s.31-74

۳. Çəmənəmli Yusif Vəzir. Əsərləri. II cild. Bakı: Elm nəşriyyatı, 1976

۴. Əlizadə Həsən İxfə. "Şuşa şəhərinin tarixi." Qarabağnamələr (Ön söz, transliterasiya N.Axundovundur). Bakı, Şərq-Qərb, 2006, s.75-120

۵. Ərəb və fars sözləri lüğəti. II cildə, 2 c. Bakı, Şərq-Qərb, 2005

۶. Fəna Mirzə Rəhim. "Tarixi-cədid-Qarabağ." Qarabağnamələr (Ön söz N.Axundovun, transliterasiya A.Ramazanovundur). Bakı, Şərq-Qərb, 2006, s.7-30

۷. Gəncəli Sabir. Hər sətirdə bir tarix. Bakı, 1994

۸. Köçərli Firidun. Azərbaycan ədəbiyyatı (translitrasiya Ruqiyyə Qənbər qızı). 2 cildə I c., Bakı, Elm, 1981

۹. Kovalevski P. "Zapiski o Qruzii" ("Gürcüstan haqqında qeydlər"), s.124

۱۰. Qacar Çingiz. Köhnə Şuşa. Bakı, "Şərq-Qərb", 2019

۱۱. Qarabağnamələr. III kitab (tərtib edən: N.Axundov elmi redaktor: A. Fərzəliyev). Bakı, Şərq-Qərb, 2006, 248 s

۱۲. Qaradaği Həsənəli. "Qarabağ vilayətinin qədim və cədid keyfiyyət və övzaları, Pənah xan, İbrahim xan və Mehdiqulu xan əyyami-hökumətlərinin əksər vəqayə və hekayətləri." Qarabağnamələr. (Ön söz, transliterasiyası N.Axundovundur), s.121-130

۱۳. Qasımzadə Feyzulla. XIX əsr Azərbaycan ədəbiyyatı. Bakı, Elm və təhsil, 2017

۱۴. Pakrəvan Əminə. Abbas Mirzə və Azərbaycan (tərcümə Güntay Cavanşir), Bakı, Qanun, 2007

۱۵. Məhəmməd Həsən xan Etimad-ül Səltənə. Xeyratı-Həsən (daş basımı), 1304 Hicri-qəməri

۱۶. Məmmədov Kamran. Azərbaycan yazıçılarının həyatından dəqiqələr. Bakı: Gənclik, 1979

۱۷. Məmmədov Bəylər. Natəvanın şair qohumları. Bakı, Yazıçı, 1989

۱۸. Mirzə Fəzlullah Şiraziye Xavəri. Zül-Qərneyn tarixi (tərtib edən, Nasir Əfşarfər. Tehran, Milli Məclisin Mərkəzi Muzeyi, 1380, cəldə əvvəl, s. 62-63

۱۹. Mirzə Fəzlullah Şiraziye Xavəri "Zül-Qərneyn tarixi", düzənləyən Nasir Əfşarfər, Tehran, Milli Məclisin Mərkəzi Muzeyi, 1380, cəldə əvvəl

۲۰. Müstəhidzadə Qarabaği. Riyazül aşiqin. İstanbul, hicri şəms 1328

۲۱. Vəzir Mehriban. Ağabəyim Ağa Cavanşir. Bakı, 2016

۲۲. Tərbiyət M. Danişməndani-Azərbaycan. Tehran, 1314.

۲۳. Məhəmmədəli Tərbiyət. Danişməndani-Azərbaycan. (fars dilindən Azərbaycan dilinə tərcümə). Bakı: Azər nəşr, 1987

کند یوللاریندان سونرا بورداکى سلیقه سهمان
اینسانین روحونو اوخشاییردی...

حَیْطدن کئچیب ائوین پیلله لرینه چاتاندا،
شوشبندین قاپیسیندا احمدیییه بابانین گولروزلو
آرادی گولدسته بیزی قارشیلادی. ن بؤیوک
اوتاقدا باش طرفده کی دیوار بویو سریلیمیش
دؤشکچه لرده بارداش قوروب اوتوردوق.

بیز ائویمیزده سحر یئمگی یئسک ده، گولدسته
ستولون اوستونه بوشقابلاردا یاغ، پئندیر دوزوب،
نم و منه چای سوزدو. من ننه باخیب باشیمی
بولاسام دا نم چؤرگین آراسینا یاغ پئندیر قویوب
منه اوزاتدی:

- یی آى بالا. بورا اوجاقدی. یئمه سه ن
ساغالمازسان.

من چوخ ایسته بیردیم کی، تئز ساغالییم. اؤزومو
حالسيز حیسس ائدیردیم. اما نه گلدیگیمیز بو
ئوده، نه ده یئدیگیم پئندیر چؤرکده هئچ بیر
غئیری- عادیلیک گؤرمه دیگیمدن نمدن
سوروشدوم:

- ننه بورا نییه اوجاق دئیرلر؟

نم اوتاغین مرکزینده کی تاخچانین اوستونده
اولان کوزه نی گؤستریب، باخ او کوزه دن کیم سو
ایچسه، گئجه ده بو اوجاقدایا تیب سحر اوباندیقدا
ساپساغلام اولور. همه دییه بابا سئید-اؤولیا
اؤولادیدیر. ونا دا بو سئهرلی کوزه باباسیندان
قالیب. سونرا نم گولدسته یه کوزه دن منه بیر
ستکان سو وئرمه سینی دئدی.

کوزه نین اورتاسیندا ساخسی چیخینتیدان
اولان دایره نین ایچریسینده دوققوز گوشه لی
اولدوز، اولدوزون ختلی آراسیندا ایسه دوز و
قیریق ختلی ناخیشلار واردی. من اؤزومو کوزه
نین اوستونده کی ناخیشلارین سحرینده حیسس
اؤدیر، بو ناخیشلارین نه معنا کسب ائتدیکلرینی

-منه ائله گلیر کی، اوشاغا گؤز دییب. بالام
گؤزوموزون اؤنونده سارالیب-سولور. ممد ایجازه
وئرسیدی اونی صباح صوبحدن احمدیییه بابانین
اوجاغینا آپارادیم. و اوجاق بالامی ساغالداجاق.

ممد آتامین آدیدیر. او، ننمین منی اوجاغا
آپارماسینا قارشى چیخسا دا، سؤزونو یئره
سالماق اوچون راضیلیق وئردی... جیبیندن اللى
مانات چیخاریب ننه اوزاتدی،- بونو دا بیزیم
هامیمیزین آدیندان اوجاغا نذیر وئرسن-دئدی.

اثرکن سحر آتامین سوروجوسو ایداره ائتدیگی
اوتوموبیلده، ننه من احمدیییه بابانین اوجاگی
یئرلشدیگی کریمبیلیه یولا دوشدوک. کله-کؤتور
کند یولوندا اوتوموبیل نم و منی هر دفعه آتیب
توتسا دا، آرخا اوتوراجاقدایا بیز بیر بیریمیزه
ساریلیب گولومسه بیردیک. سوروجو ایسه اوزانان
آیری کند یوللاریندان گؤزونو چکمه دن ائله هئی
دئینیردی.

سوروجو اوتوموبیلی حَیْط داروازاسی نین
قارشیسیندا ساخلایاندا داروازانین اؤنونه، باشیندا
بوخارا پاپاق اولان نورانی بیر کیشی چیخدی. نم
منه دئدی کی، بو احمدیییه بابادیر. اصلینده اوجاق
آدلانان بو یئر احمدیییه بابانین ائویددی.

-آی سیزین صاباحلارینیز خیر. گؤر بیر کیمی
گتیرمیسن بیزه آی فاتما. یقین ممد دین
کیچیک اوغلودور بو؟

-هه باباسی، ناخوشداییب، گؤز دییب بالاما.
-نورلو اوشاقدیر. پیس گؤزلره شیش
باتسین... کئچین ایچری.

سحر تئزدن اولسا دا حَیْط تر-تمیز
سوپورگنمیش، خفیف سو چیلنمیشدی. حصار
بویو سیرا ایله اکیلمیش داش پالید آغاجلاری
حَیْطه خصوصی گؤزلیک وئیردی. کله کؤتور

من تعجب و حیرتیمی گیزله ده بيلمه ديم.
كوزه نى بير قدر قالدیریب آلتینا باخدیم.
تاخچانین اوستونه سريلمیش آغ رنگلی سوفره دن
باشقا هئچ نه یوخ ایدی. نئم یئنه ده تئز كوزه نى
ایمندن آلیب احتیاطلا یئرینده دوزلندی.

-ننه، بو كوزه بوشالاندا اورایا سو اؤز-اؤزونه نئجه
دولور آخی؟

-منیم بالام اورایا سویو گؤزگورونمز الله بابا
دولدورور.

-بیز ده بئله بیر كوزه آلساق الله بابا اونو دا سو
ایله دولدورار؟

-یوخ جانیم ایمانیم، بو كوزه دن تكجه بوردا وار.
اونا گۆره ده بورا اوجاقدیر...سن بو سودان ایچ، گۆر
سحر نئجه ساغلام اولاجاقسان.داها منیم بالام
خستلنمیه جک. هامیدان گوجلو اولاجاق. پیس
گۆزلر یانیب یاخیلاجاق.

همین گون آخشام ساعاتلارینا کیمی نئم تئز-
تئز منه كوزه دن سو وئرمه سینی دئییردیم.
مقصدیم ایسه او ایدی کی، كوزه نین سویو
قورتاردیقدا سونرا مؤعجیزه نین شاهییدی اولوم،
كوزه نین اؤز-اؤزونه سو ایله نئجه دولاجاغینی اؤز
گۆزلریمله گوروم...

...آخشامین گئج ساعاتلاری ایدی.یوخودان
گۆزلریم یومولسا دا من نمنین قوللاری آراسیندا
اوزانیب یاتماماغا چالیشیردیم. كوزه نین ایچینده
سو آز قالمیشدی.یقین بیر-ایکی ستکان دا ایچسم
سو قورتاراجاق و من مؤعجیزه یه شاهیید
اولاجاقدیم.

سحر ساعاتلاریندا گۆزلریمی نمنین یانیندا
یاتاقدان آچدیم. دونن آخشام ساعاتلاریندا نه زامان
یوخویا گئتدیگیمی بيلمه میشدیم. نئم یاتیردی.
جلد یاتاقدان قالخیب كوزه یه یاخیلاشدیم.

آنلاماسام دا اونلاردان نه ایلاسه ائتمسم ده
گۆزلریمی آیرا بيلمیردیم...اؤزومو اوزاق یاشیل
وادی نین اورتاسیندا حیسس ائدیردیم.تاخچانین
آرخاسیندا دیوارا وورولموش کیلیم ده عادى
کیلیم دئییلدی. کیلیمین اورتاسینداکی رنگارنگ
ناخیشلارین دا هر بیرى ائلی بو جاذیبه دار،
اینسانی اؤزونون اسیری ائدن كوزه نین اؤزو بویدا
ایدیلر...

گولدسته تمیز آرمودو استکانا كوزه دن سو
دولدوروب قارشیمایا قویدو.

حیطده کی سس کویه گولدسته پنجره نى
آچیب، باشینی چؤلّه اوزاتدی:

-نه یامان چوخسونوز؟ باکیدان واجیب قوناغیمیز
وار. دوعلاری حاضیر اولانلارینکین ایندی
گتیریرم. كوزه دن سو ایچمک، گئجه بوردا قالماق
ایسته ینلر صباح گل سینلر،-دئییب احمدیییه
بابانین اولدوغو اوتاغا کئچدی.وندان آلدیغی
دوعلاری صاحبیرینه چاتدیرماق اوچون، اوتاقدان
چیخیب، پیله لرله آشاغی دوشدو.

من گولدسته نین كوزه دن وئردیگی سویو
ایچیب قورتاردیقدا سونرا نئم دئدی:-آخشام
یاتانا کیمی بو سودان سنه وئرجم ایچ. الله راست
گتیرسین، شفا وئرسین.

من ستکانیمی گۆتوروب كوزه یه یاخیلاشدیم
کی، اؤزومه بیر ستکسن دا سو دولدوروم. نئم تئز
اؤزونو یئتیریپ، كوزه نى ایمندن آلدی،-احتیاطلی
اول آى بالا، سالیب سیندیرارسان هر کس
پئشمان اولار.یسته ینده دئى من اؤزوم سنه كوزه
دن سو وئرجم،-دئدی.

-ننه سویو بو كوزه یه احمدیییه بابا دولدوروب؟
-یوخ آى بالا، بو كوزه سحیرلیدیر.هر دفعه كوزه
دن سو قورتاردیقدا او اؤز-اؤزوندن یئنیدن دولور...



گیزلنپاچ اویناییردیم، ۷۰۰ قوش کیمی یونگول و ساغلام حیسس ائدیردیم.

بیر قدر کئچمیش آتامین ماشینی کوچه نین باشیندا گوروندو، آز کئچمیش سوروجو ماشینی دوردوردو.

-گل عؤمروم گونوم، گل گئدک ائویمیزه، گئجیکسک آتان حیرصلنر.

ماشینا ایلشندە نئم اللرینی گۆیه قالدیریب،-
آلاهییم سنه مین شوکور، ساینده احمدیییه
اوجاغی، کوزه نین سویو بالاما شفا اولدو،-دئییه
رک دوعا ائتدی.

ائوه چاتیپ آتامین اوستونه آتیلیب بوینونو قوجاقلادیم.

-ماشالله، بالام ساغالیب، قوربان اولوم احمدیا بابانین جددینه.

دونندن آتامی گورمه دیگیمدن چوخ داریخمیشدیم، امما آرتیق گئج اولسا دا آتام هله ایشدن گلمه میشدی. آتام منه و نئم،- ییخیلین یاتین، یقین ایشی چیخیب، گئج گله جک،- دئدی.

من یئنه ده نئمین قوللاری آراسیندا یوخویا گئتمه یه حاضرلاشیردیم کی، ائشیک قاپیسی جیریلدادی. گلن آتام ایدی. آنام قاپییا دوغرو آددیملایب،- نییه گئج گلدین، هاردا ایدین بو واختاجان؟- دئییه آتامدان سوروشدو و -واصیف ساغالیب،- دئییه علاوه ائتدی.

آتام، -مین شوکور دئییب- سئوینجینی گیزلتمه دی. آما سونرا آه چکدی:

-ایشدن چیخماغا آز قالمیش، منه زنگ گلدی کی، احمدیییه بابانین وضعیتینی آغیرلاشیب، باکییا خستخانایا گتیریرلر. من ده گئتمیشدیم اونو قارشیلاییب خستخانایا یئرلشدیریم. هه کی ملر دئدیله کی، وزیتی کریتیکدیر، شوکور بیر قدر

گؤزلیمه اینانمادیم. حیرتدن دونوب قالدیم. کوزه آغزیناجان سو ایله دولو ایدی.

بس گۆره سن آخشام کوزه نین دیبینه قالان سویو کیم ایچیب. دونن اویاق قالا بیلمه دیگیم اوچون اوزومو قینادیم. کوزه نین اؤز-اؤزونه نئجه دولدوغونو حیف کی گۆره بیلمه دیم، و مؤعجیزه نی گورمگی چوخ، لاپ چوخ ایسته ییردیم. حیف..
اگر بو کوزه نی سحر او باشاندان گولدسته گؤتوروب حیطه کی بولاغین سویوندان دولدورسایدی من اونون اوتاغا گیریپ چیخماسیندان سس-کویو حیسس ائدیب آیلاردیم. بئله بیر شئی باش وئرمه میشدی. کوزه آغیزباغیز اؤز-اؤزونه دولموشدو...

بیر قدر کئچمیش نئم ده یوخودان آیلدی. منیم آیاق اوسته اولدوغومو گوروب، یاخینلاشاراق دوداقلارینی آنیما یاپیشدیردی: -آی سنه قوربان اولوم. قیزدیرمان یوخدور. وزون ده ماشالله، ساپساغلامسان، قوربان اولوم احمدیییه نین جددینه.

سونرا نئم قوینوندان چیخاردیغی، آتامین نذیر اولاراق وئرمیش اولدوغو اللی ماناتین بیر اوجونو کوزه نی اهمالجا قالدیریب آلتینا قویدو.

بیر قدر سونرا احمدیییه بابا ایله گولدسته گلدی. نئم احمدیییه بابایا میننتدارلیغینی بیلدیریب گئتمه لی اولدوغوموزو دئدی.

احمدیییه بابا ساچلاریمی اوخشاییب، -آلاه سنی یوز یاشاتسین، همیشه ساغلام و گوجلو اولسان، قارشینا چیخان پیس گؤزلو، پیس نفسلیری بیلگی نین گوجو، عاغلینین ایشیغیلا بیر آندا محو ائدسن،- دئدی.

من حیطه قاجیب تئز بیر زاماندا تانیش اولوب، قایناییب قاریشدیغیم کند اوشاقلاری ایله

شعرىمىز - شاعىرىمىز
Şeirimiz - Şairimiz

غزل خوان شاعر رامىز عبدالله ینو

Qəzəlxan şair RAMİZ Abdullayev qəzəlləri



دیمز سن اینان، سن گۆزومون، یاشینا جانان

دیمز سن اینان، سن گۆزومون، یاشینا جانان،
گۆز دیکمه داها، ائلچیلیگین داشینا، جانان.

گئتدی، او گمین باتماغا آرتیق، او کئاندا،
بئرمود دئییلن، اوچبوجاغین، یاشینا جانان.

گۆزلى سوزرکن، منه ائیهاملا باخاردین،
گئت باخ اۆزوننه، آینا دا گۆز، قاشینا جانان.

بلکه اولای بیلسین، کیمیسه، ودا یاخاردین،
دوز سپ، اۆز اینله، یئیلن آشینا جانان.

قالماز بو گۆزلیک، ائله بیلمه کی، قالاندى،
دۇورانى كئچیرمه، بئله بوش-بوشونا، جانان.

رامىز، دئدیلىر چوخدو یاشین، بو کی، یالاندىر،
جان عشقه دوشر، فرق ائله مز، یاشینا جانان.

یونگوللشدى. حکیملر دئدیلىر کی، گندین آز دا
اولسا دینجه لین. گۆرک صباح باشیمیزا نه گلیر.
سحره کیمی اللریندن گله نی ائده جکلىر.

من نور اوزلو ننمین قوللاری آراسیندان یئرىمدن
قالخدیم. یاتاق اوتاغی نین قاپیسینی آچیب آتامین
قوجاغینا آتیدیم. سونرا آناما یاخینلاشیب
خیسین-خیسین آناما دئدیم:- آنام، ائام دئدیكلری
نین هامیسینی ائشیتدیم. احمدییه بابایا نه
اولوب؟

آنام سوسوردو. گۆزلرینی بیر نۆقطه یه زیله ییب،
منیم سواللاریمجاواب وئرمیدى. من حئیرتله
آنامین اوزونه باخراق اۆزومو توپارلائیپ، ان نهایت
دئدیم:

-آناجان من خسته لئنده احمدییه بابانین کوزه
سیندن ایچدیگیم سو منی بیر گونده تام
ساغالتدی. ندن او اۆزو ده کوزه ده کی سودان
ایچیب ساغالمیر؟

آنام خیلی فیکره گئدیپ بیر خیلی سوسدوقدان
سونرا هاندان-هانا دئدی:

-احمدییه بابانین کوزه سیندن سو ایچنلرین
هامیسی شفا تاپاردى. اما هر کس بو سودان او
قدر ایچدی کی، کوزه نین سویو قورودو...
احمدییه نین اۆزونه سو قالمايیب. سحره کیمی
دوعا ائدک کی، الله اۆزو احمدییه بابایا کۆمی
اولسون...

آنام بو سۆزلى دئدیکن سونرا من کور-
پئشمان یاتاغیما قاییدیپ، ننمین قوللاری
آراسیندا یوخویا دالدىم...

او حادثه دن خئیلی واخت کئچسه ده، ان
ایستی هاوالاردا بئله من سویو قورتوم-قورتوم
ایچیرم ...

رامیز، خالقا خیدمت ائت، هر بیر زامان، آد-سان قورو،
تک آلاق اوتدان قورون، دیزه سارماشان اولماسین.

یاریمی باخجادا قم، غوصه یه باتمیش ساندیم

یارلمی باغچادا قم، غوصه یه باتمیش ساندیم،
خبر آلدیم کی، نه وار؟ دینمه دی، یاتمیش ساندیم.

اوزادیب من الیمی، زولفونو یان ائیلر ایکن،
گۆزلریندن، گۆزومه، ایلدیریم چاخمیش ساندیم.

عیشوه ایله سوزه رک، سؤیله دی جانان، کیمسن؟
سؤیله دیم، من کی یارین، دینمه دی چاشمیش ساندیم.

دوداغی قونچه قیزیلگول، نفه سی ایستی بوخار،
بورودو، چؤهره می آتشلری، یانمیش ساندیم.

گولو خندان بوروندو، یارلمن لبلری بیل،
قوشولوب، من ده گولرکن، لئبل دادملش ساندم.

رامیزی مستی-خومار ائيله یین، او نازلی نیگار،
منی مجنون ائله ییب، سهرایا سالمیش، ساندم.

اؤز الیمله، اؤز کۆنلومو ویران ائلدیم، من

اؤز الیمله، اؤز کۆنلومو ویران ائله دیم، من،
بیللم نییه توفان تکی، توغیان ائله دیم، من.

اصلا یوخ ایکن، بیر سبب قیسقانجلیغا، دوشدوم،
اؤز سیریمی، اؤز حالیما پونهان ائله دیم، من.

یاغدير سوالی، ایندی منیم باشیمین اوسته،
عفو اولماغا، یوخدور جاوابی قان ائله دیم، من،

ایلرله سئویب اولموش ایدیم، مجنونو خسته،
سئوگی دایاغین، اوچوراراق یان ائله دیم، من.

اومید ائدیم، بو سحر صوبح چاغینی، سن آچاسان

اومید ائدیم، بو سحر صوبح چاغینی، سن آچاسان،
آچارق قوللارینی، اوستومه جانان قاچاسان.

کیمه بو قیسمت اولوب، بلکه ده هئج اولمایاجق،
کاش منیم قیسمتیمه، نورلوو محبت ساچاسان.

بو دا بیر آرزودو، کامدی، بونو قلبیم دیله بیر،
خوش اولار تانرییا دا، منله برابر یاشاسان.

طالعیین بوللاری آبری، دوزه مئیل ائلیه رک،
توتما، دوز یولدا اولارکن، یئنیدن گل، داشا سن.

قوی الین، قلبیمین اوسته، ائشیدیرسن سسینی،
اعتیبار ائيله مه، فیکری داغیدان، بیر باشا سن.

رامیز، وور قوال داشینا، داش کی، ائشیده تب سسینی،
دیقت ائيله، نئجه دوشدوکجه، دوشن گۆز یاشا سن.

نه گئدير، باغدان گئدير، باغبان پریشان اولماسین

نه گئدير، باغدان گئدير، باغبان پریشان اولماسین،
بو باغین صاحبی وار، یئرسیز آلبشان اولماسین.

باغ بیلر، باغبان بیلر، آیین ترین، تۆکموش یئر،
کیمسه قبول ائيله مز، کوسسون، باریشان اولماسین.

هر کسین، حؤکو قراری، اؤز ایچیندن گلمه لی،
او کۆنول ائوبن بیخان، ایشه قاریشان اولماسین.
مئوه یه مؤحتاج اولان، دریرسه، درسین، درمه لی،
نوش اولو او کسلره، تکی دانیشان اولماسین.

قورو نفسی هر زامان، تاماهدیر اجه لین تورو،
دؤولته، وارا اویوب، کیمسه یاریشان اولماسین.

نفسین، واری یوخ ائله دی، شربت چوخ ایچیردی،
سیلیم سنی، یوخسان داها، آد - سان آراسیندا.

کابوس ایله، دوست اولماغی سئچدین، نه یه لازیم؟
او جهنم، او دا جانین، گت یان آراسیندا.

رامیز، قویما بئله شعر، بیر گون، یئنه یازیم،
ظولمت دۆزه بیلمز، آچیلان دان آراسیندا.

بیر یالاندر کی، دئییر لر آق، قارادان یاخشیدی.

بیر یالاندر کی، دئییر لر آغ، قارادان یاخشیدی،
گنجه واختی، کیم دئیر کی، اولدوز آیدان یاخشیدی.

گون گونورتا، اولسا بویله، گونش نوروں ساچسا دا،
قارا بوغدا بی بو چؤهرن، بیل کی، آغدان یاخشیدی.

قارادیر، آغ رنگه وئرمیش سئوگیسین، هم ایستگین،
پارچالار سا کؤنلومو، هر بیر یارادان یاخشیدی.

گؤزلره، کیپریکلره، قاشا وئرکن دستگین،
آغ، قارادان سوسما دی، آخی هارادان یاخشیدی؟

دیشلری دوررم ائدیپ، میروارییه، او بنزه دن،
هم شیرینلیک، هم طراوت، چوخ یارادان یاخشیدی.

رامیزی مفتون ائدرکن، بیر گؤزل قیز تزه دن،
بلکه من، هئچ دورماییم، چیخیم آرادان یاخشیدی.

سن منی، قویما راحت، دور گنجلر گل یانما

سن منی، قویما راحت، دور گنجه لر گل یانما،
گوندوزون ولوله سین، زلزله سین سال جانما.

بیلسن نئجه، پئشمان اولاراق دردلره دوشدوم؟
گول باخچامی، گول سئوگیمی زیندان ائله دیم، من،

رامیز گونوهیم وار، بیلیرم بو عملیمده،
گلدیم کؤمک ائت، تک سنه گومان ائله دیم، من.

او منی چوخ دوشونوب، کؤنلونه مئهمان ائلدی

او منی چوخ دوشونوب، کؤنلونه مئهمان ائله دی،
او سببدن سئچه رک، دردینه درمان ائله دی.

سؤیله دیم من کی، حبیب دئییلیم، ائی نازلی نیگار،
تؤکه رک قاشقباغی، کوسمگی فرمان ائله دی.

گؤرورم، گؤزلری نین سئوگیسی، همدسیزدی منه،
هر سؤزون اولینه، باغلا یاراق جان ائله دی.

دئدیم ائی گول، بونا مومکون، یئری یوخ، آخی سنه،
آخیدیپ گؤز یاشینی، بنزیرینی قان ائله دی.

بخش ائدیپ، هم اؤزونه، هم ده منه، دردلی بلا،
گوندوزو ظولمت ائدیپ، گویا کی، او دان ائله دی.

خبرین وار، بو محبت، اونو سالمیش نه حالا؟
دئدی رامیز، دلی اولما، اوزونو یان ائله دی.

چیخ گت، داها دورما، روح ایله، جان آراسیندا

چیخ گت، داها دورما، روح ایله، جان آراسیندا،
دوشمن دئییلیک، سونرا دوراق، قان آراسیندا.

واردی او محبت، سارالیپ، سولدو الیندن،
ایندی گز اؤزونچون، بی ایله، خان آراسیندا.

وئردیم سنه هر شئی، اورگیندن نه کئچیردی،
افسوس، سنی سئچدیم نییه، اینسان آراسیندا؟



یئنه یوخسان گۆز لیم، هانسی مکان صاحبیسن؟

یئنه یوخسان گۆزه لیم، هانسی مکان صاحبیسن؟
اؤز اینله باتیران، قلبه تیکان صاحبیسن.

بئله قاچما اوزاغا، ائی گولو خندان، اؤلرم،
روحا، جان بخش ائيله ین، تکجه تکان صاحبیسن.

ائله بیل کی، دایانیب صوبح ایله، آخشام زامانی،
منی بیهوش ائله ین، مستی زامان صاحبیسن.

گل دوراق اوزبوزه، شؤله سالا، شام زامانی،
یئتیریب دیقت ائدک، سن کی، بو جان صاحبیسن.

جان آل، آل سنه قوربان، سنه منسوب ائندیم،
چک اونو چارمیخا لاپ، تۆکمه یه قان صاحبیسن.

رامیز، دئمه یوخ خبریم، منلی دئییل، من گئتدیم،
تؤوصییه ائتمه منه، شوهرتی، شان صاحبیسن.

من سنه، جان سؤیلدیم، جانان ندن، ناز ائیلدی؟

من سنه، جان سؤیله دیم، جانان ندن، ناز ائیلدن؟
قییما دین نئیوچون منه، اینصافینی آز ائيله دین.

بلکه ده من آتشینده، گونبگون یانان زامان،
سن سئویندین فخر ایله، احوالینی ساز ائيله دین.

باشقا عاشیقلر تکی، من ایسته دیم خوشبخت اولام،
تک سنه بئل باغلادیم، بلکه قیشتی، یاز ائيله دین.

افسوس اولسون اللرینله، آر قالا بدبخت اولام،
قاپقارا قیوریم ساجی، سن یاندیریب، داز ائيله دین.

بیر بیلیدین خاطریمده، ائی وفاسیز تک قالان،
گۆیه اوچماق ایستیرکن، اؤزونو قاز ائيله دین.

یوخودور، شربته دؤنموش، گئجه لر قیسمتیمیز،
آل منیم، جانیمی جانان، صاحب اول، سن قانیمما.

ائله ائت کی، سئویشک، کیمسه بونو، بیلمز اول،
گلمه سین ذره قدر، بیرجه لکه، آد-سانیمما.

قالدیراق زیروه لره، هم قورویاق، قویما سولا،
دستک اول سئوگیمیزه، صاحب اولوم، هر آنیمما.

سن منیم، نورلو چیراغیم، گئجمین، گوندوزوسن،
رقیبی قویما یاخین، یالواریرام، هئچ تانیمما.

رامیز، چکیلیب عرشه یوخوم، سؤزه صاحب، دوزو سن،
رؤبالار بیخدی منی، بلکه یاراشمیر شانیمما.

جانانیمما وئردیم، ائله بیلدیم قورویار

جانانیمما وئردیم، ائله بیلدیم قورویار،
آرخایین ائتمک اوچون، هم ده کی، حیرصی سویویار.

قویدو بوز خانایا، ائيله دی بومبوز جانیمی،
بیلمز ایدیم جانیمین، اوستونو آغ رنگ بویایار.

دونورام، تیتره بیرم، ایندی نه فرقی جانیمین،
وئردی قیش یوخوسونا، ایندی ده ساکیت اویویار.

بیر ایدی، ایندی اولوب یوز دنه، دردی جانیمین،
گۆره سن سئوگیلی جانان، گوناھین بؤیله یویار؟

ایسته دیم یاخشی اول، یاخشی دا دوشدو دویونه،
سالدی کندیر بوغازا، چوخ سیخاراق، ائيله دی دار.

رامیز، نه قویورسان عاغیلی، او داها گیرمز بئیینه،
قالمادی باشدا عاغیل، هامیسین آلیب، سئوگیلی یار.

کامال عباد اف آلیشی اوغلو

Kamal İbadov ALIŞOĞLUNDAN ŞEİRLƏR

گئجیکن سعادت

Gecikən səadət



خوش گوردوک، عزیزیم، گئجیکن سعادت
دئ گوروم، دئ گوروم هاردا قالميسان.
يئنه ائله-بئله گلמיسن البت،
نه ياخشی منی ده يادا سالميسان.
کوهنه ايستک لريم قلبيمي سيخيب
تزه ايستک لريم گوزومده يانار.
توتماق ايسته دييم اليمدن چيخيب
هارداسا اوزاقدان منه بويلانير
ايندى گورورم کی، عومور ياريدی.
هله بير ايسته يه چاتماميشام من
سنی گوزله ميشم، سنی عزیزیم
شيرين يوخولاری ياتماميشام من
سن ده کی، گله نده، بئله گليرسن.
هله گئجیکمه بين بير يانا قالسين
دايانيب قارشيمدا منه گولورسن.
منيم تک آداما گولمه يه دير.
گئجیکن سعادت ي گوزله مکدن سه،
واللاه بو دونيادا اولمه يه دير
بو ايل بئله کئچدی، کئچسين دئميشم

راميزين، يوخ بو ايشدن خبری، هر شئی يالان،
موغاما، خطر يئتيردين، آدينی جاز ائيله دين.

طاقتيم يوخدور منيم، يوردون آياق دا ديزلری.

طاقتيم يوخدور منيم، يوردون آياق دا ديزلری،
سن سببکار اولموسان، مفتون ائدرکن گوزلری.

هر دفعه يوخ سؤيله بيرسن، من کوسوم، کوسمور کونول،
لال اولور ديلم منيم، قالير ياريمچيق سوزلری.

آسما قلبدن داشلاری، بيرليک ده گل، موم ائيله يک،
دويماسين روحوم بئله، داشدان قالان، او ايزلری.

يوخ اولان يئرده، وصال دا يوخ اولور، بس نئيله يک ؟
آلاهييم، سن رحم ائله، نه اولار، باريشدير بيزلری.

من سنه يالوار ماغيمدا، سن ايسه نازينداسان،
لاغ ائديرلر چوخلاری، گولومسه ين وار اوزلری.

راميزه باخما بئله، آختار منی، دئ هارداسان ؟
رحم ائله، بخش ائيله مه صحرالاری، چؤل، دوزلری.



باخام گوزلرینه، آنامی گورم.
 آجیلی-شیرینلی دونیامی گورم
 گورم سئوینج دولو، محبت دولو،
 سسیم اوره بیمین بوزون اریدیر.
 ایچینده آغلایان «کورپه» چوبانی
 تسلین کیری دیر، سوزون کیری دیر.
 من ده ساکیت لشیب خیالا دالام
 «کورپه» گونلریمی یادیم سالام.

اوج تپه،

گوی سوغان،
 ایستی قالینچا.
 سحر لر گله سن اورا دالیمجا
 گل آل، کورپه چوبان،
 گل، آل دئییه سن.
 باشیما ال چکیب عزیزله یه سن.
 من ده قورره له نم داغا دونم بیر،
 آنا نوازیشی نئجه عزیز دیر.

فقط! من گورمه دیم او نوازیشی.
 سحر لر من اونو داغلار مئهنیدن
 کیچیک میرواری لر - اوتلار شئهنیدن،
 اولدوزلو گویلرین گوی ناخیشیندان،
 بیر ده کی، آتامین «سرت» باخیشیندان،
 کورپه اوره بیمین اینجیک سسیندن -
 کوهنه شالواریمی یویوب-سردیییم،
 «بوینونون دالیندان» انجیر دردیییم،
 سویوق شلاله نین، بوز شلاله نین
 باشیما الهنن قههه سیندن.
 گورموشم، گورموشم، او نوازیشی.

تسللی تاپمیشام گلن ایل له من
 دیزلریم آغریب ایلمه میشم.
 بو یاشا چاتیشام پیلله-پیلله من.

بیلیرم دونیادا یوواسیز قوشی وار

اوزومه باخمیشام، اونو آنمیشام
 سیزه جان آتماییب ایستی آغوشلار،
 بیر بوداق آلتیندا دالدالانمیشام.
 چوخو بو حیاتی سعادت بیلیم
 من سه اوز ایچیمده الم چکمیشم.
 بلکه ده طالعیم اوزومه گولوب
 من اونون اوستوندن قلم چکمیشم.
 بوتون بو عومرومون آغریلارینی
 بال کیمی دادمیشام من گوله-گوله.
 طالعیم، یول اوسته دیله نن قاری،
 گلیب کئچن لردن پای اومور هله.
 خوش گوردوک عزیزیم، گئجیکن سعادت
 آخی بیر دی گوروم هاردا قالمیشان!
 یئنه ائله-بئله گلیمسن البت.
 نه یاخشی منی ده یادا سالمیشان.

گوروشی

علی صابیب ایسرافیلوون آناسینا

خوش گوردوک،
 خوش گوردوک،
 خوش قدم خالا.
 یاخشی کی، قارشیم
 سن چیخدین بوردا.
 ایسته رم همیشه منی قارشیدا.
 من نه وخت قایتسام
 بو دوغما یوردا.

ننه‌مین سه قیاسی داغلارا دوشن سسی.
 داشلارین، آغاجلارین اوستونده گزیر هله.
 اونلار چتین رام اولار، اونلار چتین دینجه‌له.

باخ، اورا تپه‌بوینو، اورا داغاردولدورماز،
 گوزلریم ایشله‌دی‌کجه باخار، باخار یورولماز.
 «گوپ-گوپ» دان جووور کئچیب، ایزینه قوربان اولوم،
 چینه‌فارلی بولاغی گوزونه قوربان اولوم.
 اودون بیغان، اوت بیچن گنج‌لییم - آلین ترین.
 بو دره‌لر، بو داغلار، یازیلمايان اثریم.
 بورا تک قوزون دیبی، قوروقچو احمد هاردادی؟
 قوزا بیر سئله آتدیم، او منی قوووالادی.
 دونیا بئله دونیادی، دم ائیشدی، دم یوخوش.
 بیر ائیب یورولموش، بیر چیخیب یورولموش
 قلبیمده توماس داغین اوجا زیروه سانمیشام.
 من اونون زیروه‌سینده چوخ مطلب‌لر قانمیشام.
 زیروه‌ده دایانا همیشه باش اییبلر.
 یئددی قاین آغاجی زیروه‌ده هئی آیلدی.
 یئمیش پالید آغاجی دره‌ده دوغرانیلدی.

قلبیمده داغ بویدا داغ، باخیرام اوستپه‌دن،
 یوللار ایزلره حسرت، نه گلن وار، نه گئدن.
 جاوانلار قوش قانادلی - اوچوبلار شهرلره.
 بوش یوویا دونوبدو، هایلی-کویلو بو دره.
 عومرون گونلری کیمی کیچیک چای آخیب گئدیر.
 قوشلار بالالارینا اوچماق-اوچماق اویره‌دیر.
 کاهانین قاباغیندا ککلیک‌لر قاققیلداشیر.
 قارتال گویده قیی وورور، قوشلار یئرده دالاشیر.
 اوشاقلیغیم کئچن یئر - کئچل تپه، میره‌نمه،
 گدیک زمی، داش دوشن منی چاغیر گوروشه.
 هارداسان سونام منیم، گوزللیک دونیام منیم.
 آ قایغیلی بو گونوم، آ قایغی سیز دونه‌نیم.
 سن گیلاس چیچه‌یی‌دیدن، شاختایا قارا دوشدون.
 بو طالعه نه دئییم، سن گور بیر هارا دوشدون.
 آغ قایا «کاروان یولو» هر یان سس‌سیز سمیرسیز،
 اورک تمیز، قلب تمیز داش‌قالما اوینادیق بیز.
 او گونلرین اونونده اییل، کمال سن اییل.
 او موقددس، تمیزلیک گئری‌یه دونن دئییل.

خیالیم گور نجه آتینی چاپدی.

اوتن گونلریمی آختاردی، تاپدی.

بولاندیم، دورولدوم،

دوشدوم مین حالا.

آراییب-آختاردیم عزیز آنامی.

فقط! قارشیمداکی خوش قدم حالا

دوروب گوزلریمین ایچینه باخدی

گوزلریمین یاشی ایچیمه آخدی.

دیلله‌ندیم:

خوش گوردوک، خوش قدم حالا.

نه یاخشی قارشیم سن چیخدین بوردا.

ایسته‌رم همیشه منی قارشیدا

من نه واخت قایتسام بو دوغما یوردا.

۱۹۷۹

او یئرله گئده‌نده

«وغولوب بویا-باشا پاتریغیم بیراییل رایونونون

«اغتماس کئدینه ایتناف اثریم»

کندیمیزه گئده‌نده اوز توتورام داغلارا

اوز توتورام دوغرانیمش، ویران قالمیش باغلارا.

قبیریستان - سون منزیلدن کئچیرم آغیر-آغیر

تاپدانان بو مزارلار اوره‌ییمی داغلاپیر.

قلبیمده داغ بویدا داغ، باخیرام اوچ‌تپه‌دن

یوللار ایزلره حسرت، نه گلن وار، نه گئدن.

باخ، دره‌نین دیبینه قارالیر قوجا «کار داش»

دیندیرمه قان آغلارام، یامان گونومدو قارداش.

او کار داشین دیبینه آتامین ایزلری وار.

سینه‌سینده قم یوکلو گیزلنه‌ن سوزلری وار.

اونون داشدا داشلاشان هایلی-هارایی قالیب.

او واخت جاوان اولان سس، یقین ایندی قوجالیب.

دیندیرسم دینمز بو داش، لال یارانان کار اولور.

عومور وار، اینسان عومرو، ابدی خیال اولور.

ابدی خیال کیمی بو دا رزگه دره‌سی.

بورادا بابامین روحو، آتامین سا نفسی،

بیر هاوا چال دیشادا

گولوم، بیر هاوا چال، «جنگی» بیر هاوا،
عصرلردن-عصرلره هارایی چاتسین.
صداسی یلا کوراوغلونون دلی لرینی،
داش یوخودان بیرجه-بیرجه چکیب اویاتسین.

قول گوتوروب اویناسین لار اوزو آرانا،
باخماسین لار قوروغو نه، قایتاغی نه دیر
بلکه ائله بو هاوانین قلبه سینه
میلیون-میلیون دردلی قلبلر سئوینه سیدیر.

بیر هاوا چال، کئچمیشینی قایتارا بیلسین،
آلولاردا، اود ایچینده یانان بیر اولکه.
او اولکه نین شهید اولان اوغوللارینی،
گوزویاشلی قیز-گلین لر اونوتدو بلکه.

بیر هاوا چال، لئیلی لرین روحون اوخشاسین،
یادا دوشسون سئون لرین ایلك محبتی.
بیر هاوا چال، اورکلرده گول-چیچک آچسین
بو دونیا یا گلن لرین عشقی-نییتی.

بیر هاوا چال، آرزولارا قول-قناد وئرسین،
او هاوانین اووسونوندا دینجه لسین هامی.
بیر هاوا چال، وارلیغی یلا منه گوسترسین،
بو دونیادان ناکام گئتمیش، ناکام آنامی.

فرقی نه دیر پیانینو، یا قارا زورنا،
دوروب اونون یاغمورون قوشولارام من.
دره لردن، تپه لردن اوچوب کئچهرم
اوز جانیمی، اوز قانیمی اسیرگه مه دن.

بیر هاوا چال، اوچان قوشلار قناد ساخلاسین
دوغمالاشسین دورنالارین قریب نغمه سی.
بیر هاوا چال، آستا-آستا قوی نفس آلسین
هده لردن تنگه گلیمیش بو یئر کوره سی.

۱۹۸۴

رسول رضا

دورناین قاتاری گؤر نه قشنگدیر!
سحر بولودلاری نه لاله رنگدیر.
مهربان گؤزلرین یول چکیر یئنه،
بیر سس پیچیلدا ییر: «گلمه یه جکدیر.»

گئجه دیر، آی گلیب گزیر اوتاقد،
قولاغین سسده دیر، فیکرین اوزاقد.
سئوگیلیم، نه گؤروب عشقین، سورسانا،
قلبین اوتاغیندا تک آغلاماقد!؟

اوزاق اوفوقلرده آل گونش باتیر،
کؤلگه لر دنیزه مین کمند آتیر.
هیجرانین گؤزلری اویاقدیر یئنه،
نه گوندوز دینجه لیر، نه گئجه یاتیر.

حسرت تئلرینه کیمدیر ال ووران؟
گؤیرچین کؤنلومدور یوللاردا دوران،
یوز ایلیک بیر عؤمور قوربان وئردیم،
خومار گؤزلرینه باخسایدیم بیر آن.

بیلیمرم، صادیق سن آندا، ایلقارا،
قوی چکمه سین فیکریم، کؤنلومو دارا!
او بؤیوک عشقینله ساغالا جاقدیر،
اینان کی آدیغیم ان درین یارا.

بلکه بیر گون، مندن گتیردی سوراق،
قان لکه سی دوشموش، بیر ساری یارپاق.
بیل کی، سون شعریمین ایلك سؤزو سنسن،
بیر ده جان وئردیگیم بو آنا تورپاق...



اکبر رضایی (سسسین) اردشیر اوغلو (مولان)



هاممی سانکی هاممی نین اربابی دیر

یادا سانکی آدام دئییل یابی دیر

بوینو یوغون اوتانمازلار هئی یئییر

باشقالاری دالی دالی ایته لیر

هاممی یالنیز اؤز قارنینی دوشونور

آیریسینا یول وئرمه یه اوشونور

یئه ها یئه (بخور بخور)

قارنی دوبور، گؤزلری دویمایردی

آج اولانی یاخینا قویمایردی

رحیمسیزلیک آشار داشار اولموشدو

دوشونجه لر واردیر سادا سولموشدو ...

قیش گونونون سو بوقوندا ساختادا

بوتون قوشلار دایانیرلار قاپیدا

بیر آز چؤرک یادا قالمیش دویودن

من اونلارا سپه لیرم بیر آز دن

تؤکولولر چوخلوسو بیردن بیره

دولدوروللار قاپیمیزی بول زیله

بعضی لری قورتلاشیر بیر سؤز دئییر

یئییریئییر، یئییریئییر، ها یئییر

نه کی دویور نه ده دالی چکیلییر

باشاردیقجا گوجسوزلری ایته لیر

سحر چاغی قوشلارین سسینه قاپی قاباغینا باش
ووردوم و دونن گئجه دن قالمیش دویونو
قاپیمیزین اؤنونه تۆکدوم. گؤورچینلر و سئرچه لر
تؤکولولر باشلادیلار یئممه یه.

دوغرودانکی بعضی لری او قدر قاباغا
سوخولوردوکی باشقالارینا بیرجه دنه ده دن یئممه
یه ده یول وئرمیردیله، یاداکی یاخینا گلن لری
دیمدیکله ییب دالییا ووروردولار.

بو منظره حقیقتا منی چووووخ ماراغلاندیردی...
دئممه لی یاخشی دئییلر: فلانی نین قارنی دویور
آما گؤزو دویماییر.

یئه ها یئه

بوگون سحر بیر منظره گؤردوم من

ماراغیمدان دایاندیم من دوردوم من

یئه ها یئه دن بیر ییغینتی قورولدو

ایته له مه آرتیق یئممه دورولدو

کیمسه کیمی گودمه بیردی بیرجه آن

آج قالیردی سوخولمایان اوتانان





دوشمنلره مین لعنت،
 قاراباغا عدالت ایستر دیم
 بیر قفسه سیغارمیدیز، شاعیریم؟!
 باکینین یئنی بایراق مئیدانیندا
 هیمنین جوشقون صدالاری آلتیندا
 بایراغیمیز گۆیه اوجالدیلاندا،
 گۆزو دولوب، اورگی کؤورله نیم
 بیر قفسه سیغارمیدیز، شاعیریم؟!
 وطنینی بوتؤو گؤرمک ایسته یین،
 وطنین شاهینلرینه درس دئین.
 " آذربایجانیمیز موستقیل اولسون!
 اؤز اوردوموز، سیلاحلاریمیز اولسون.
 آذربایجان حربی طیاره لری
 دوشمنلرین سرحدلرینی پوزسون!"
 بو آرزونو تانریدان دیلیه ریم
 بیر قفسه سیغارمیدیز، شاعیریم؟!
 نه قدر موباریز، نه قدر حلیم،
 نه قدر باریشماز، نئجه مولاییم.
 روحو بیر آن یئرده قرار توتمایان،
 انگینلیکلرده ایتن ایلیم ایلیم
 بیر قفسه سیغارمیدیز، شاعیریم؟!
 قارایازی مئشه سینی گزه ریم،
 جئیرانچؤلون جئیرانلارین سوزه ریم.
 " کورون ان ابری بالیق منم "، دئییب،

تاپدالایان، قارنی شیشینجه یئیر
 باشقالارا، یالیز سیز باخین دئییر
 تاپدالانان آتیر رنگی روحونو
 تاپدایلیان گئییر شانلی دونونو

دونیا یامان، چوخلو یامان دونیادیر
 گوجسوزلری آتان دانان دونیادیر

فیکیرلشیب چوخدا بوللو دوشوندوم
 دوشونمه دیم دوشونمکدن اوشوندوم

بیرجه سؤزو آنلایابیلمه دیم من
 کیمسه لری دانلایابیلمه دیم من
 قوشلار دؤنوب آدام کیمی یاشاییر
 یا آداملار قوشلار کیمی یاشاییر!!!

یازیلماسی : ۰۷/۱۱/۱۳۹۹

نریمان حسن زاده

قفسی

قلبی محبتله ووران شاعیریم،
 اورگی خیففتله دولان شاعیریم.
 تکلیگین آزادلیغین اولوم بیلیب،
 قفسده جوت یاشاماق ایستیه نیم
 بیر قفسه سیغارمیدیز، شاعیریم؟!
 یاندیریلان کؤرپه لرین،
 اؤلدورولن ارنلرین ناله سینی،
 اسیر اولان گلینلرین حاق سسینی "
 بوتون میلترلره، بین الخالق تشکیلاتلارا ... "
 دئییه نیم،
 هایقیراراق دونیا یا یئتیره لیم.
 وطن، تورپاق، حرریت،

بابا نریمان نوه نریمان

BABA NƏRİMAN NƏVƏ NƏRİMAN

بابا:

قدملرین موبارکدیر، آی گۆزل اوغلان،
بیزه سئوینچ بخش ائله دین عرضی آسیمان.
سن هله چوخ بالاجاسان، هئچ بيلمه بیرسن،
بؤیوینده ائشیدرسن، یقین بیلرسن،
سنی نئجه گۆزله ییبدی بابان نریمان،
باباسی نین گول بالاسی، کۆرپه نریمان!
گاه ماراقلا باخارسان، گاه گۆزلرین سوزرسن،
تبسسومو معصومسان، باخیشلاری گۆزلسن.
بیردن بیره کۆوره لر، دوداقلارین بوزرسن،
گاه آغلا یار، کیریر، گاه یوخویا گئدرسن،
بونو نئجه گۆزله ییبدی بابان نریمان،
باباسی نین گول بالاسی، کۆرپه نریمان!
گۆر نه قدر ایللری اؤتوردوک، یاوروجوغوم،
سن هله آچیلمامیش تزه تر نومورجوغوم.
گلیشینله عؤمرومه یئنی معنا گتیردین،
بیلدین بابان داریخیر، سن اؤزونو یئتیردین،
بیلسن، نئجه گۆزله ییبدی بابان نریمان،
باباسی نین گول بالاسی، کۆرپه نریمان!
عؤمور بویو دوعاچیپام آلا،
او، صاحیبی ایختیار، حئیرانام بو معنایا.
گلیشی نین معناسی چوخ بؤیوکدور،
شوبهه سیز، سنینله داوام ائدیر حسن زاده
نسلیمیز!
بونو نئجه آرزولاییب بابان نریمان،
باباسی نین اصلانیدی کۆرپه نریمان! مؤلیفی
آلاه سیزی ساخلا سین، دنیا دوردوقجا دورون،
ایکی جاندا بیر اورک، مئهریبان، خوشبخت اولون!
بؤیوینده گؤررسن، اوخویارسان، دوبارسان، یاوروجوم،
کیمدیر بابان حسن زاده نریمان؟!
نئجه بؤیوک ایستعداد، نئجه گۆزل بیر اینسان!

بو ساهیلدن او ساحيله اوزریم.
تزه لاواش، ایستی تندیر چؤرگی،
بالیق سویوتماسی، خنگل سئوه نیم.
آنا طبیعتین حوسنونه حئیران،
اؤزو پولو، اصلیسه کسمنلیم
بیر قفسه سیغارمیدیز، شاعیریم؟!
شاعیری قفسده توتماق اولارمی،
شاعیر کؤنلو هئچ قفسده قالارمی،
شاعیر اولان کس قفس آرزولارمی؟!
گولو اوچون خیففت ائدن بولبولوم
بیر قفسه سیغارمیدیز، شاعیریم؟!
" تک یاشاماق آزادلیغی اولومدو " ... ؟
اؤلوم دئییل، بو آغردی، زولومدو.
جوت اولوبان قفسده محبوس اولماق،
جوت یاشاییب اؤزونو تنها سانمایین
اؤلوم، منجه، بودور، نه دئییم
بیر قفسه سیغارمیدیز، شاعیریم!؟

سیزی قفسده گؤرمک ایستمه دیم،
اونونچون اعتیراضیمی بیلدیردیم.
آما، شاعیر، سیز دئین او " قفسی "
سانمایین کی، هئچ ده باشا دوشمه دیم:
" کاش دونیا یا یئنیدن دوغولایدیز ...
باغلانان کیتابی اؤزونوز آچیب،
قوپان صحیفه نی یاپیشدیرایدیز،
ایتیردیگینیز گۆزه لی تاپایدیز! "
" قوجاغینی ان بؤیوک عشق یوواسی،
قوللاری آراسین قفس سانایدیز " ،
کاش عؤمورلوک او " قفسده " قالایدیز!



قلم اونون دردینی دایانمادان یازیردی،
 بو ایتکیله باریشمیر، بو یازینی پوزوردی.
 سیرداشی آغ ورقلر، اوزون تنها گنجه لر،
 اووونمایان اورگی، عوصیان ائدن فیکیرلر،
 عذابلاردان یوغرولان، ایضطیراب دان دوغولان،
 آجی - آجی آغلایان و ... آغلادان سطرلر.
 یاوروم، بابان بو دردی دیانتله داشیدی،
 بوردی، ییخیلمادی، لیاقتله یاشادی.
 او، بؤیوک بیر عالیمدی، مهارتلی ناطیقدی،
 دئپوتات کورسوسوندن چیخیشلار دا ائدیبدی.
 بؤیوننده بیلرسن کیم اولوب سنین بابان،
 اونونلا فخر ائده جک، اؤیونه جکسن، اینان!
 نه وظیفه وئریلر، عؤده سیندن گلیبدی،
 لاکین اؤز خیصلتینی هئچ واخت دیشمه ییبدی.
 صادق قالیب اؤزونه، ایتمه ییب طبیعتی،
 میلیونلارین عزیز، سئوملی خالق شاعیری!
 سن هله بالاجاسان، هله بؤیویه جکسن،
 سن هله اوخویاجاق، هله اؤیرنه جکسن.
 گاه آتانا، آنانا، گاه دا شاعیر بابانا،
 چوخ سواللار وئره جک، جاواب ایستیه جکسن.
 مودریک اینساندیر بابان بیر نسلین نیشانه سی،
 قدرینی بیلیمک گرک، " او " تانری هدیه سی!

سنی نئجه آرزولاییب بابان نریمان،
 اول بابانین داوامچیسی، نوه نریمان!
 اینسان ...
 بئله مؤحتشم، بئله ووقارلی،
 زیروه سی اوجا، آغاپاق قارلی. ..
 بو گؤرکمییله، بو ووقارلا، او نه قیادی،
 نه ده کی داغدی، اینسان یارانیب او بیراینساندی. ..
 مؤعتبرلیگی، عظمتیله،
 دوغوساللیغی مرحمتیله بو اولویت،
 شعریتیه قیادان مغرور، داغ دان او جادی،

اصل اینسان اوغلودور، تواضع کار، مئهربان.
 وطن داردا اولاندا او، سسینی اوجالیدی،
 تک وطن تورپاغیندان، تک خالقیندان گوج آلیب.
 اثرمنی خاینلرین بوتون یالانلارینی،
 گوناھسیز اینسانلارین وحشی سویقیریمینی،
 شعرى نین حاق سسیله دونیا یا یئتیریبیدی:
 " بوتون میلتره، بین الخالق تشکیلاتلار! .. "
 گؤر نئجه هایقیراراق، یانا-یانا دئییب دی،
 میلتنه عدالت، آزادلیق ایسته ییبدی!
 وار هم ده " ساپی اؤزوموزدن اولان بالتالار " ،
 هاردا پالید اوجالسا، تئز قصدینه دورانلار.
 نادانلار گنجه گوندوز بره ده تور قوروب لار،
 نامردلر یوللاریندا هپ پوسقودا دوروب لار.
 ناحاق سؤزلر سؤیله ییب، حاقسیزلیقلار ائدیبلر،
 ایستعدادینی دانیب هئی ایمک ایسته ییبلر.
 لاکین هئچ آیلر می زحمتیله اوجالان،
 و طنیندن، ائلیندن، تورپاغیندان گوج آلان.
 آتالار مثلیدیر: " پولاد سینار، آیلیمز " ،
 مرددی، آیلن دئیل مغرور بابان نریمان!
 طالعی ده سرت اولوب، ضربه لر ائندیریب دی،
 یولو یارییادک جوت، سونرا تنها گلیبدی.
 بو ائله ساغالماز درد اینسانی دیلندیریر،
 ائله قملی حکایت گؤزلری نملندیریر.
 قلم الیمده عاجیزدیر، شرح ائده بو خیففتی،
 اؤزوم ده سؤز تاپمیرام وصف ائتمه یه، یاوروجوم،
 بابانداکی دؤزومو، مردلیگی، دیانتی،
 اولفتی، صداقتی، موقدس محبتی.
 دردینی اورگینه سالدیسا، سوسدوسا دا،
 اورگی قوبار ائدیپ، گر اینفارکت اولدوسا دا،
 الینده کی قلمی ایللرله دایانمادی،
 " آیریلیق هیمنی " یازیب، گنجه گوندوز آغلادی.
 قلمینین اوجونو گؤز یاشینا باتیردی،
 نئيله سین، سینه سینده داغ بویدا داغ یاتیردی.

بوراندى، سويوق كسىر،
باشيندا آغ شال اسير،
اۋزگورلويه تله سىر،
قارا چكمه لى قادين.

«تبريز اوستو ماراغا
تئلى گلمير داراغا».
شعري چكيب دوستاغا،
قارا چكمه لى قادين...

اۋزدمير آصاف خوشجا قال!



سياه-بياض دوگمه لرينده پيانومون،
سنى چاليرام ايندى.
چالديقجا چوخاليرسان اوتاقد.
سن آرتديقجا من ايتيرم.
سنى دوغورورام گنجيه،
آدينى قويورام آيا باخاراق.
هر شئى سن اولور، هر يئر سن.
من اولورم.
سسيني ائشيديرم رۇبالاريمدا،
گۆز ليريمي قاماشديرير ايشيغين.

او بير اينساندى بنزرسيز اينسان!
بئله ياراديب اونو يارادان. او نريماندى،
بيزيم نريمان!
سپين منى وطنيمين هر يئرینه،
سپين منى كول يئرینه، بيتجيم
بو تورپاقدان من "خارى بولبول" يئرینه ...

دومان صفراوغلو قارا چكمه لى قادين



گۆز لليگين گۆزودور،
قارا چكمه لى قادين.
لاپ حسرتين اۋزودور،
قارا چكمه لى قادين.

بويلانير گيله-گيله،
كوچه دن بيزيم ائوه،
پاييزى سئوه-سئوه،
قارا چكمه لى قادين.

خزل-خزل جان آتير،
الى قوينوندا ياتير.
اورمو گولونده باتير،
قارا چكمه لى قادين.

گونش اولور، قيز دوغور،
باخيشى دنيز دوغور.
ايچيمده اۋزون بوغور،
قارا چكمه لى قادين.

تۆلكو گۆرچك ياواش ياواش گلدی
اُنديريب باش ادبله چۆمبىلدى

بیر زمان حسرت ایله قارغا ساری
آلتدان، آلتدان ماریتدی باش یوخاری
دئدی «احسن سنه، آقارغا آغا!
نه نزاكتله قونموسان بوداغا!»

بزه دین سن بو گون بیزیم چمنی
شاد قیلدین بو گلمگینله منی
نه گۆزه ل سن، نه خوش لقاسن سن!
یئری وار سؤیله سم هما سن سن!

توکلریندیر ایپک کیمی پارلاق
بد نظر دن ووجودون اولسون ایراق
بو یقین دیر کی، وار سئویملی سسین
اوخو، وئرسین منه صفا نفسین!»

بؤیله سؤزدن فرحله نیب قارغا
آغزینی آچدی تا کی، ائتسین، غا
«غا» ائده رکن هنوز بیرجه کره
پئندیری دیمدیگیندن ائندی یئره

تولکی فورا هاوادا قاپدی یئدی
قارغایا طعنه ایله بؤیله دئدی
«اولماسایدی جهاندا سارساقلار
آج قالاردی یقین کی، یالتاقلار»

گۆزلیم دوردونمو گول یاتاغیندان؟
ایپک ساچلارینی دارا گئیینمه
قوی حله باشینا دؤنوم دولانیم
کۆنلومو زولفونده آرا گئیینمه

یئل، سن کیمی توخونور منه،
من یارانیرام.

اُشیتمک ایسته دیکلریمی سؤیله میرسن هئج،
توخونمورسان منه،
سن کیمی بیر شیمشک چاخیر،
تام قلبیمه دوشور ایلدیریمی.
من گئدیرم...

میرزا علی اکبر صابر روباه و زاغ



آیا میدانستید شعر " روباه و زاغ " که در مقطع
تحصیلی ابتدایی میخواندیم در اصل ترجمه ای از
شعر تورکی " قارغا و تولکو " سروده شاعر بزرگ
آذربایجان مرحوم میرزا علی اکبر صابر است که
بدون هیچ اشاره ای به صاحب اثر کپی برداری
شده است!

جالب است خودمان باید اشعار مفاخر خودمان را
به زبان دیگری بخوانیم!!

اصل شعر :

پئندیر آغزیندا بیر قارا قارغا
اوچاراق قوندو بیر اوجا بوداغا

شفق لردن آل گونش پنجره سین آچاندا،
داغلار قیزیل لاله دن گول دؤشونه ساچاندا،
تارلاردا سونبوللر یئلکن کیمی اوچاندا،
سرین یئللر اؤپنده گول یاناغین چمنده،
سئوه جه یم من سنی، سن منی سئومه سن ده .

بوز بولاقلار چیچکدن بویون باغی دوزنده،
زومرود دونلو سؤیودلر، گؤی سولاردا اوزنده،
یاماجلاردا بنؤوشه دوداقلارین بوزنده،
بولبوللر اوخویاندا، قارانقوشلار اؤتنده،
سئوه جه یم من سنی، سن منی سئومه سن ده .

یاز گئجه سی گؤیدن آی، سون ایشیغین یایاندا،
بارماغیندا اینتیظار لحظه لری سایاندا،
یانیندادیر خیالیم سن اولسان دا هایاندا،
سحر یئلی هر سحر باغچامیزدا آسنده ،
سئوه جه یم من سنی، سن منی سئومه سن ده .

ستار گلمحمدی

سنین در سین



نییه شاگردلرین دویمورلار سنی؟
گول کیمی درسینده، سس ائله ییرلر.
من سئون اللره، من سئون گؤزه،
من سئون اورهیه قصد ائله ییرلر.
آغزی بانمیشلارین یوخدو خبری:
من سنین اؤنونده لال دایانیرام.

زولفون قامتیندن اوزوندور اوزون
یالانسا امر ائله بویونم وورولسون
آینا قاباغیندا بیر آینا دورسون
گؤرونسون اندامین یارا گئیینه

قلیمی کؤنلومو سنه وئرمیشم
هر زامان باشینا دؤنمک دیر پئشم
من حله باغچاندان گوللر درمیشم
ایم یئتیشمه میس نارا گئیینه

بو کؤنول سؤزومدور دئدیم اورکدن
بیل کی خوشوم گلمز بزک دوزکدن
گئیینسن آل یاشیل ماوی ایپکدن
اوستو قارا گوللو خارا گئیینه

مله ییم اوزومه گولمه اوزرده

بیلیرسن معنا وار بو پرده لرده

ایر گئیینسن ده خئیبرده شرده

سن بیزه گلنده قارا گئیینه

سنه شال یاراشیر ایپک یاراشیر
گؤرنده سئوینجیم حددیندن آشیر
بایاض قوماشلاردان گؤزوم قاماشیر
آرا گئیینسن ده آرا گئیینه

عثمان ساروللی

باخیش لارین ایز سالیب اوره ییمده باسقی تک،
عشقیمین قوجاغیندا خاطیرن وار بیر اتک،
آغزیمدا قوروسادا دیله دیگیم سون دیلک،
هر ایل باهار گلنده، داغلارا چن دوشنده،
سئوه جه یم من سنی، سن منی سئومه سن ده .



سیاد زیاد پور تونقال

عئینی بویادادیر گوی له گۆز لرین
ماوی گۆز لریندن گۆز لویو گۆتور!
پردەسیز سئیر ائتسین سؤیله گۆز لرین
ماوی گۆز لریندن گۆز لویو گۆتور!

گۆز ماوی، گوی ماوی، دنیز ماویدیر
توختاقلیق رمزی دیر تمیز ماویدیر
ماوی باخسین باخیش کی سماویدیر
ماوی گۆز لریندن گۆز لویو گۆتور!

ایلہام قاینای دیر شاعیر کۆنلومون
باخ! باخیش پایینی، آیبیر کۆنلومون
نہ اولار گۆز ونو دویور کۆنلومون
ماوی گۆز لریندن گۆز لویو گۆتور!

اعضالارین شاہی بیرجہ جوت گۆزدور
شاہی حالاندیران شئعیردیر سۆزدور
سۆز اومان گۆز لری اؤستومہ سوزدور
ماوی گۆز لریندن گۆز لویو گۆتور!

ایسیتیمیر دؤنیانین یئمن_ تومنی
تکلیگیمہ عاید اولان کومہنی
بیر یالقیز آدامام تلطیف ائت منی
ماوی گۆز لریندن گۆز لویوی گۆتور!

دفتره قیرمیزی دوزہلش کیمی،
واراق یاناغیمدا آل دایانیرام.

آدین تک، درسیمی ازبرلہ بیرم-
سئوگی باخیشینا بویانماق اوچون.

عؤمرومو، گونومو قوربان وئرہم-
شاگیرد تک اؤنونده دایانماق اوچون.

واخت آخیر... شاگیردلر دویمورلار سنی،
گۆر نجه قییبیرلار کؤورک سسینہ!
ہاردان بیلسینلر کی، حسرت قالمیشام،
قیرخ بئش دقیقہنین بیر دقیقہ سسینہ.

سہودی میثاللاری، مسئلہ لری،
دردینی آرتیریب یوز ائلہ ییرلر.

اؤلورم من سنین «اوج» وندن اؤترو،
وئریدیین «بئش» لره ناز ائلہ ییرلر.

تباشیر* لچک لی، چیچک اللرین،
لؤوحہنین اوزوندہ کپنک اولار.
دسمالا بنزہیر گۆیچک اللرین،
بیر اوغلان بالانی بلہمک اولار.

میصرع دوداقلارین یورولار ہردن،
ساچلارین پیرتداشار، اللرین اسر.
بیر گۆزل، بیر گۆیچک اوغلموز اولار،
بو دجل قیزلارین سسینی کسر.

نییہ شاگیردلرین دویمورلار سنی؟
گول کیمی درسیندہ، سس ائلہ ییرلر.
من سئون اللرہ، من سئون گۆزہ،
من سئون اورہیہ قصد ائلہ ییرلر...



فیزیک بیتە ر
 دۇنيا گۆز گۆزە باخار
 ان سون ايكي شى قالار
 بىر شى اورك
 بىر شى گۆز
 ايلاهى گۆرن كيم تئز سۇيىنچك
 مۇرگۆدن سونرا دانىشىجاك
 گىنىب ديك دوراجاخ
 بلكه وار
 يول چكه جك گۆزلىرىم
 بلكه تانرى
 ينى اورك
 يىنى گۆز
 يىنى روح
 بلكه تانرى
 بلكه وارلىق يولدو
 و ايچىمدكى روح قاتار
 بلكه يوبادير جسدیم روحو
 بلكه جسدیمین دىلى وار



باشقا فيكىرلىرى يىغ باشىندان آت
 سارالمىش رنگيمه بىر آز ماوى قات
 دوغومو سمنى كىمى ياشىللات
 ماوى گۆزلىرىندن گۆزلىويو گۆتور!

هرە بىر آچىدان باخىر صيادا
 باخىش وار ھدەدیر باخىش وار ادا
 باخىشىنا قوربان يا اۆلدۆر يا دا_
 ماوى گۆزلىرىندن گۆزلىويو گۆتور!

رر آلتای آغ وار (var)

دوغولار هر شى
 چۆرۆيه ر هرشى
 قالار دۇنيادا اۆچ شى
 اۆلر كن هر شى
 اۆچ شى لر باخارلار
 باخارلار گۆزگۆزه
 او اۆچ شى لرىن
 بىرى وارلىق
 بىرى باخىش
 بىرى روح
 قالار لار دۇنيادا بلكه ابدى
 يا بىر اوره ك
 يا بىر گۆز
 يا بىر گورك
 بىر شى لر وار دۇنيادا
 وار آخىر دا

Khudafarin



Türkcə - Farsca

Eylül 2022 - İL 20 - SAY 209 (ELMİ-ƏDƏBİ-KÜLTÜRƏL DƏRGİ)

[http://www. Khudafarin.ir](http://www.Khudafarin.ir)

<https://t.me/xudafarindargisi>

Üstad Hüseyin Məhəmmədzadə Sədiq
(DÜZGÜN) 1945-2022

